

در صفحات دیگر این شماره:

- هاشمی رفسنجانی و ۴۰۰ میلیون تومان خرید از خارج! ۲۱ صفحه
- تیرباران يك كمونیست دیگر در خوزستان ۸ صفحه
- رفیق حسنعلی شهبازی نفیگر انقلابی آزاد باید گردد ۲۶ صفحه
- پاسداران سرمایه، "نورآباد" ممسنی را با خاک و خون کشیدند! ۱۲ صفحه
- حزب دمکرات کردستان عراق و خیانت آن نسبت به خلق کرد ۵ صفحه
- مبارزات دانش آموزان در آستارا ۷ صفحه

وضع زحمتکشان در جنگهای عادلانه و انقلابی

۱۷ صفحه

رهنمود به هواداران داخل
و خارج از کشور
در مورد مبارزه در جهت
آزادی زندانیان
سیاسی انقلابی

۲۷ صفحه

پیشمرگان انقلابی
سازمان پیکار ۱۴ مزدور
را بهلاکت رساندند

۵ صفحه

آقای باهنر،
عامل فرخ روپارسا،
وزیر جدید
آموزش و پرورش
جمهوری اسلامی

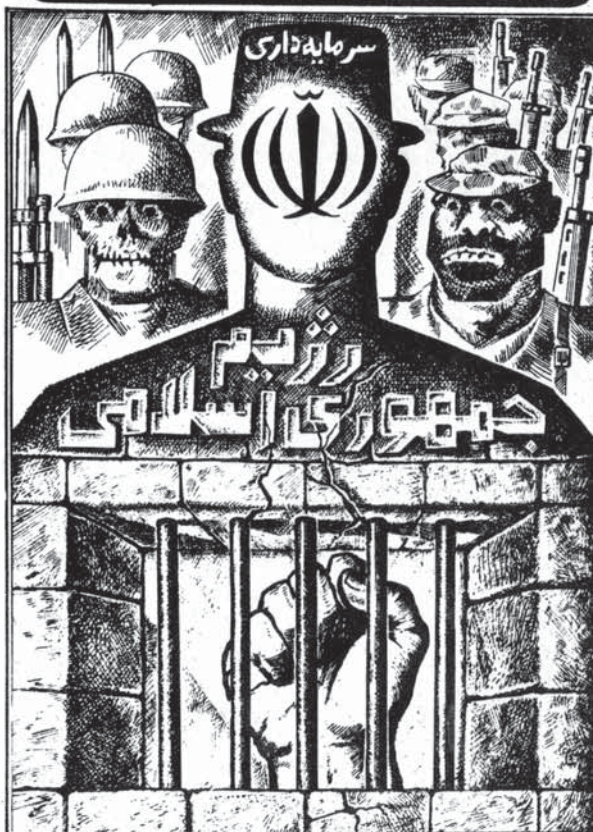
۷ صفحه

حقایق درون ارتش
و ادعاهای رژیم

۲۲ صفحه

انقلابیون در بند پرچم
مبارزه را در زندانهای
جمهوری اسلامی
برافراشته نگاه داشته اند!

۱۵ صفحه



درود بر دلاوری و مقاومت زندانیان سیاسی انقلابی

چرا بیکاری آتش زیر خاکستر است

۳ صفحه

سرمقاله

به استقبال جنبش اوچگیرنده نوده‌ها بنشایم

۲۲ ماه از قیام شکوهمند خلفای
قهرمان ایران میگذرد. این
قیام بدلیل خیانت و سازش
خرده بورژوازی مرفه‌سنجی و
بورژوازی لیبرال با امپریالیستها
و نبود هدف مستقل و رهبری
پرولتاریا و کمونیستها برای
قیام، نتوانست به حاکمیت
پرولتاریا و زحمتکشان ونوده‌های
تحت ستم منجر گشته و به خواستهای
اساسی نوده‌ها تحقق بخشد. اما
این هیچگاه به معنی شکست قیام
باقیه در صفحه ۲

گزارشی از
اوضاع
سیاسی عراق

۱۳ صفحه

محاکمه
مارکسیسم
در چین

۱۸ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

سرمقاله...

نبود، توده‌های رزمکش ورنجیده‌ها که در کام اول جنبش میلیونی خود در زیر سید تریس نوع دیکتاتورهای جهان و با تقدیم هفتاد هزار شهید و بیش از صد هزار رزخمی و زرنده‌ای موفقی شدند، رژیم سلطنتی شاه‌خائن این نماینده مزدور و کارگر را میریالیسم آمریکا را به زیاده دانی تاریخی بیا فکند، از آن به بعد نیز، علیرغم تمامی توهامات خود نسبت به هیأت حاکمه جدید و علیرغم یکدوره افت جنبش توده‌ای، از مبارزه بخاطر خواستهای سیاسی و اقتصادی خود و لولوسا برمد و دیوانه‌ها بستاند.

رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ما هیت بورژوازی و ارتجاعی خود، نه تنها نتوانسته (و نخواهد توانست) بر بحران‌های که از آینده سیستم سرمایه داری وابسته بود دفاع آید، بلکه هر روز که از عمر حکومت او میگذرد، این بحران در ابعاد وسیعتری افزایش مییابد و این خود، بنا بر ما بتی توده‌ها را دامن زده و آنها را به عرصه مبارزه روانه می‌کند.

کارگران آگاه و پیشرو، توده‌های وسیعی از خلقهای تحت ستم نظیر خلق کرد و ترکمن، ...، دانشجویان، دانش آموزان و معلمین رزمنده و انقلابی و ...، از همان فردای قیام، و توده‌های وسیع در فواصل بعدی، بتدریج دریا فته و در می‌یابند که این رژیم می‌خواهد توده‌ها را به خواستهای انقلابی و برحق آنها پاسخ دهد و از این برای حفظ دستاوردهای قیام خونین بهمین، به مبارزه خود به اشکال مختلف ادامه داده و میدهد. این مبارزات خود نمونه سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را در تمامی مناطق در کردستان و ترکمن صحرا، در خوزستان و دورود در کارخانه و روستا و در دانشگاه و مدرسه بدنیال می‌آورد و هزاران نفر از توده‌های قهرمان و انقلابیون کمونیست و غیر کمونیست کشته را و اعدام میشوند و زندان‌ها هم‌انداز زمان رژیم شاه از زندانیان سیاسی انقلابی انباشته شده و زندانیان سنا وین مختلف تحت شدیدترین شکنجه‌های روانی و جسمی قرار می‌گیرند و هزاران نفر از کمونیست‌ها و انقلابیون از ادارات و مدارس به جرم دفاع از زندگیشان و آزادی‌های دیکراتیک اخراج میشوند.

رژیم جمهوری اسلامی، همانند تمامی رژیم‌های ارتجاعی در تاریخ، کوردلانه تصور میکند؛ میتواند، چرخ تاریخ را به عقب برگرداند و با اخراج و زندان، شکنجه و اعدام سرکوب و کشتار جلومبارزه طبقه‌ای رزمکنان و خلقهای تحت ستم را بگیرد، غافل از اینکه خلقهای قهرمان ما که از ما بیش‌تر خویشتن را به ستم رادریست سر خود داده‌اند و انگاه به تحریکات مبارزات یک قرن اخیر خود، بر علیه هر گونه ستم سیاسی و اقتصادی و بر علیه سلطه میریالیست و وابداران

سیستم سرمایه داری وابسته به مبارزه سرخو احمد حواست و همانگونه که رژیم‌ها دوما می‌دستگاه سرکوب و کشتار نتوانست مدای حق للما بده آنها را خاموش کند، سرکوب و کشتار رژیم جمهوری اسلامی نیز هیچگاه قادر به منالده آنها نبوده و تنها موجب کوره خورتن، مشت‌ها، ربا ترشدن و غریبا‌دها و برادر شدن تنه‌ها کشته است. کافسی است نگاهی به وضع جنبش توده‌ای سیندا ریم‌ها ببینیم وضع از چه فراتر است:

طبقه کارگر و بویژه کارگران مبارز صنعت نفت که در ما‌های قبل از قیام مو با اعتماد بایب بردا منه و کشته خود، ضربات شکنجه‌ای بر حیات اقتصادی و سیاسی رژیم شاه وارد آوردند و در زمان قیام (والیته نه بصورت صف مستقل، بلکه در چارچوب دنباله‌روی از خرده بورژوازی و مواضع آن) حماسه‌ها آفریدند، در روزها و ما‌های پس از قیام نیز به مبارزه خود جهت حفظ ویا تشکیل شورا‌های کارگری (سندیکا‌ی سرخ) ادامه داده و علیرغم ضعف رهبری و کوشش رژیم جهت نابود ساختن این شورا‌ها و چا یکزیتی آن توسط شورا‌های اسلامی، نتوانستند در بسیاری از کارخانجات این شورا‌ها را حفظ کرده و یا بوجود آورند. علاوه در همین مقطع در کنار جنبش کارگران شاغل، جنبش کارگران بیکار نیز از سطح بالاشی سرخورداده، و هر روز تهران و شهرستانها شاهد تظاهرات کارگران بیکار با شعارهای اساسا انقلابی و پرولتری و اکثریت تحت رهبری کمونیست‌ها بود. مبارزات کارگران شاغل و بیکار اگر چه بعدها تحت شرایط عینی و ذهنی حاکم بر جنبش طبقه دچار افت گردید ولی هم‌اکنون با شدت بحران اقتصادی و سیاسی جامعه و افزایش بیکاری (هم‌اکنون طبق آمارهای خود رژیم، ۳۰ میلیون بیکار در ایران وجود دارد) تورم و گرانی بخصوص در مناطق جنگ زده و در ارتباط با کار و فعالیت آگاه‌ها که آن‌ها نسبتا وسیع کمونیست‌ها در میان کارگران، چشم‌انداز رشد و گسترش جنبش کارگری را در نقاط مختلف ایران و بخصوص در مناطق جنگ زده و نواحی صنعتی ایران، نویسد میدهد.

خلق کرد که از همان روز اولین بهار پس از قیام بخاطر مبارزه برای خودمختاری و حق تعیین سرنوشت خود مورد حمله و یورش سبب افکنشهای رژیم حاکم قرار گرفت، تاکنون علیرغم تمامی جنایات و حینا در محاصره اقتصادی دشمن، علیرغم شهادت هزاران نفر از رزمکنان و انقلابیون در کردستان و علیرغم کشتار و تبعید مدها تن از زنان، کودکان و سیر مردان (ا‌هالی روستا‌های فارنا، نه‌لانی، اسدراش، صوفیان و ...)

و با لایحه علیرغم خنثی‌سازش حشرب دیکرات و روزیونیونیست‌های فدائی، همچنان با شور و شوق و وفاتادنی به مبارزه مسلحانه خود علیه رژیم جمهوری اسلامی و ارتش و وابداران

سرمایه‌محکوم‌ها کتون بوانند است، علیرغم تمامی مشکلات، محدودیتهای وضعیها، ضربات شکنجه‌ای بر پیگیر دشمن وارد آورد.

به همین ترتیب خلق قهرمان ترکمن، مبارزه کسریده و مسلحانه خود را با زمینداران سرکوب و رژیم جمهوری اسلامی در چارچوب شورا‌های انقلابی دهقانی تا بهار امسال ادامه داده‌اند. مناقشه‌های ریز و یونیونیست‌های فدائی و سایر آنها با رژیم، موجب تا‌سی شکست این جنبش و نابودی دستاوردهای عظیم آن را که میتوانست به گسترش آن بویژه در منطقه شمال منجر شود، فراهم آورد. بدون تردید جنبش خلق ترکمن و اصولا جنبش دهقانی در منطقه شمال و سایر مناطق ایران، خواستهای اساسی خود را همچنان در پیش رودارد، خواستهای که هیچگاه رژیم جمهوری اسلامی قادر به پاسخگویی آن نبوده و نیست و این خود زمینه‌ای را برای رشد و گسترش این جنبش در آینده فراهم می‌آورد.

دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و مبارزه‌گرا همواره در سرگردانگاه و مدرسه منادی حقوق رزمکنان و آزادی‌های دیکراتیک بوده‌اند و بهمین خاطر هر روز و هر ساعت مورد ضرب و شتم و سرکوب و کشتار و وحشیانه‌ها در از ارتجاع قرار گرفته و با روانه زندان و شکنجه‌ها شده‌اند. هم‌اکنون علیرغم بسته شدن دانشگاه‌ها و حاکمیت خوفقان و سرکوب در مدارس، همچنان به مبارزه خویشتن در مدارس، در کوشه و کتار خیابان و بر سر نردگه و بساط فروش نشریات انقلابی، در کارخانه و مزرعه، در زندان و شکنجه‌ها و در کارخانه‌های اعدام ادامه میدهند.

معلمین انقلابی و مبارز، بدون و اهما از اخراج و "پاکسازی" و بدون و اهما از زندان و تبعید، در کنار دانش آموزان انقلابی و کمونیست به مبارزه خود گسترش و شدت بیشتری بخشیده و هم‌اکنون موج اعتراض معلمین مبارزه و آگاه‌ها نسبت به جو بیلیسی و خوفقان و سرکوب در مدارس اخراج عناصر انقلابی، ضرب و شتم دانش آموزان و معلمین و زندانی کردن آنها، و در مخالفت با فرهنگ نظام آموزشی مدارس، مناطق مختلف کشور را فرا گرفته است.

جنبش زندانیان سیاسی انقلابی و ارتجاعی اعتمادات غذای اخیر زندانیان سیاسی در تهران و حمایت و پشتیبانی نیروهای انقلابی و اقشار خلقی از آنها کوشید و دیگری از مبارزات دیکراتیک و مدا میریالیستی خلق ما را بدینا پیش می‌گذارد. اظهارات بتنی صدر و دیگر کسرا لیا در هفته‌های اخیر راجع به زندان و شکنجه و با ملاحظه نگرانی آیت‌الله خمینی از "تابعد" شکنجه در زندانها و تعیین هستی برای تحقیق در این باب و موجب ستم آن! در عین حال که چیزی جز کوشش برای ضرب و شتم و محارفات و منحرف کردن افکار عمومی از حقایق زندانیان، شکنجه‌گران و بشبه در صفحه ۲۱

مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

اجتماع کارکنان شرکت نفت بمنظور کسب حقوق پایمال شده شان

روزشنبه ۹/۸ کارکنان شرکت نفت در مناطق جنگ زده در شهر تهران، شیراز و امفیان جهت دریافت حقوقشان اجتماع کردند اما مقامات طی اعلامیه‌ای پرداخت حقوق را به روزهای دیگر موکول کردند لذا در این اجتماعات نمایندگان کارکنان به افشای اعمال ضد مردمی رژیم مبنی بر محدودیت در پرداخت حقوق کارکنان (مثلا به کارگران بیش از ۲ هزار تومان نداده اند) و گذاشتن شرط و شروطی چون دریافت حقوق در مناطق جنگ زده و... پرداخت کردند. قرار شد که روز سه شنبه ۹/۱۱ در اداره مرکزی شرکت نفت گرد هم آیند.

در این روز حدود ۶۰۰ نفر از کارکنان در سالن اداره مرکزی شرکت نفت جمع شدند ۹ نفر نماینده کارکنان جنگ زده از شیراز، ۲ نفر نماینده کارکنان جنگ زده از امفیان و ۲ نفر نماینده از ما شهر نیز برای مطرح کردن خواست - های کارکنان آن مناطق در این جلسه شرکت داشتند. در این جلسه نمایندگان مختلف صحبت کردند و ضمن طرح خواسته‌های کارکنان، به افشای برخی از عملکردهای رژیم پرداختند. مثلا یکی از نمایندگان با ارائه سندی نشان بقیه در صفحه ۱۰

کارگران رویزبون‌بسته‌های (اکثریتی) را از کارخانه اخراج می‌کنند

چندی پیش یکی از اعضای شورای کارخانه "خربا" که از هژداران رویزبون‌بسته‌های فدائی (اکثریت) بود، به وسیله کارگران از کارخانه اخراج می‌شود و دیگران را به کارخانه راه نمی‌دهند در حالیکه کارفرما با این عمل مخالف بوده و در صدد بازگرداندن او به کارخانه است، ولی با مقاومت کارگران و فشاری آنها روی اخراج این "اکثریتی" مواجه می‌گردد!

جریان از این قرار است که کارفرما مدت یکماه حقوق و مزایای کارگران را پرداخت نمی‌کند و با وعده و وعید و تظاهرات خشن بیل (۱۲) کارگران را سر می‌دواند. کارگران که از این عمل کارفرما به خشم آمده بودند شورای کارخانه را تحت فشار قرار می‌دهند تا کارفرما را وادار به

بقیه در صفحه ۹



جنبش کارگری

چرا بیکاری آتش زیر خاکستر است؟

از پیش می‌بار زده بر علیه عامل اصلی این بیماری یعنی نظام سرمایه داری، کاشانده می‌شوند، همان گونه که بعد از سالهای ۵۵ و ۵۶ در ایران چنین شد. از آنجائی که در رژیم جمهوری اسلامی بحران اقتصادی کماکان ادامه دارد، مشکل بیکاری نیز به شکل حادی بقوت خود باقیست، عوام فریبی - های رژیم جمهوری اسلامی نیز نتوانست و نمی‌توانند مانع مبارزات صدها هزار نفر کارگری بشود. بعد از قیام میهن ما به تلافی صله مبارزه کارگران بیکار را و ج گرفت و تاکنون علیرغم افت و خیزهای ادامه داشته و در ضمن با سرکوب پاسداران رژیم مواج گشته و می‌گردد.

مقامات رژیم، عاجز از هرگونه عملی که بتواند دولاندگی از شدت بیکاری بکاهد سعی در پنهان کردن مسئله و کوچک نمودن ابعاد داشته و دارند، ولی واقعیات که در ضمن، تهدیدی برای موجودیت رژیم نیز بود، آن را واداشت که ضمن اعتراف به حادثه بودن مشکل بیکاری، مذبحوا نه در فکر "راه چاره‌ای" باشند. طبق بقیه در صفحه ۱۰

رجائی نخست وزیر جمهوری اسلامی در جلسه روز پنجشنبه ۵۹/۹/۱۳ در کنفرانس استاندانان اعتراف می‌کند که:

"مسئله بیکاری بصورت آتش زیر خاکستر پنهان شده است، بنا براین باید قیل از آنکه بصورت را هیمائی عرض وجود کند و حالتهای دیگری را پیدا کند، برای حل آنها راه حل‌های مناسبی ارائه شود." (۳)، برآستی چه عا ملسی باعث شده که مقامات رژیم اینچنین از وجود مسئله بیکاری بوحشت بپا فتند؟ و آتش که آقای رجائی از آن نام میبرد چیست؟ و در صورت خارج شدن آتش زیر خاکستر، چه کسانى را در شعله‌های خود خواهد سوزاند؟

بیکاری یکی از عوارض جوامع سرمایه داری است که در شرایط بحران اقتصادی به شکل حادی بروز میکند. البته سرمایه داریان همواره از وجود بیکاری برای پائین آوردن دستمزدها و استثمار هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان، حداکثر استفاده را میکنند، ولی زمانیکه بحران حاد می‌شود و بیکاری گسترش می‌یابد توده‌ها بیش

اعتصاب در کارخانه‌ری - او - واک قزوین

میشوند مدبرعامل را مجبور کنند به کارخانه بیا یدمبارزه شان را برای کسب حقوق حقه خود ادامه بدهند.

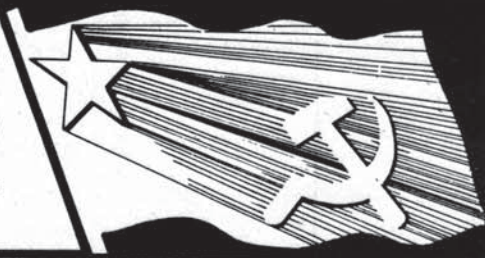
در اعلامیه‌ای که توسط کارگران در کارخانه بخش می‌شود، خواسته‌های کارگران بصورت زیر عنوان می‌گردد:

- ۱ - پیا ده کردن طرح طبقه بندی با نظارت کارگران و منفع کارگران
- ۲ - در حالیکه پیا ده کردن طرح چندین روز طول میکشد، باید مبلخی (که مقدار آن با نظر همه تعیین می‌شود) بعنوان علی الحساب پرداخت کنند
- ۳ - تمهیدکنشی و تعیین یک مدت ۱۵ روزه برای پیا ده کردن طرح
- ۴ - مصمی و افرادی که هیچ مسئولیتی ندارند حق دخالت در کار کارگران را ندارند.

کارگران مبارز کارخانه ری - او - واک که پس از چند ماهی کوشش برای پیا ده کردن طرح طبقه بندی و گفتگو با به نتیجه ای نرسیده بودند، در تاریخ ۵۹/۹/۸ همگی دست از کار کشیدند و با جمع شدن در نهان رخوری خواستار پیا ده شدن طرح طبقه بندی شدند. اعتراضات کارگران این کارخانه شورای کارفرمایی را به تکاپو انداخت و آنرا مجبور کرد که با مدبرعامل خاش که در تهران است تماس بگیرد. اما مدبر سرمایه داری و جنان پیکار برای اینکه به کارخانه بپاید، میگوید: کارگران نباید اعتصاب خودشان را تمام کنند در حالیکه کارگران مبارز، ری - او - واک تصمیم میگیرند به زور مبارزه و اعتصاب مدبرعامل را بکارخانه بکشند و حقشان را از حلقوم کشیش بیرون بیا ورنه، سرانجام کارگران موفق

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۹)

که رژیم برای سرکوب خلق کرد متحمل می‌شود، فرار داد، بدین ترتیب کارگران درمی یابند که به قیمت استثمار بیشتر آنان، رژیم برای سرکوب توده‌ها اسلحه می‌خرد و یا مثلاً برای نشان دادن دروغین بودن مبارزه‌ها مبریا لیستی رژیم، میتوان در کنار ادعای آنان، قرارداد - های اقتصادی و وابستگیهای موجود اقتصادی را بجا پرساند و یا برای نشان دادن دشمنی رژیم با انقلابیون در کنار رنج آزادی ساواکیها و نوکران امپریالیسم، خریدستگیری با تیر - باران کمونیستها و انقلابیون تبلیغ نمود.

۴- گستردگی تبلیغ

در قانون اول گفتیم که، تبلیغ بایستی روحیات تسلیم‌ورگودار توده‌ها در هم کوید و ضم آگاهیه‌های بخشیدن به توده‌ها، روحیات انقلابی را تقویت و هدایت کند. در قانون دوم گفتیم که تبلیغ بایستی به بنیادهای توده‌ها بموقع پاسخ گوید و اعتماد آنان را بر روی خود جلب نماید. در قانون سوم گفتیم که تبلیغ بایستی در پیوند با توده‌های وسیع انجام گیرد، بدین - ترتیب مشخص گسترده بودن تبلیغ را از دل همه توانین تبلیغ و بخصوص قانون سوم میتوان بیرون کشید. این مشخصه در مضمون و محتوای تبلیغ، بلکه در طرق انجام آن است. کافی نیست که تبلیغ بر انگیزاننده و بموقع باشد و به - درستی تضاد را عریان کرده یک ایده را به توده - ها مشخص کند، بلکه بایستی حتما بصورتی گسترده انجام گیرد. اگر بهترین و مناسب ترین اوراق تبلیغی تهیه گردد، تا زمانیکه با تیرازی وسیع بمیان توده‌ها نرود و تا آخرین ورق در میهمان توده‌ها پخش نگردد، نمیتوان از پیشبرد امر تبلیغ سخنی هم بمیان آورد.

بدین ترتیب وظیفه همه کمونیستهاست که تا آنجا شکی می توانند، نشریات تبلیغی - کمونیستی را بمیان توده‌های هر چه وسیعتر ببرند، کیفیت و صحت مطالب مورد تبلیغ، بگونه قضیه است و پخش و اشاعه گسترده آن، وجه مهم دیگر، دوارگان تبلیغی را در نظر بگیرد که یکی با رعایت تمامی قواعد و مشخصات تبلیغ انتشار می یابد، منتها با تیرازی مثلاً ده هزار و دیگری را که از آن پائین تر است منتها با تیراز، صد هزار پخش می‌گردد. طبیعی است علیرغم گاستی - های دومی، تا شیران بر میارزات طبقه‌های بیشتر است. بدین ترتیب اگر وظیفه مرکزیت و ارگان مرکزی، انتشار اوراق تبلیغی با بهترین کیفیت است، وظیفه تمامی اعضا و هواداران سازمان کمونیستی، اشاعه و گسترش روزافزون آن در میان توده‌هاست. بایستی کوشید تا مرتب تیراز ارگان مرکزی را افزایش داد و اعلامیه‌ها و تراکت‌های بیشتری تکثیر و

بسیار کمتری را در بر میگیرد. روند شناخت توده‌ها از مسیر آگاهی یافتن بر روی مسائل و واقعیات مشخص می‌گردد و بقول لنین آگاهی سیاسی و فعالیت انقلابی توده‌ها را با هیچ چیز نمی توان تربیت نمود "مگر بوسیله همین افشا - گریها" (۴) و همین تبلیغ مظاهر مشخص واقعیات، توده‌ها بایستی از خلال تبلیغ جدا - گانه ایده‌های مشخص: "گرسنگی فرزندان نشان" "بیکاری ادواری شان"، "ستم پلیس بر توده‌های زحمتکش و... شناخت همه جا نبه‌ای نسبت به سرمایه داری بیابند.

توضیح مکرر مظاهر مشخص سرمایه داری، توده‌های وسیعی را بدرک همه جا نبه‌ای نسبت به سرمایه داری میرساند، در حالیکه ترویج سرمایه داری، یعنی توضیح یکباره چندین جنبه از آن تنها توده‌های کمتری را در بر میگیرد. تبلیغ مثلاً سرمایه داری را بایستی از خلال همان رنجهای مشخص که توده‌ها می‌برند نشان داد. چنین است که توده‌ها از معرفت به اشیا پدیده - های خاص، بتدریج پی به ماهیت عام سرمایه داری می‌برند و در راه نبودی آن بسیج می‌گردند. در رابطه با این مشخصه مهم تبلیغ، دواخلاف میتوانند بروز کنند، یکی انحراف روبرو نیستی که در پشت سر هر ایده دشمنان واقعی توده‌ها را نشان ندهد، از ایده گرسنگی سخن بگوید، بی آنکه مشخص کند عامل این گرسنگی کیست و دیگر انحراف روشنفکرانه، کلی گویی کردن، مدام از دشمنان توده‌ها سخن گفتن، بی آنکه مظاهر مشخص ستمگریهای آنها به توده‌ها نشان داده شود.

در پایان باید گفت تبلیغ یک ایده از دیدگاه کمونیستی مهارت به عریان ساختن یک تضاد مشخص است. مثلاً از گرسنگی مردن با یادر نقطه مقابل سیاست تسلیماتی رژیم یا شروتهای معارضه نمودن تجار گیرد، یا بیکاری توده‌ها را در مقابل صنایع وابسته قرار دهد و جبری بودن بیکاری، گرسنگی و... را از دل سیستم حاکم بیرون کشیده، با عریان ساختن تضادهای موجود طبقه‌ای، توده‌ها آگاه سازد. مثلاً تبلیغ ایده مشخص لغو سود و یژه با بدیدگونیه شاکه کارگران دریابند، این عمل تنها به استثمار بیشتر آنها و قدرت گیری بیشتر سرمایه داران منجر میشود. مثلاً اعلامیه قطع سود و یژه از طرف رژیم را در کنار ربرنامه تسلیماتی رژیم و یا مغازی

مشخصات تبلیغ (۲)

۳- در تبلیغ تنها، یک ایده بیان می‌گردد

"مروج (بروبا کاندیست)، ایده‌های متعددا به یک با چند شخص میرساند، اما مبلغ فقط یک با فقط چند ایده میدهد، ولی در عوض آنها را بتوده‌ای از اشخاص میرساند". (۱)
این مشخصه اساسی تبلیغ که بخوبی مرز آن را با ترویج بیان میدارد، ریشه در کسدام قوانین تبلیغ دارد؟ آنچه موجب میشود که تبلیغ و ترویج از یکدیگر متمایز گردند، تاکید بر روی اصل سوم تبلیغ است. اصل سوم تبلیغ حکایت از پیوند با توده‌های وسیع دارد. درست است که بایستی در میان توده‌ها هم تبلیغ انجام بگیرد و هم ترویج و این ایده که ابتدا، بایستی تبلیغ کرد و سپس ترویج، دیدگاه نحرافی است، اما برای نفوذ در میان توده‌های وسیع بایستی به یک مسئله اساسی توجه کرد و آن سیرتوالی حرکت شناخت انسان است. همانطور که رفیق مائو - می گوید:

"حرکت شناخت انسان پیوسته از طریق معرفت - ال - پدیده‌های منفرد و خاص تدریجاً به معرفت بر اشیا، پدیده‌های عام رشد می یابد. انسان تنها پس از آن که ماهیت ویژه اشیا و پدیده‌های متنوع فراوان را بازشناخت، می تواند به تعمیم دادن بپردازد و ماهیت مشترک اشیا، پدیده‌ها را بازشناسد". (۲) بدین ترتیب، هرگاه بخوایم مثلاً ماهیت ضد مردمی سرمایه داری را بتوده‌ها نشان دهیم:

"مبلغ... برجسته ترین مثالی را می‌گیرد که همه شئون زندگی بخوبی از آن مسبوق باشند، مثلاً از گرسنگی مردن خانواده کارگر بیکار، روزافزون شدن شتروفاغه و امثال آنرا، و شما مساعی خود را متوجه آن می سازد که با استفاده از این واقعیتی که بر همه و هر کس معلوم است بتوده یک ایده... بدهد". (۳)

با نشان دادن مظاهر مشخص و متعدد سرمایه داری و پس از یک مجموعه تبلیغ بررسی مظاهر مشخص این ستمگری، توده‌های وسیعی ماهیت ضد مردمی سرمایه داری را درونی یا بتدریجاً بترویج همه جا نبه‌ای ماهیت سرمایه داری، تبدیل

بقیه در صفحه ۲۲

۱ و ۴ - لنین چه‌جا بدکرد.

۲ - مائو - در باره تضادها.

خلق ها و مسئله ملی



درو...!

درو در پیشمرگان انقلابی کومله
رفقای شهید کاک "شکرالله کلاه" -
قوچی "وکاک" و فاسهای که به
تاریخ ۱۳۵۹/۸/۱۷ در شهر
جاده سنندج شهادت رسیدند.

اخباری از کردستان قهرمان

پیشمرگان انقلابی سازمان پیکار
۱۴مزدور ضد خلق را به هلاکت رساندند

کامیاران ۵۹/۸/۱۴

در این روز در جاده کامیاران بین دو
پایگاه "مروارید" و "مله که وو" در نزدیکی آبادی
"بوانه" یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان
ما (دسته شهید مسعود) به کمین نیروهای دشمن
که پیوسته توده های زحمتکش کرد و پیشمرگان
انقلابی را مورد سرکوب قرار داده اند، نشستند.
در ساعت ۵/۵ در همان محل، پیشمرگان انقلابی
یک جیب فرماندهی ارتش را با ۵ سرنشین
منهدم کردند. در همین اثنا یک لندورج مل ۹
جاش ویلارد که بدینال حبس ارتشی در حرکت
بود توسط پیشمرگان متوقف شد. مزدوران ضد
خلق که راه فراری نداشتند، بطا هر تسلیم
پیشمرگان شدند. ما آنان که در پی آن برآمدند
تا به مقابل مسلحانه با پیشمرگان بپردازند،
هدف رکیبسی امان به پیشمرگان انقلابی قرار
گرفتند که در آن کلیه سرنشینان لندورج
کشته و زخمی شدند. طی این دودگرایی ۱۰ نفر
از مزدوران کشته و بقیه بختی مجروح شدند.
بعد از این حمله، پیشمرگان قهرمان با خواندن
سرود عقب نشینی کردند و همگی سالم به پایگاه
خود بازگشتند.

اقدام انقلابی رفقای پیشمرگه باین
واقعیت است که رژیم که در جنابت علیه خلق
گردوی رژیم شاه مزدور را سفید کرده است، با بدبطرز
انقلابی و قهرآمیز رفتار کرد. عوامل رژیم در
کردستان جنایتکارانی هستند که از کشتن بی مردم
تا پیرزن و بچه های بیدماغ نیز ابا ندارند.
آنان سرکوبگران جنش مقاومت میباشند.

کشت سیاسی پیشمرگان سازمان پیکار

کامیاران ۵۹/۸/۱۴

در این روز پیشمرگان سازمان ما دسته شهید
مسعود را با دینهای اطراف کامیاران (اعظم آباد،

حزب دموکرات کردستان عراق و خیانت آن نسبت به خلق کرد

دموکرات کردستان عراق بر زمینه موجود در میان
توده ها و آماج دگی انقلابی آنها با اعلام تشکیل
یک سازمان دفاع مسلح دست به مقاومت مسلحانه
زد و به این ترتیب جنش مقاومت در کردستان
عراق شکل گرفت.

حزب دموکرات کردستان عراق در زمان
تشکیل خود در مجموع منافع بورژوازی کرد را
نماینده می کرد. اما از همان ابتدا عناصر
فئودال و روسای عشایر را ز جمله ملامت قبی در
رهبری آن شریک شدند و با لاف و بعد از مدتها
کشمکش در سال ۱۹۶۴ رهبری خود را بر آن تثبیت
نمودند که علت این امر را با پستی اساسا در
ضعف اجتماعی - تاریخی بورژوازی کرد جستجو
کرد. جناح غاصبری به رهبری ملامت قبی با تثبیت
رهبری خود بر حزب و جنش از همان ابتدا، جنش
را به سمت مواضع راستنرا گذشتگان و آن را
وارد در سیاست مشکوک بین المللی ساخت.
امری که ناشی از ماهیت و سیاست نگر منافع طبقاتی
آن بود.

علیرغم دارا بودن چنین رهبری ای، جنش
بدلیل خواست عمیق توده ها به تغییر وضعیت
خویش و کسب آنچه به آنها وعده داده شده بود ادامه
پیدا نمود و هر چه بیشتر کشتن یافت به ترتیبی
که در اواخر سالهای ۶۰ کنترل بخش اعظم
کردستان عراق در دست نیروهای پیشمرک
قرار داشت و دوره ۱۹۷۰ - ۱۹۷۴ عملا دوران
حکومت با رزانی و اطرافیان او بر این منطقه
بود. البته لازم به تذکر است که مضمون کشتن
جنش هر قدر به جلوسا میسر می گشتن نیرو -
های نظامی، قدرت آنها و ایجا توسط دستگاه -
های بوروکراتیک توسط رهبری آن میل پیدا
مینمود و از شرکت توده ها در زندگی و سرنوشت
جنش شئی میگشت. به صورتیکه در دوران ۷۴ - ۷۰
با رزانی و اطرافیان نش دستگاه دولتی و بزرگای
را برای خود در منطقه بوجود آورده بودند تا حدی
که یک سازمان جاسوسی (امنیتی) بنا "ما را سن"
ایجا کردید. این سازمان و تمام آن دستگاه
دولتی "درواقع چیزی جز وسیله ای برای سرکوب
بشمارد و صفحه ۶

در اینجا ما قسمتی از مقاله "مخالفت
با وابستگی با ضدیت با جنش مقاومت خلق
کرد" منتشره در پیکار کردستان "شماره ۲" را
میاوریم. اساس این مقاله در افشای سیاست
- های خائنه سازمان چریکهای فدائشی
(اکثریت) در قبال جنش خلق کرد، میباشند.
اما بخشی از این مقاله به توضیح خط مشی
حزب دموکرات کردستان عراق و خیانت
عربان آن به خلق کرد اختصاص دارد. ما
درج این بخش از مقاله را در اینجا، از آن
جهت ضروری دیدیم تا زمینه ای با شجاعت
شناخت روش و ترس نسبت به حرکت حزب دموکرات
ایران و اهداف خیانتکارانه ای که رهبری
آن در حال حاضر تعقیب میکند (۱) سازش -
های پنهانی حزب دموکرات ایران با رژیم
مرتجع بعث عراق نه تنها بیان مشی ضد
انقلابی حاکم بر حزب و ماهیت رهبری آن
میباشد، بلکه در عین حال هشدار است به
خلق کرد و تمام نیروهای کمونیستی و
انقلابی فعال در کردستان که در راه رها شئی
زحمتکش و خلقهای تحت ستم ایران و از
جمله خلق دلاور کرد مبارزه میکنند:

شروع حرکتیکه در کردستان عراق بصورت
جنش گسترده در اواخر سالهای ۶۰ و اوایل
سالهای ۷۰ در آمد و تحت رهبری خانواده بارزانیها
در سال ۷۵ با انقطاع در آمدن رژیم شاه
و حکومت عراق فروریخت و به شکست انجامید. در
تابستان ۱۹۶۱ بود که رژیم عبدالکریم قاسم بر
خلاف وعده و وعیدهای اولیه و حتی قوانینی که
با روی کار آمدن خود و در مورد حقوق خلق کرد
در عراق به تصویب رسیده بودند، بعد از زمینه
چینیهای اولیه، شروع به با یمال نمودن دست -
آوردهای خلق کرد نمود. در مقابل چنین حرکتی
بکسری نظرات و حرکات وسیع از جانب توده -
های مردم کرد علیه رژیم عبدالکریم قاسم شکل
گرفت. جواب رژیم عبدالکریم قاسم کسب ارتش
بسی کردستان عراق بود که با مقاومت پراکنده
مسلحانه روبرو گردید. پس از چند ماه حـزب

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

سرکوب فرهنگی و قلع و قمع فرهنگیان
متزقی و انقلابی کردن بخشی از سیاست سرکوب
رژیم جمهوری اسلامی در کردستان می باشد. رژیم
که از فرهنگ انقلابی که روشنائی بخش فکسر
توده ها است وحشت دارد، آموزش و پرورش کردستان
را نیز تعطیل کرد و مدارس را بست و لی معلمان
انقلابی و دانش آموزان مبارز را بشتیبا نسی



آقای "با هنر" عامل "فرخ روپارسا" وزیر جدید آموزش و پرورش جمهوری اسلامی

با اواخر پس از آنکه جناحهای مختلف هیئات حاکمه، مدت‌ها بر سر تعیین چند وزیر با قیما شده کا بنده رجائی چانه زدند، آنها هنر "بعنوان وزیر جدید آموزش و پرورش معرفی شد.

بیشتر توده‌های انقلابی دانش آموز، آقای با هنر را خوب می‌شناسند. البته آنها را پیش با خبر بودند، وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی باید از تمام هنرها یک هنر را بخوبی دانا باشد و آن دفاع از آموزش و پرورش ارتجاعی، حفظ سلطه فرهنگ استعماری و توانائی سرکوب مبارزات انقلابی دانش آموزان است. آقای توده‌های آگاه و مبارزان دانش آموزی با ما همت ارتجاعی جناب وزیر پرورشی آشنا هستند و می‌دانند "با هنر" بخوبی اشباب نموده است تنهیا "هنری" را که در راست همان یک هنرنا میسرده میباید.

آقای با هنر یکی از سرمایه‌داران شرکت "اهداف" است. خوب است بیاد آوریم این همان شرکتی است که تا کنون مردان "لابی" چون بهشتی و رجائی را تحویل داده است! آری جناب وزیر قبلا امتحان نش را داده و وزیر حافظ سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را مطمئن کرده است که فرد قابل اعتمادی جهت اجرای اهداف آنان است.

اما "شاه" کارهای جناب وزیر بسیار بیش از این است. ایشان مدت‌ها در مدرسه و دستگاه‌ها هنرهای در همین وزارت آموزش و پرورش، بعنوان عامل فرخ روپارسا خدمت کرده و تجربیات تازه‌ای در زمینه فرهنگ و آموزش ارتجاعی کسب کرده است.

دانش آموزانی که چه پیش از قیام تمام بهمین ماه و چه بعد از آن علیه آموزش و پرورش ارتجاعی رژیم دیکتاتور و کوشیدند گنگدانی آریامهری را به زباله‌دان تاریخ سپارند، باید بدانند در صفحه اول کتابهای تعلیمات دینی رژیم شاه، نام آقای با هنر به عنوان نویسنده نقش بسته بود. کتابهای کدا همین امروز در مدارس

تدریس میشود!

البته عوامفریبان مرتجع که شب و روز در بوق و کرناهای مبارزه "فدا میربا لیبستی" میدهند بروی مبارک خود نمیا و زندگه ایا دی مزدور امپریالیسم کاسی که تنها مگوششان تحمیل دانش آموزان و پرورش آنها با آموزش و فرهنگ ارتجاعی بود و کمر همت به سرکوب خواسته‌های انقلابی آنان بسته بودند، همین جناب وزیر جدید را بهترین مهره جهت تهیه کدا بهیستای دور بین شان تشخیص داده بودند.

آیا انشائی است که شوشسته مورد اعتماد کنا بهای درسی رژیم مزدور شاه، وزیر معاسبت آموزش و پرورش رژیم جمهوری اسلامی ایران در میباید! و بعنوان وزیر انقلابی، همچون تحفای بیستک دانش آموزان میشود؟ آری خود این واعظیت، آشکارا نشان نمیده که چگونه هر دور رژیم دشمن انقلاب و فرهنگ انقلابی بودند و هستند تا جایی که حتی برخی از مهره هایشان یکی است؟

البته آقای وزیر، لیاقت خود را برای سه عهده گرفتن مقام وزارت از این هم بیشتر نشان داده است. ما فراموش نکرده ایم که پس از زوروش جنایتکارانه رژیم بهاداشگاه و کشتار دانشجویان انقلابی تحت نام "انقلاب فرهنگی" - که امر وز بسیاری در بافته اند چیزی نبوده جز برنام حساب شده رژیم جهت سرکوب جنبش انقلابی دانشجویی یکی از اعلا ستاد "انقلاب فرهنگی" همین جناب با هنر بوده و ایشان وظیفه به انجام رساندن "انقلاب فرهنگی" جمهوری اسلامی را به عهده گرفته اند!

از سوی دیگر ما حبه مطبوعاتی و رادیو و تلویزیونی "با هنر" که بعنوان وزیر جدید ترتیب داده شد، بیش از پیش فاش ساخت که او در پی اجرای چه سیاست ضد انقلابی و کشتنی است.

آقای با هنر ۱۰۰۰ زکلیه دانش آموزان نقاضا نموده است که "نظم" را حفظ کنند یعنی آنکه دانش آموزان انقلابی دست از مبارزه حق طلبانه شان بشویند و نظم ارتجاعی جمهوری اسلامی و سلطه فرهنگ استعماری را بپذیرند، که با بدیهه ایشان گفت شتر در خواب بیندینند نه... بهرحال توافق حزب جمهوری اسلامی و بنی صدرات با هنر، نشان میدهد که او مناسبتین مهره‌ای است که کل رژیم قادر بود برای این مقام میباید. اعمال ارتجاعی با هنر در آینده با دیگر شهادت خواهد داد که چگونه در اصل سرکوب انقلاب همه جناحهای هیات حاکمه توافقی نظرو "وحدت کلمه" دارند. اما آقای با هنر بعنوان وزیر جدید بسزودی خواهد موقت که اگر تا کنون چه در دستگاه آریامهری و چه در دستگاه جمهوری اسلامی نشان داده است که بی‌دولافی در آموزش ارتجاعی دارد این بار نوشت دانش آموزان و معلمین انقلابی است که با او میا و زندگه کدا درس مبارزه و مقاومت انقلابی را موخته اند!

قسمتی از اعلامیه دانشجویان و دانش آموزان پیکار ۵۹/۹/۱۳

مبارزات دانش آموزان در آستانه

جها رشنه دانش آموزان مبارز دبیرستانهای خمینی، مطهری، طالقانی، صدیق‌بهرنگی، حکیم - نظامی و صدیق‌رضایی با تعطیل کلاسها به خیابان‌ها ریخته تا صدای حق طلبانه خود را به گوش مردم برسانند. در این میان مدیران مرتجع بعضی از دبیرستانها درهای دبیرستان را می-بندند تا به خیال خودشان جلوی رخنه دانش -

آموزان مبارزان بگیرند، که دانش آموزان با بریدن از دیوارهای دبیرستان به خارج میروند دانش آموزان مبارز شروع به یک راهپیمایی اعتراضی بطرف میدان شهر نموده و با دادن شعارها و شای نظیر "مردم ما ملحق شویید" و "دردمان درد شماست" از توده‌ها میخا و زندگه به آنها میروند. مردم مبارز که در ۲۰ ماه حکومت جمهوری اسلامی چیزی جز سرکوب، کشتار، گرانی، بیکاری، جنگ و ظلم و استعمارندیده اند به صفا اعتراضی دانش آموزان مبارز پیوسته و عملا یک تظاهرات اعتراضی عظیم را بر علیه رژیم تا میدان شهر به راه میاندازند در این تظاهرات مردم با صدای بلند شعار می-دادند که "خون ۷۰ هزار کشته هنوز خشک نشده آزادی را از زمین میبرند" رژیم از ترس و جگری بیشتر جنبش توده‌ها به بهانه شروع امتحانات شما می دبیرستانهای آستانه را تا آخر آذر ماه تعطیل نموده است.

قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - آستانه ۵۹/۹/۱۳

زاهدان: پیروزی تخصم دانش آموزان انقلابی

روزه شنبه ۵۹/۹/۱۱ دانش آموزان کلاس دوم تجربی و دوم ریاضی دبیرستان "تخصم بخش رحیمی" زاهدان بدنال اعتراضات قبلی خود، به علت عدم صلاحیت آموزشی و اخلاقی دبیر فیزیک بنام "قلمچی" از سرمداران انجمن اسلامی دبیرستان در حیات مدرسه دست به تحن زدند. سپس یکی از دانش آموزان انقلابی با بحث پیرامون شورا و وظایف نمایندگان دانش آموزان را به تشکیل شورای تحن دعوت کرد. بدنال آن دانش آموزان انقلابی شورای تحن تشکیل دادند. پس از افشاکری و تبلیغات شورای تحن نسبی از دانش آموزان دبیرستان نیز به متحمین پیوستند. بدنال کسرت تحن، شورای تحن خواسته‌های دانش آموزان را بشرح زیر مطرح نمود:

- ۱- برسمت شاختن شورای دانش آموزان بعنوان بالاترین ارکان تصمیم‌گیری در دبیرستان.
- ۲- اخراج "قلمچی" دبیر فیزیک.
- ۳- تهیه وسایل گرم‌کننده خوارشی برای کلاسها.

بنیه در صفحه ۲۷



زینب (حوریه) محسینیان

- اهل مشهد و بهار آزادی و آزادی
این شهر.
- پیوستن به بخش منشعب از س.م.خ
در سال ۵۴
- ادامه مبارزه تا ۲۸ آذرماه ۵۵ که در یک
درگیری خیابانی به شهادت رسید.



فاطمه تیفتکچی

- دانشجوی زیست شناسی علوم تهران
- رفیق ضو مجاهدین خلق بود سپس به بخش
منشعب آژان پیوست
- ادامه مبارزه تا سال ۵۵ که طی یک درگیری
صلحانه در ۱ آذرماه به اسارت افتاد.
- شهادت در زیر شکنجه



احمد صادقی قهاره

- متولد ۱۳۳۰ قم دانشجوی پزشکی
- سماتیزان مجاهدین خلق و فعال در
مبارزات صنفی سیاسی (سال ۵۴)
- پذیرش مارکسیسم و پیوستن به بخش منشعب
از ۵۵ به بعد
- دستگیری در سال ۵۶
- شهادت در زیر شکنجه (احتمالاً در آواسط
سال ۵۷)

تیرباران يك كمونيست ديگر در خوزستان جنگ زده

گران قهرمان در آغا جاری و آبادان (رفقای
شهید محمد اشرفی، منوچهر نیک اندام و شکرالله
دانشیار)، تیرباران رفیق شهید علیرضا همایون
و هزاران نمونه جنایتکارانه دیگر از رژیم سر
- میزند که دغلکارانه خود را حامی مستضعفین جا
میزند

ما با ذریع شهادت علیرضا همایون و تمام
انقلابیونی که خون سرخ خویش را و شیفته رها بی
نوده ها ساخته اند، گرامی داشته و سوگند یاد می-
کنیم که راه آنان را تا رها نشی کامل کارگران و
زحمتکشان ادامه دهیم.

"به نقل از خبرنامه جنگ "کمینه خوزستان" شماره ۸"

تصحیح و بوزش

در بزرگداشت سالگرد قیام خلق آذربایجان
(پیکار ۸۴)، سی و پنجمین سالگشت این قیام،
به اشتباه "یکربع قرن" آمده است که بدینوسیله
تصحیح میگردد.

توضیح

ادامه مقاله رزمندگان و راه کارگران حرف
تا عمل در شمار بعد درج خواهد شد.

در تاریخ سوم آذرماه ۵۹ در آواز به حکمی -
دادگاه جمهوری اسلامی، رفیق "علیرضا همایون
- پری زاده" دانشجوی دانشگاه آواز و یکی از
رفقای انقلابی هوادار سازمان ج.ف.ا (اقلیت)
به جرم دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان به
خواه اعدام برده میشود.

اعدام انقلابیون طرفدار زحمتکشان بار
دیگر چهره گریه هشت خاکمه ضد خلقی را آشکارتر
میسازد. هشت خاکمه ضد خلقی علیرضا همایون
فراوان در باره جنگ ارتجاعی ایران و عراق
لحظه ای از سرکوب خلق و شکنجه و کشتار انقلابیون
غافل نیست، چرا که آنها را دشمن اصلی منافع
ضد خلقی خود میبیند. اعدام و تیرباران پیکار-

مطرح کرده ایم و معتقدیم کسانی که اگر منافع -
شان ایجاب کند تقاضای هندسی را هم انکار
خواهند کرد تحول مارکسیستی درون سازمان را
نخواهند فهمید و آنرا همچنان بنام "پورتونیم
چپ نما" خواهند نامید بی آنکه از این کلمه
اساساً درک درستی داشته باشند. ما یکبار دیگر
و برای همیشه علاقمندان را به نوشته ای که در
سال گذشته در پیکار ۳۶ در مورد رفیق تیفتکچی
آوردیم مراجعه میدهیم

در حاشیه سالگرد رفیق شهید فاطمه تیفتکچی

یکبار دیگر، سازمان مجاهدین به بهانه
سالگرد شهادت رفیق تیفتکچی، در شمسار ۹۹
مجاهد، به تحریف و اغیبات دست زده و این رفیق
را مذهبی و جزو شهدای سازمان مجاهدین بشمار
آورده است.

ما متأسفیم که با گزیریم برای چندمین بار
به با سخگوشی و افشای این موضعگیری مجاهدین
بپردازیم. رهبری مجاهدین در رابطه با منافع
خود محوریت نه اش (که مشخصاً ناشی از ما هیست
طبقاتی آن است) سیاست "چشم را ببند، دهان را
بکشد" را دنبال میکنند و با شما نموا میگویند و -
داران سازمان را از دسترسی به واقعیتانی که
در این سازمان گذشته است دور دارد. این بنفیع
رهبری نیست که نموده با بفهمند که مارکسیست
شدن اغلب اعطای سابق سازمان مجاهدین یک
پروژه طبیعی و انقلابی بوده است. برای رهبری
این سازمان البته کارکنان میآید که هواداران
جوان بفهمند که تحریک ۷۰ درصد از اعطای تدیمی
مجاهدین مارکسیست شده اند... ما با رها (هر چند
با ختمار) پرونده تحول مارکسیستی درون سازمان
مجاهدین را با همه جنبه های مثبت و منفی اش

زنده جاوید باد یاد شهیدان خلق



مبارزات کارگران آلومینیوم سازی اراک در حمایت از شورا

جندی پیش شوری کا رخا نه آلومینیوم سازی اراک با توطئه "مدر" مدیرعامل سازمان گسترش و دارودسته فدکا رگریش منحل شد. این عناصر ضد کارگر، بیشرمی را اینبار از حد گذرانده، و چند نفر از اعضای شورا را از کارخانه نیز اخراج کردند و این درحالی بود که دو نفر از اعضای اخراجی شورا، به واسطه خوشبختی و ریهایی که نسبت به این رژیم داشتند، در حقیقت جنگ بودند.

این توطئه با دستهای کثیف مدیرعامل دولتی جدید کارخانه آلومینیوم سازی، منطهری و با کمک و همکاری انجمن اسلامی کارخانه آلومینیوم سازی و کارخانه ماشین سازی و دادستان اراک به مرحله اجرا درآمد و آخرین شورای این منطقه را که حاصل مبارزات شهروندان کارگران در روزهای تپا بود، بواسطه طرفداری اش از کارگران، در افتادن با مدیرعامل ضدکارگر، قبلی و انجمن اسلامی کارخانه، بررسی پرونده دزدیهای میلیونی که با همکاری اکثر روسا و اعضای انجمن اسلامی صورت گرفته بود، و بالاخره بعطت زیر بار اعمال فدکا رگری نرفتن آنرا از همپا شان نداشتند.

پس از آنکه کارکنان آلومینیوم سازی به حمایت از شورایشان و اعضای آن دست به اعتصاب زدند، رژیم که به وحشت افتاده بود، با سداران سرمایه را به کارخانه فرستاد تا جلوی حرکت کارگران را بگیرند. با سداران زمانیکه مقوف فشرده کارکنان اعتصابی را دیدند، از ترس اینکه بقول خودشان "اوضاع خراب تر نشود" نتوانستند کاری انجام دهند. مهدی سلطانی سرپرست کمیته (که بعد از قیام "انقلابی" شده و در روزهای اعتصاب قبل از قیام، فرهنگیان، معلمان و دانش آموزان بعد از یکماه اعتصاب او را به زور از سرکلاس درس بیرون کشیدند!)، به نما پندگی بقیه در صفحه ۱۰

ضدیت رژیم با شوراها در پالایشگاه اصفهان

اخیرا بخشنامه ای از طرف هیات رئیسه صنعت نفت توسط مهره سرسپرده آنها "علاقه بند" مسئول پالایشگاه اصفهان منتشر میشود که در آن کارنوبتکاری کارگران از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت کاهش مییابد. در این بخشنامه قید میشود که اگر کارگران نظریا زنده ای داشته باشند، به آن ترتیب اترا ده خواهد شد. درحالیکه این بخشنامه فدکا رگری بدون اطلاع و توافق شورای کارکنان انتشار مییابد. علاقه بند در زمان شاه شاهان نیز از منافع سرمایه داران دفاع میکرد و افراد ژاندارمری را وارد پالایشگاه کرده بود و به سرنیزه گارت شناسائی عده ای از کارکنان مبارز را گرفته و از پالایشگاه اخراجشان کرده بود. و همچنین سه تن از کارکنان مبارز را به ساواک معرفی کرده بود که مورد شکنجه قرار گرفته بودند. حال، این عنصر مزدور در راس پالایشگاه قرار گرفته و میانی که کارگران از او سوال میکنند که چرا نظرها را منبر سیده بودی؟ جواب میدهد که "شورا معنی نمیدهد!"

همچنین زمانی که رجائی نخست وزیر به همراه طاهری اما جمعه اصفهان برای بررسی چگونگی حادثه آتش سوزی پالایشگاه به آنجا میروند، بجای تماس با کارکنان و شورایشان، با افرادی نظیر "علاقه بند در پشت درهای بسته به مذاکره میپردازند. وقتیکه شورا خواهان مذاکره با رجائی میشود، نخست وزیر میگوید "من با شورا کاری ندارم و وقت این کار را نبرندارم". این موارد بروشنی نشان میدهد که تمام میسرومدای رژیم در مورد "شوراها"، عوامفریبی بیش نیست. و هر دو جناح رژیم (هم جناح بنی صدر که محبت از "شورای شورا" کرده و هم جناح حزب جمهوری اسلامی و رجائی) بر سر مخالفت با قدرت شوراها، متفق القولند.

مناطق جنگ زده میمانند اما حتی زمانیکه کارگران گوشت دم توب سرمایه داران میگردند از پرداخت حقوقشان به خانواده قربانی خودداری میکنند!

بقیه از صفحه ۳ کارگران...

پرداخت حقوقشان کنند. لیکن شورا که تحت نفوذ "اکثریتی" مذکور بود، کاری برای کارگران انجام نمیدهد. فرد مذکور به پیروی از "رهنمود" های سازمانش بقول خودش میخواست جلوی "اغتصاب" را در کارخانه بگیرد! و در مورد تولید بیشتر نیز به توجه سرانی میپردازد. این عمل باعث خشم کارگران نسبت به این خدمتکار کارفرما میشود و لذا تصمیم میگیرند او را به کارخانه را ندهند و از روز ۳۰ آبانماه جلوی ورودش را به کارخانه بگیرند.

این نمونه با ردیگرما هیت ضدکارگری رویزیونیستهای اکثریت را نشان میدهد اما نکته حائز اهمیت این است که کارگران روزیوز بیشتر به ما هیت رویزیونیستهای سرده و بدستی جایگاه آنها را در کنارسرمایه داران تشخیص میدهند. گرچه این فرد در کارخانه بعنوان "جیبی" معروف بود، ولی کارگران که علیرغم عدم شناخت کاملشان از کمونیستها، بنا بر تجربه طبقاتیشان، فرق بین دوست و دشمن را درک میکنند او را "جیبی" طرفدار کارفرما (بخوان جیبی در حرف و طرفدار کارفرما در عمل، یعنی رویزیونیست) مینامند.

مقامات رژیم پرداخت حقوق قربانیان جنگ را به صدام حواله می کنند!

در تاریخ ۵۹/۹/۸ خانواده یکی از کارگران قربانی جنگ، بنام "حمید عسگری" که بیستم آبانماه در محل پتروشیمی آبادان براشتن اما بت ترکش خمپاره مجروح و سپس در بیمارستان شهید شده بود، برای دریافت حقوق مهرماه وی، در ماهشهر به یکی از مسئولین وزارت نفت بنام "جلیل شمشیری" که رئیس بسیج وزارت نفت (و در واقع رئیس ساواک این اداره) بود، مراجعه میکنند. اما این مزدور سرمایه با بیشرمی تمام برگه فوت کارگر شهید را تقبل نمیخواند (!؟) و به خانواده این قربانی جنگ غیرعادلانه میگوید: "بروید آبادان و تا شهیدتان را بیابید". یکی از بستگان کارگر شهید، اعتراض کرده میگوید: اگر من رفتم و کشته شدم آنوقت چه کسی برای من تا شهید میگیرد؟ "شمشیری مرتجع در مقابل اصرار خانواده قربانی برای دریافت حقوق، با وقاحت تمام آنرا به صدام حواله کرده و میگوید: "بروید از صدام حسین حقوق بگیرید!" آری، رژیم جمهوری اسلامی، اینچنین با بازماندگان قربانیان جنگ برخورد میکند. جنگی که بوسیله سرمایه داران دور رژیم بر راه افتاده از هر دو طرف، کارگران و زحمتکشان را قربانی میکنند. دولت کارگران زحمتکش را مجبور کرده است که برای جلوگیری از قطع حقوق و اخراجشان، زیر کلوله های عراقی، آذر

بقیه از صفحه ۳ اجتماع ...

داد که در ماه گذشته تعدادی از روسا ۲۰ هزار تومان پرداخت شده و این در حالی است که رژیم به بهانه نداشتن پول و شرایط جنگی از پرداخت حقوق کارگران به اشکال مختلف طفره میبرد. "ریخته گر"، رئیس پالایشگاه آبادان که در اجتماع حضور داشت، سعی میکرد که به مسایل مطرحه از جانب نمایندگان، پاسخ گوید و وی در واقع حرفی برای گفتن نداشت و سرانجام مجبور شد که بگوید که راهی نیست و کاری نمی تواند بکند. پس از او نماینده کارگران زبیر بوئی صحبت کرد. او ضمن اشاره به اینکه کارگران و کارکنان در کنار هم کار کرده و زحمت کشیده اند خواستار پرداخت حقوق کارگران شد و از کارمندان خواست که از خواسته های کارگران حمایت کنند. سخنان وی با استقبال کارکنان مواجه گردید. در پایان قطعنامه ای به اتفاق آراء تصویب گردید و اجتماع بعدیشان را برای اطلاع از نتایج فعالیت نمایندگان روز پنجشنبه ۹/۱۳ اعلام نمودند. متن مواد قطعنامه به شرح زیر است:

- ۱ - لغو تصویب نامه هیئت دولت (مندرج در کیهان ۵۹/۸/۲۴) که در آن تعیین تکلیف کارکنان جنگ زده را به آئینده موکول می نماید. در صورتیکه کمیته بررسی مشکلات جنگ زدگان هنوز به شناسنامه ۵۹/۸/۱۰ خود را برخلاف تصویب نامه های دولت معتبر می شمارد، باید آنرا رسماً اعلام نماید.
- ۲ - کمیسیون بررسی و تجهیز نیروی انسانی باید با هدایت همه کارکنان جنگ زده یکسان رفتار نموده و معیار کارایی خود را که بر اساس تاریخ ترک آبادان میباید شلغون نماید. همچنین کلیه کارهای این کمیسیون باید تحت نظارت نمایندگان کارکنان باشد.
- ۳ - با توجه به دریافت حقوق کامل کارکنان مشاغل در تهران و سایر شهرها، کارکنان جنگ زده که تمام هستی خود را در این جنگ از دست داده اند باید از اولویت بیشتری برخوردار بوده و میزان علی الحساب پرداختی به آنها بیشتر گردد.
- ۴ - چون آواره بودن و جنگ زدگی در مورد همه یکسان میباید، لذا مبلغ پرداختی علی الحساب به کلیه کارکنان جنگ زده اعلام کارکنان رگر زیر پوشش باید یکسان باشد.
- ۵ - کمیته بررسی مشکلات جنگ زدگان باید اقدام فوری و فاعلی در مورد تهیه مسکن و اسکان جنگ زدگان بعمل آورد تا آنها از آوارگی و در بدری نجات یابند، در غیر این صورت باید مبلغی به عنوان کمک هزینه مسکن به کارکنان جنگ زده پرداخت گردد.
- ۶ - تأمین خور و بار و سوخت از نیازهای اولیه کارکنان جنگ زده است و باید اقدام فوری در این صورت گیرد.
- ۷ - مزمه هایی که در مورد جدا کردن کارکنان زیر پوشش از سایر کارکنان، شنیده میشود از نظر ما محکوم است و ما قویاً از آنها حمایت خواهیم کرد.

بقیه از صفحه ۳ چرا ...

اعتراف اقتصاددانان رژیم: "در حال حاضر بطور تقریبی میتوان گفت که در صد بیگاری در بخش کشاورزی بین ۱۰ تا ۳۰ درصد، در بخش صنعت بین صفر تا ۱۰ درصد، در بخش خدمات بین ۵ تا ۱۰ درصد و در بخش مزد و حقوق بگیران بخش عمومی در شواشی بین منهای ۵ تا ۵ درصد، میباشد. با این حساب نرخ بیگاری را میتوان حول ۲۸ درصد تخمین زد، تقریباً رقمی نزدیک به سه میلیون نفر." (کیهان ۱۸ آذر ماه). این ارقام دولتی خود بهترین گواه عمق بحران و گستردگی مشکل بیگاری است. ولی چرا رژیم که همواره سعی در انکار این واقعیت داشت (و فی المثل تا همین چندی پیش رقم بیگاری را تنها ۵۰۰ هزار نفر قلمداد میکرد)، اکنون بدان اعتراف میکند؟ پاسخ را روشنتر از هر جا در گفته های نخست وزیر میتوان یافت. او معتقد است که: "با پذیرش آنکه به صورت راهپیمایی عرض وجود کند و حاکمیت دیگری را پیدا کند برای حل آنها راه حلهای مناسبی ارائه شود." آری، قبیل از آنکه وجع بیگاری را در کنار مبارزات سایر توده ها، بساط لرزان رژیم جمهوری اسلامی را فرو ریزد و قبل از آنکه اشکال مبارزات توده ها (و از جمله بیگاری)، تکامل یافته، "حالتی دیگری پیدا کند، رژیم را در آتش خود بسوزاند، باید" راه نجاتی یافت! این است گفته نخست وزیر و معاون رئیس، ولی آقای رجا شئی یک چیز را نمیداند و آن هم این است که: رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت خود هرگز چنین راه حلهائی نخواهد یافت! گنبدی گسی سرمایه داری و ایستگاه ایران بقدری است که رژیمهای متزلزلی چون رژیم جمهوری اسلامی که در تلاش بازاری این سیستم اند، هرگز موفق به حفظ آن ورهائی از شعله های انقلاب، نخواهد گردید. افزایش مشکلاتی نظیر بیگاری، گرانی، بی مسکنی و... بعد از زوری کار آمدن رژیم، خود بهترین گواه زبونی و درماندگی حکومت کنندگان ارتجاعی فعلی در حل مشکلات است. بیگاری و مشکلاتی نظیر آن که از عوارض جوامع سرمایه داری میباید، تنها و تنها در جامعه سوسیالیستی برای همیشه نابود خواهد شد، چرا که تولید در جامعه سوسیالیستی بر اساس برنامهای ریزی نیازهای توده های زحمتکش صورت میگیرد و نه برای پر کردن جیب سرمایه داران. گسترش بیگاری در جامعه ما، خود جلوه ای از چشم انداز فلاکت آئینده است که دور جدیدی از مبارزات علیه رژیم را منتهی با ایجاد بسیار وسیع تر خواهد نمود.

(۸) - میزان ۱۵ آذر ماه ۱۳۵۹

۸ - در مورد کارکنان حراست باید تصمیم عادلانه ای اتخاذ شود و ما از آن دسته کارکنان حراست که به گفته مسئولین اخراج شده اند حمایت میکنیم. نمایندگان کارکنان جنگ زده

بقیه از صفحه ۹ مبارزات ...

از طرف دادستان با کارگران اعتصابی وارد مذاکره شد. آنها توانستند کارگران اعتصابی را با وعده رسیدگی به درخواستهاشان به سرکار بفرستند. شکل اعتصاب کارگران به این صورت بود که یک شیفت برای اینکه کارخانه نباشد کار میکردند و شیفت دیگر به اعتراض خود ادامه می دادند و اعتصاب را میکردند. این اعتصاب در روزهای دوشنبه ۱۹ و چهارشنبه ۲۱ آبان ماه صورت میگرفت.

دوستان کارگر!

اگر کارگران معترض آلومینیم سازی کاملاً لزوم وحدت و حمایت کردن از نمایندگان و دوستان اخراجیشان را درک کرده بودند، و اگر اعضای شورای کارخانه پیوند نزدیکی با انتخاب کنندگان خود داشتند، کارگران بسادگی دست از اعتراض برنداشتند و نتوانستند به مذاکره بنشینند چرا که این نوع مذاکرات را فقط برای فریبکاری و شکستن روحیه مبارزاتی کارگران، راه می اندازند. همچنین کارگران نباید اجازه میدادند عناصر شاخته شده فدکا رگرا مانند "سهیلی" در کارهایشان مداخله کنند و میبایست او را از کارخانه بیرون می انداختند. اما هنوز هم دیر نشده، دوستان کارگر ما آلومینیم سازی باید تا بسرکار برگشتن اعضای اخراج شده شورا و دیگر همکارانشان که بدون هیچ دلیلی اخراج شده اند، مبارزه متحدانه خود را ادامه داده و به مذاکراتی که برای فریب دادن آنها و منحرف کردن مبارزاتشان راه انداخته اند، اعتنائی نکنند. و تبلیغ ما کارگران سایر کارخانه ها است که با پشتیبانی از دوستانمان در کارخانه آلومینیم سازی، مشترک بودن در دلهایمان را به نمایش بگذاریم تا در موقع لزوم آنها نیز از ما حمایت کنند.

(به نقل از "ماشین ساز" شماره ۱۱ نشریه عده ای از کارگران مبارز ماشین سازی اراک)

اعتصاب در کارخانه کانادایی

روز ۱۵ آذر، کارگران این کارخانه که در جاده قدیم کرج واقع است، دست به اعتصاب می زنند. این اعتصاب منجر به آن میشود که در حدود ۱۰ ماشین ارتشی و پاساژر مسافر، کارخانه را محاصره کنند. پاساژران و ارتشیها خواستار برسر کار رها زگشتن کارگران میشوند، اما با مقاومت کارگران مواجه میگردند. در نتیجه مزدوران رژیم به تیراندازی هوایی دست میزنند که منجر به درگیری بین کارگران و پاساژران میشود.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

درس‌هایی از جنبش کارگری

تجربیات مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان
علیه سرمایه‌داری دولتی (۲)

لیبرال‌ها را از یکدیگر متمایز ساخته و در عین افشا لیبرال‌های ضد انقلابی از مبارزات و خواسته‌های بحق کارگران دفاع نمود.

۳- مقیاس متحرک دستمزدها: سرمایه‌داری به علت گتدیدگی و زوالش، دشمنان با بحرانهای متوالی روبروست، که یکی از نتایج آنها افزایش نرخ تورم با افزایش قیمت‌ها و در نتیجه پایین آمدن سطح زندگی بوده است. بنابراین این طی یک مدت، ارزش پول کم می‌شود، در صورتی که دستمزدها ثابت میماند. به همین دلیل در مبارزات کارگران، غالباً درخواست افزایش دستمزد وجود دارد. اما کارگران لهستان با طرح خواسته مقیاس متحرک دستمزدها، افزایش دستمزد را متناسب با افزایش نرخ تورم در نظر گرفته‌اند. یعنی هرگاه قیمت‌ها افزایش یافت، خود بخود دستمزدها نیز افزایش خواهد یافت. این خواسته کارگران از طرفی مبارزه با نگرانی‌ها و خلاقیت آنهاست و از طرف دیگر نشانگر انحطاط سرمایه‌داری دولتی لهستان است که دشمنان دجال تورم و افزایش قیمت‌هاست.

۴- پیش‌زننده مذاکرات نمایندگان، جلوه‌ای از دموکراسی کارگری: رژیم دیکتاتوری لهستان به منظور سرکوب مبارزات کارگران، به هر حربه ای متوسل گردید که از نملحه‌ها تا سوراخ‌ها را در برآورد. کارگران و جلوگیری از پیش‌آنها در سایر نقاط کشور و سراسر جهان بود. اما کارگران که به اهمیت آگاهی و پشتیبانی سایر توده‌ها از مبارزاتشان واقف بودند، به منظور ارتباط و نزدیکی هر چه بیشتر با توده‌ها، یکی از شروط مذاکره با دولت را برچیدن بساط سانسور قرار دادند و بدین ترتیب روی این شرط پافشاری کردند. علاوه بر این نمایندگان کارگران هنگام مذاکره با مقامات دولتی، به منظور درجریان کامل قرار دادن توده‌های کارگر، با گذاشتن بلندگو در محوطه اجتماع کارگران، آنها را در جریان زنده جزئیات مذاکرات قرار داده و خواستار پخش آن از تلویزیون شدند. آنها بدین وسیله نمونه برجسته‌ای از اعمال دموکراسی کارگری را به نمایش گذاشتند. این امر تاسیسات کثیف دولت مبنی بر انجام مذاکرات پشت پرده، و کوشش جهت تهدید و تطمیع نمایندگان انقلابی را نقش بر آب نمود.

۵- افشای توطئه‌های رژیم و بالا بردن آگاهی کارگران: در تاسیسات طول اعتبارات، کارگران با برگزاری سخنرانی‌ها و میتینگ‌های آگاهانه، به افشای توطئه‌ها و عملکردهای دیکتاتوری دولت میپرداختند. این عمل با

شکستی فادونه‌نمایان اعلام می‌کند: "ما حاضریم در زمینه اقداماتی عقب نشینی کنیم، حاضریم از ۲۰۰۰ زلوتی اضافه دستمزد نیز صرف نظر کنیم، لیکن در مورد سندیکا‌های آزاد تن به هیچ سازشی نخواهیم داد." این امر نشانگر قوی بودن جنبه سیاسی اعتبارات و تنفر عمیق کارگران از نظام حاکم بر آنهاست. البته باید متذکر شد که لیبرال‌ها در این سندیکا - ها نفوذ داشته و کوشیده‌اند با وسایط آنها از خواسته‌ها و مبارزات بحق کارگران، جنبش اعتراضی کارگری را در جهت منافع خود سوق دهند.

۶- "اتحادیه همبستگی": تشکیلات سراسری کارگران: زمانیکه دولت با خواسته‌های کارگران



کارخانه کشتی سازی لنین، موافقت کرد، هئیت نمایندگان کارگران سایر کارخانجات نزدیک کارگران این کارخانه آمده و خواستار ادامه مبارزه تا تحقق خواسته‌های تمامی کارگران شدند. این درخواست با استقبال کارگران پیروز کارخانه کشتی سازی مواجه گردید و آنها جهت حفظ یکپارچگی طبقاتی خود و به منظور کوبیده‌تر کردن ضرباتشان بر بورژوازی، کمیته‌ها هیئتی ایجاد کردند و با پافشاری زیادی در حفظ هم بستگی طبقه کارگر مبارزاتشان را ادامه دادند.

زمانیکه کارگران خواسته‌هایشان را بر سر دولت تحمیل کردند و سندیکا‌های آزاد را پی ریزی نمودند، کمیته‌ها هیئتی مزبور تا حد اتحادیه مستقل کارگران سراسر لهستان، ارتقاء یافت که رهبری مبارزات کارگران از آن به بعد توسط این اتحادیه صورت می‌گیرد. این شکل منظم - سیاسی "اتحادیه همبستگی" نام گرفت. لازم به تذکر است که این شکل اگر از یک سوی با خواست کارگران در متحد کردن صفوف خود در مقابل دولت سرمایه‌داری است از سوی دیگر همین این واقعیت است که لیبرال‌ها با نفوذ در رهبری این شکل کوشیده‌اند آن را به ابزار فشار بر روی دولت حاکم تبدیل نمایند. پرواضح است که در جریان این امر، بی‌شمار موضع دنیرویکی طبقه کارگر و دیگری بورژوازی

در شمار گذشته به بررسی مبارزات کارگران لهستان پرداختیم و نشان دادیم که این مبارزات از یکسوی نشان دهنده یکپارچگی و قدرت طبقه کارگر است و از سوی دیگر بیانگر بحران جهانی سرمایه - داری و گتدیدگی سرمایه‌داری دولتی در کشورهای تحت حاکمیت رژیونیست‌ها و وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی می‌باشد. جنبش اعتبارات کارگران لهستان دستاوردهای ویژه‌ای نیز به همراه داشت که تجربیات جنبش جهانی کارگری را غنا بخشیده و اندوخته‌های آن را پر بارتر نمود. بنابراین سعی می‌کنیم مهمترین این تجربیات را مورد بررسی قرار دهیم:

ج- تجربیات آموختنی از اعتصابات

۱- اهمیت خواست ایجاد سندیکا آزاد: در کشورهای ما مانند لهستان که سرمایه‌داری دولتی حاکم است، قدرت طبقه سرمایه‌داری از طریق دولت اعمال می‌شود و این برای تشکیلات به ظاهر کارگری ای که سرمایه‌داران به منظور کنترل مبارزات کارگران بوجود می‌آورند، در این کشورها دولتی هستند. رژیم‌های رژیونیست این ممالک برای جلوگیری از انجام حرکات مستقل کارگران اجازه بوجود آمدن تشکیلات آزاد کارگری را نمی‌دهد. بنابراین خواست ایجاد سندیکا‌های آزاد که از جانب کارگران لهستان مطرح گردید و بتوان عمده ترین خواستشان مورد تأکید قرار گرفت، در واقع خواستی سیاسی و نوعی مبارزه برعلیه سیستم سرمایه‌داری دولتی حاکم بود. به پیوسته نیست که اروپا با روسی دولت لهستان، مراحتاً با این خواست اساسی کارگران مخالفت کرده و آنرا خطری بر علیه نظام این کشور تلقی نمودند. در صورتیکه آموژا رکبیر طبقه کارگر، انیس با دولتی کردن سندیکا‌ها، حتی در کشور سوسیالیستی، مخالفت کرده می‌گوید: "... لیکن سندیکا یک سازمان دولتی نیست، یک دستگاه اجباری و انانیت. هدف آن آموزش، تربیت و تعلیم است." (سندیکا‌ها، اوضاع کنونی و اشتباهات تروتسکی، مجموعه آثار جلد ۲۲)

کارگران لهستان به اهمیت این خواست - شان واقف بوده و برای دفاع از منافع خود بدین روی آن پافشاری کردند. بطوریکه در شرایطی که دولت حاضر شد، در صورت صرف نظر کردن کارگران از این خواست، سایر درخواست‌هایشان را قبول کند، کارگران جواب دادند:

به کمونیستهای راستین این کشور که با یسـ
بیش از بیست به افشای توطئه های بورژوازی
دولتی، لیبرالها و محافل ارتجاعی وابسته به
غرب امپریالیستهای غربی و سوسیال امپریالیسم
شوروی، پرداخته و با افشای شعارها و خواسته های
انحرافی، به سیاسی تر نمودن جنبش و تبلیغ
تنها راه رهایی طبقه کارگر یعنی سوسیالیسم
بپردازند، کمونیستها و انقلابیون لهستان نیی
میایست با جمع بندی مبارزات اخیر طبقه
کارگران کشور، در سبایی بس گرانها را در
اختیار جنبش کارگری جهان قرار داده و حمایت
و پشتیبانی کارگران سراسر جهان را جلب
نمایند. اهمیت این وظایف با توجه به اینکه
ضعف عمده جنبش کارگری اخیر لهستان، ضعف
سازماندهی و فقدان رهبری و سیاست انقلابی
است، و هرآن خطر کنترل کامل آن توسط
بورژوازی وجود دارد، بیشتر و بیشتر میگردد.

وظیفه کمونیستها و کارگران انقلابی سایر
کشورهاست که با راه انداختن اعتصابات و
نظا هرات به پشتیبانی برادران طبقه خود
در لهستان بشتابند. با بدیخا طرداشت که این
جنبش عظیم اگر از رهبری واقعی و انقلابی
برخوردار گردد، میتواند سرتنگونی رژیم
روزیونیستی حاکم و برقراری حکومت کارگران
و زحمتکشان، ادا نماید. در آن صورت روشن
است که ضربه ای که بر پیگردیده امپریالیسم
جهانی و بویژه سوسیال امپریالیسم شوروی و
اقمارش وارد میآید، تا چه حد مرکب رو کو بنده
میکردید، به هر صورت این جنبش عظیم کارگری
نویدبخش او جگیری مبارزات طبقه کارگر در سراسر جهان
بوده و خیر از سونی و فساد سرمایه داری جهانی میدهد.
او جگیری مبارزه طبقه کارگری در کلیه کشورها و
بخصوص کشورهای تحت سلطه امپریالیسم
آثارش را در همه جا: در لهستان، ایران، کشورهای
آمریکای لاتین، آفریقا، آسیا و... مشاهده
میکنیم، چون نسیمی است که خیر از طوفانهای
عظیم میدهد، طوفانی که نیروی سرمایه داری و امپری-
الیسم را برپا خواهد نمود و بدینا ل آن افشای
سرخ سوسیالیسم پدیدار گشته و روشنگر راه زحمتکشان
جهان بسوی رهائی آیندگی و استثمارخواهد بود.

خود بخودی راست و سوی مشخصی در جهت سرتنگونی
رژیم حاکم و بدست گرفتن قدرت توسط طبقه
کارگر، میدهد. این بزرگترین ضعف جنبش
کارگران لهستان است. علاوه بر این به علت
با شین بودن آگاهی عمومی و طبقه کارگران
با راهی درخواستهای بورژوازی در میان
خواسته های کارگران بچشم میخورد، ما نندخواست
آزادی مذهب و حمایت از مخالفین لیبرال و
متمایل به غرب دولت، که موجب سوء استفاده
امپریالیستهای غربی جهت بهره برداری
تبلیغاتی به نفع خودشان گردید و مرنج بزرگی
چون "باب" را بر آن داشت که در صدد به انحراف
کشاندن مبارزات کارگران برآید. در این
میان دولت مدکارگری لهستان نیز از فرصت
استفاده کرده و با توسل به کشتن (و از جمله
آوردن یک وزیر کار تو لیک در دولت) سعی در
تطهیر خود و "آرام کردن کارگران نمود.
همچنین عدم مرز بندی کارگران با
لیبرالهای مخالف دولت، بخصوص در طرح
خواسته های چون سندیکا های آزاد، موجب
مخدوش شدن مرز بین خواست انقلابی کارگران و
خواست ضد انقلابی بورژوازی - لیبرالها (که به
بها نه "سندیکا های آزاد" خواسته های ضد
سوسیالیستی خود را طرح کردند)، گردید. این
کونه سوء استفاده ها که از جانب نیروهای ارتجاعی
مخالف دولت صورت میگیرد، توسط عنا صر
سازشکاری چون "لش والسا" که دشمنی در
مها ر کردن جنبش و جلوگیری از قهرآمیز شدن آن
دارند، تقویت میگردد. اعمالی چون فرستادن
پیام تریک (!) برای ریکان که از جانب
رهبران سازشکار "اتحادیه همبستگی"، صورت
گرفت، در واقع خیانتی بود به جنبش کارگران
لهستان که موجب تبلیغات شدید امپریالیست
های غربی را فراهم نمود تا سوسیالیسم و
کمونیسم (یعنی تنها راه نجات طبقه کارگر از
استثمار و بندگی) را مورد حمله قرار دهند. از این
گذشته اینگونه اعمال توهمت لیبرالی را در
میان توده های کارگران تقویت کرده و آنها را
از مسیر انقلابی مبارزه بازمیدارد.
این ضعفها و انحرافات که خطری جدی برای
جنبش کارگری لهستان در بردارد، هشدار است

توجه به آنکه در اعتصابات طولانی و همگانی امکان
موثر واقع شدن نیروهای سرمایه داران را لاقبل
برای بخشی از توده های کارگر، وجود دارد،
حائز اهمیت فراوان است، چرا که بدینوسیله
میتوان تداوم و استحکام مبارزه را تا حدود
زیادی، تضمین نمود. همچنین اعلام حمایت سایر
توده ها از مبارزات کارگران، که در اجتماعات
مذکور صورت می گرفت، جهت حفظ روحیه مبارزاتی
آنها موثر واقع میشود.

کارگران برای خنثی کردن توطئه های
رژیم برخی شرایط را به دولت تحمیل کردند، از
جمله گرفتن تضمینی برای مبنی که پس از
پایان اعتصاب و در مدت اعتصاب مقامات پلیس
حق ندارند معترض هیچ اعتصاب کننده ای بشوند
کارگران بدینوسیله راه اقدامات سرکوبگرانه
دولت (دستگیری و اذیت و آزار کارگران) را بعد
از خاتمه اعتصاب بسته و دبیرنا حیه ای حزب
روزیونیست حاکم را وادار نمودند تا کتبی
جنبش تعهدی را متقبل گردند.

این موارد و بسیاری موارد دیگر، بیانگر
عظمت جنبش کارگری اخیر در لهستان است که
بنوبه خود تجربیات ارزنده و بزرگ برای
کارگران جهان و از جمله ایران، داشته است. اما
متاسفانه این حرکت بزرگ کارگری دچار
ضعفها و انحرافات بزرگی نیز بوده و میباید که
در صورت تداوم، میتواند جنبش را بطور کلی
از مسیر منافع کارگران منحرف نماید.

بنابراین اگر بخواهیم به بررسی و درس
آموختن از این جنبش کارگری، درست و واقعی
باشد، تا کزیریم که ضعفهای آنرا هم مورد بررسی
قرار داده و از آنها نیز درس آموزی کنیم.

د- ضعفها و انحرافات ناشی از خود بخودی بودن جنبش و فقدان رهبری کمونیستی

گرچه جنبش کنونی کارگران، در ضوابط
کو بنده ای بر پیگردیده سرمایه داری دولتی
این کشور وارد آورده است، اما از آنجا که این
جنبش خود بخودی و فاقد رهبری انقلابی و واقعی
خویش است، بسیاری سبب پذیر میباید شد. ضعف
جنبش بین المللی کمونیستی و غلبه رویزیو-
نیسم بر آن از طرفی، و حاکمیت سرکوبگرانه
رژیم حاکم بر لهستان و نیز ضعف و انحرافات
نیروهای کمونیستی در لهستان از طرف دیگر،
موجب گردید که نیروهای کمونیستی و انقلابی
این کشور نتوانند در صحنه سیاسی دا شتابا شند و
بنا بر این زمانیکه جنبشی به این عظمت رخ می-
دهد، از رهبری واقعی و کمونیستی حوین محروم
میگردد. خود بخودی بودن جنبش را میتوان از
یک سو در طرح خواسته های کارگران (که با صرفا
رفاه اندوختن به سیاسی آنها به نسبت عظمت
جنبش، بسیار پائین است)، مشاهده نمود. و از
سوی دیگر در عدم وجود تشکیلات سیاسی (حزب
طبقه کارگر) نیرومندی که بتواند این جنبش



گزارشی از اوضاع سیاسی عراق (۱)

آنچه در زیر میخوانید بخش اول از گزارشی است که از طرف حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی) در ژوئیه سال ۱۹۷۷ منتشر شده است ترجمه و آوردن این گزارش در پیکار، تکمیلی است بر مقالات متعددی که درباره عراق، پیش از این، منتشر کرده ایم.

در اینجا با بدخاطر نشان کنیم که ما از مواضع کنونی حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی) و تحولات درونی آن اطلاع جدید و دقیقی بیش از آنچه در شماره های ۷۸ تا ۸۰ آورده ایم در دست نداریم، ولی این گزارش نظریک سازمان - مل را راجع به یورش و حاکم بر عراق را بر ما عرضه میدارد و جوابی با گفته رایج برای ما بازگو میکند. همچنین انتشار این مقاله، الزاماً به معنی موافقت ما با کلیه مواضع و اصطلاحات موجود در این مقاله نیست. ضمناً درباره حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی)، حزب رومیونیستی عراق بنا به حزب کمونیست عراق (کمیته مرکزی) نامیده میشود، (پیکار)

پیش بسوی توده های خلق

رژیم فاشیستی عراق بر سر یک چند راهی قرار دارد. سیاستهای جدید قابل اجرای این رژیم در چارچوب یک بحران عمومی که بعد از توافق ۶ مارس ۷۵ با ایران و بدنبال سرکوب جنبش رهاشی بخش مسلحانه خلق کرد شروع شده بود، قابل بررسی است. رژیم عراق از زمانیکه قدرت را بدست گرفته تا کنون چندین بحران را از سر گذرانده است ولی این بحران، اساساً با دیگر بحرانهای گذشته تفاوت دارد. منشأ این تفاوت را در محتوای بحران جدید باید جستجو نمود، محتوایی که از ماهیت توده های طبقاتی و فئیلدهای عمیق تر و گسترده تر از هر زمان دیگر پایه گرفته در شرایط عربی و بین المللی کنونی ظهور میکند.

مرحله نوین در مبارزه علیه فاشیسم

تا بدین توان دوم مرحله اساسی را در تاریخ رژیم فاشیستی عراق از زمان کودتای سفید ۱۷ - ژوئیه ۱۹۶۸ مشخص نمود. اولین مرحله، خیزش فاشیسم و تحکیم آن میباشد. در حال حاضر ما وارد دومین مرحله می شویم، که ویژگی آن سر آغاز انحطاط و افت فاشیسم میباشد. در بین این دو مرحله، توافق ایران و عراق و نابودی جنبش رهاشی بخش مسلحانه خلق کرد در مارس ۱۹۷۵ قرار دارد.

اولین مرحله، با موفقیت رژیم بعثی در تحکیم خود که به انکسار سرکوب نیروهای ملی یکی پس از دیگری بوسیله ما نوره های داخلی و خارجی و بهره گرفتن از تضادهای بین المللی و منطقه ای منجر به تثبیت قدرت خود بر کشور گشت مشخص میشود. از بین ما نوره ها و نوطه ها شکیه بوسیله رژیم بعثی عراق پس از کسب قدرت، با کمک شرکت های انحصاری امریکائی و انگلیسی بکار گرفته شده میتوان نمونه های زیر را یاد آوردی نمود.

- به اجرا گذاشتن قانون ۸۰ (۱) برای یک مدت نامحدود.

- توافق ۱۱ مارس ۷۵ با رهبران با سونالیت کرد (۲)

- رقابت با ایران جهت تسلط بر خلیج اوزمانی که نیروهای استعماری انگلیس از منطقه خارج شدند. این چیزی است که به رژیم بعثی عراق اجازه داد ادعا کند که با رژیم ایران مخالفت میکند. این سیاست به شکست انحصار مدو رژیم عراق از آن پس در مقابل سلطه ایران بر خلیج سکوت نمود

- نزدیکی با اتحاد شوروی با برقراری مجدد "اتحاد استراتژیک" با آن و تشرع داخلی این اتحاد که "جبهه ملی و مترقی" نام گرفت.

- استفاده از با لافتن قیمت نفت در سال ۱۹۷۳ و با اواخر شروع جنگ در سال ۱۹۷۴ علیه خلق کرد که شکست نظامی رژیم و راهبای جان نهدن - های خیانتکارانه ۶ مارس ۱۹۷۵ با ایران، زیر حمایت امپریالیسم امریکا، گشاید.

کلیه این عوامل باعث شد که رژیم در اوج خود از یک طرف و تراشید خطوط از طرف دیگر قرار گیرد. خله دو طرفه دارد طرفی که از آن بالا میرویم و طرفی که از آن پایین می آیم. ویژگی اساسی دوره اول تحریف شعارهای ملی بوسیله رژیم بعثی در رژیم خود را در زیر پرچم "مسا لیم" و "انقلاب" مبارزه علیه استعمار مخفی نمود تا بتواند نوطه های نابودی نیروها و عناصر میهن پرست را بهتر بپوشاند. رژیم فاشیستی از پشتیبانی رومیونیستهای شوروی و عراقی در جهت کسب اعتبار در سطح ملی و بین المللی برای فریب توده های خلق و کمراه کردن بخشی از آنان برای مدتی، استفاده نمود. در این دوران رژیم از کلیه ابزارهای سرکوب خود برای از بین بردن اراده خلق در راه کسب آزادی و دمکراسی بهره گرفت. رژیم بوسیله برنامه های حساب شده کوشش نمود که روحیه تحقیر و تحمیل را در مردم ایجاد کرده و شرافت و از خود کشی که

یکی از خطتهای خلق مساند را رین برد در این دوران و مشخصاً پس از لافتن قیمت نفت که بالا رفتن خنوتها را بدنبال داشت. تغییرات مهم و سریعی در آرایش اجتماعی عراق رخ داد. این تغییرات بر اساس گسترش شهرها در مقابل از بین رفتن دهات و افزایش عسددی طبقه کارگر، اهمیت روزافزون نقش آن و تغییر ترکیب طبقه کارگر (تغییر ترکیب به معنای افزایش پرولتاریای صنعتی میباشد)، فشرده شدن کارمندان جز، بالا رفتن لحظه ای درآمد بعضی لایه های بورژوازی متوسط، رشد فعلی سریع و بسیار مهم درآمد یک تشارنگلی، فشرده شدن ترکیب ارتعادی بحالان شرکت های خدمات عمومی و رهبران فاشیستی دستگاه حزب بعث و دستگاه سرکوب، احاطه گرفتن تمامی این عوامل یک گرایش به مصرف و ضعف شدن لحظه ای روحیه مترقیانه یعنی سازش طبقاتی و پیکرانی تحمیل شده بوسیله رومیونیسم و فاشیسم را با خود به همراه حزب ما کلیه میهن پرستان و دمکراتها متحد - شور شدند برای ترسیم چراختها از یک طرف و بحال موجودیتشان با افزایش نگاهداشتن بر حرم مبارزه و حفظ رابطه با انشار خلقی که از نظر سیاسی از همه مهمتر بودند از طرف دیگر، به یک عقب نشینی تن در دهد. حزب ما و کلیه دمکراتها از این طریق نفرت خلق و ردا طع او را در مقابل هر نوع در یوزکی و دنیا لروی از رومیونیسم را بیان داشتند بدین خاطر حزب ما و جنبش دمکراتیک عراق محصور به فداکاریهای ستمانی گشت.

حکمی که بوسیله رژیم علیه خلق در سال ۱۹۷۴ آغاز شد این واقعیت را آرام - آرام معسر میداد. با وجود اینکه رژیم بعثی عراق بواسط آخرین حریف بی رحمت و مسلح خود را در عراق با - بود کند، ولی! این موفقیت را تنها از طریق معامله با امپریالیسم و بهای اردست دادن حاکمیت ملی و منافع خلق عراق، حکم آورد. رژیم عراق با کامیابان در این راه کار کردن کلیه پرده های شبه مترقیانه که خود را نشان مخفی

بشده در صفحه ۱۴

(۱) قانون ۸۰ قانون ملی کردن نفت است. که بوسیله عبدالکریم قاسم به تصویب و تصدیق اول آن برداشته شد.

(۲) منظور حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری ملا مصطفی بارزانی است.

(۳) این با اصطلاح "جبهه ملی و مترقی" - رهبری حزب بعث و فشار رکت حزب رومیونیست عراق، حزب دمکرات کردستان (به رهبری مصطفی بارزانی) بوجود آمد. کردها از سال ۱۹۷۴ از جبهه خارج شدند و رومیونیستها علیه غم فشار - های که به آنها وارد آمده همچنان ظاهراً به مانند و نوسری خوردن "اربعث" مشغولند.

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

پاسداران سرمایه نورا باد ممسنی را بخاک و خون کشیدند

دربورش پاسداران وفلا نزهابه تظاهرات ۲۵۰ نفره مردم در شش تپانی از معلمین ۱۰ کارگر ۱۰۰ بزرگوار معلم شهید شدند صد ها نفر زخمی شدند

آموزش و پرورش "بدون اشاره به تیراندازی پاسداران اسم شهید را آورده و اعتراف به زخمی شدن ۱۱۸ نفر مینماید بدلی عمدا "فراموش میکند" علت این کشتار و کشتن آنها معرفتی نمابند و سرانجام از دستگیری ۳۲ نفر "با تهم" "اخلال نظم در آموزش و پرورش" یاد کرده است . مردم خشمگین ممسنی با ادا مه مبارزه به ارتجاع اجازه نخواهند داد که خون شهیدانشان را لوث نمایند . دستگیری و سرکوب معلمین و جوانان انقلابی نورآباد نخواهد توانست جنایت عوامل رژیم جمهوری اسلامی را از خاطره ها بزداید . رهبری مبارزات خونین ممسنی ، نیروهای کمونیست و از جمله سازمان ما بود .

ادامه سیاست سرکوب معلمین آگاه و متعهد نخواهد توانست رژیم جمهوری اسلامی را بر روشنائی و آگاهی پیروز نماید بدین ترتیب ارتجاعی حاکم در ادا مه سرکوب فرهنگیان آگاه و مبارزان مذبوحانه دست به اخراج ۵۳ نفر در همدان ۱۳۳۰ نفر در بروج ۱۵۳۰ نفر در شهرکرد ۲۱۰ نفر در کرمانشاه و ... نیز زده است . در تهران هم به اجتماع معلمین یورش برده و وعده های از آنان را دستگیر نموده است ولی درخت تنای و آگاهانی همدان به رشد خود ادامه خواهد داد .

می آورند : "مرک بر پاسدار" و "و مرگ بر رهبران جمهوری اسلامی" ...

صبح یکشنبه (۹ آذر) مردم ممسنی تشییع جنازه با شکوهی برگزار میکنند . آنها جلوسر - خانه بیمارستان "هلال احمر" تجمع کرده علیه رژیم پاسداران چهل و سه شعار میدهند و به اقتضای می پردازند . مردم شعار میدهند : "می کشیم ، می کشیم آنکه برادریم کشت" ، "این سندجانیات ارتجاع است" ، "بدر بیدارستان شعاری به رنگ سرخ" : "جلادان فرزندان ما اعدام باید کردند" خواسته مردم را منع میگرد پس از تشییع جنازه ، مردم زخمی و دانه های "تل قلی" ، "مالی" و "ایکان عتار" محل اقامت کشاورز شهید ، کارگر شهید نادعلی احمدی رفته و با شعار مرگ بر پاسدار و "موسوی و رضوانی اعدام باید کردند" (موسوی رئیس پاسداران) خواهان مجازات مرتکبین اصلی جنایت هولناک میشوند . در محل اقامت دوشید دیگر بعلت دوری راه ، اهالی منطقه خود را با به افشاکری می پردازند . برخی از مقامات محلی کوشش مینمایند که خون شهیدان خلق را و شیقه اختلافات درونی خود بینمایند ولی برخورد آگاهانه مردم چنین اجازه ای به آنها نمیدهند . ارتجاع یک لیست ۱۲۰ نفره جهت دستگیری تهیه نموده است . روزنامه "کیهان" (۱۹ - آذر - ۵۹) تحت عنوان "درگیری موافقان و مخالفان رئیس

درا و آخر آت نامه در پی انتصاب فردی مرتجع بنام ظاهری (از "حزب جمهوری اسلامی") به ریاست آموزش و پرورش و مرتجع دیگری بنام انتاری (که حتی کارمند آموزش و پرورش هم نیست) به معاونت وی ، این مرتجعین با انتصاب با بر با مصادقات سرکوبگرانه ای را در مورد معلمین متعهد و مبارز در پیش گرفته و به شدید ترین وجهی دست به تفتیش عقاید ، فرستادن جاسوس به مدارس ، اخراج معلمین انقلابی می زند که بحق با اعتراض فرهنگیان مبارزان آگاه مواجه میشود .

معلمین مبارز با مراجعه به مسئولین استان و اعزام نماینده خواستار تعویض رئیس مرتجع و رفع تبعیض از فرهنگیان و ... میشوند که چون همیشه با پاسخ منفی مقامات رژیم مواجه میشوند معلمین مبارز تصمیم میگیرند با تدبیر و تدبیر از اداره آموزش و پرورش بیرون برانند معلمین مبارز به ظاهری و پادشاه آذر مهلت میدهند که اداره را ترک نمایند ولی او سرپیچی مینماید تا اینکه روز چهارشنبه معلمین آنها را اخراج میکنند ولی با دخالت پاسداران ، معلمین مبارز را در آ آموزش و پرورش متحصن میشوند ظاهری حدود ۴۰ نفر از و با شجری را بطرفداری از خود به تظاهرات و میدارد که سریعاً برانگشته میشوند . شب هنگام پاسداران معلمین را بزروار اداره اخراج کرده و آنها تا صبح جلوی اداره سیر می برند .

روز پنجشنبه دانش آموزان به طرفداری از معلمین شان تظاهرات میکنند . فردای آنروز رضوانی نامی (نماینده آیت الله خمینی در پادگان نوره) به نورآباد می آید و عاصرتا آگاه را علیه معلمین تحریک میکند .

روز شنبه ۸ آذر ۲۵۰ نفر از مردم به حمایت از معلمین متعهد و آگاه شهر تظاهرات میکنند و شعارهایی علیه "ظاهری" و "رضوانی" میدهند . ساعت ۱۰/۳۰ صبح همانروز "رضوانی" مرتجع با جمعیتی در حدود ۱۵۰ نفر همراه با پاسداران مسلح به متابلت تظاهرات مردم می شتابند . مردم شهرمان تا ساعت ۵ بعد از ظهر مقاومت میکنند . پاسداران سرمایه تیراندازی میکنند و گلوله مسلسلهای اسرائیلی و آمریکائی مردم را بخون میکشد . ۵۰ نفر به اسامی برزین امیری (کارگر) منصور عوضی (کشاورز) ، خلیفه رضائی ، نادعلی احمدی ، حمزه قربانی (معلم) به شهادت رسیده و صدها نفر شدت مجروح میگردند . مردم فریاد بر

خواسته های دانش آموزان و معلمین مبارز ممسنی چیست؟

- ۱ - اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و معلمان معتمد
- ۲ - سرپرست آذین و پرورش و اوقاف و معلمان و دانش آموزان
- ۳ - جمعیت دانشمندان و معلمان و پرورش و اوقاف و معلمان و دانش آموزان
- ۴ - جمعیت دانشمندان و معلمان و پرورش و اوقاف و معلمان و دانش آموزان
- ۵ - جمعیت دانشمندان و معلمان و پرورش و اوقاف و معلمان و دانش آموزان
- ۶ - معلمان و معلمان و پرورش و اوقاف و معلمان و دانش آموزان

هوادران استان بیکار در راه آزادی طبقه کارمندی

۱۳۰۸

تاریخ چاپ

کارمندان و مستخدمین جز بدتر شد و کارگران جدید به وضعیت طبقاتی خود آگاه شدند و در یک کلام خطوط اصلی مبارزات سیاسی آینده بطور روشن تصویر شدند . شرایط زشایا بنده ای را که ما ترسیم کردیم ، جزئیات سیاسی میهن پرست خلق عراق را به اتحادیه های دمکراتیک تنها جمعی هدایت نمود . این اوضاع همچنین باعث شکستن توهم زشایا بدی از دمکراتها نسبت به ما به هیئت اصلی رژیم شده است . توده های خلقی جهت دفاع از حقوق شخصی و آزادیهای دمکراتیک و خواسته های اقتصادی خود شروع به حرکت نمودند . بنا براین ما امروزه در حالی که رژیم فاشیست درگیر یک دوره مبارزه درونی شدیدا است ، شاهد گسترش جنبش مبارزاتی توده ها هستیم . کلیه این واقعات وظایف نوینی را به عهده حزب ما و کلیه میهن پرستان دمکرات گذارده تا موفق به درک اوضاع نوین گشته و بتوانیم رهبری جنبش آینده را بدست گیریم .

ادامه دارد .

گزارشی ...

به بهانه از صفحه ۱۳ میگردد ، باعث ایجاد یک وضعیت نوین سیاسی در عراق شد . از حیث و مایل های اقتصادی ، و ما هیئت انکلی کل طبقه کارم ، باعث برپا داشتن شوت های بیکران درآمدهای جدید نفتی شد ، که گسری بودجه بر اهمیت را بوجود آورد . بدنبال این وضع اسفناک ، رژیم طرح معروف "برنامه انفجاری" خود را فقط دو سال بعد پس از یک بودجه مرفه - جوئی عوض کرد . سبکبازیهای جدید رژیم بطور اجتناب ناپذیر در جهت افزایش بیکاری و زیاده شدن اختلاف طبقاتی ، افزایش نارضایتی و گسترش رقابت در بین جناحهای هیئت حاکمه برای چپاول ثروتهای کشور که از قبل آغاز شده بود ، انجامید . دورانی که سیری شد برای روشن شدن ماهیت اجتماعی واقعی واقعیت های جدید در جامعه عراق کافی بود . اختلافات درونی طبقه کارم که بیش از پیش آشکار شد . وضع زندگی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



انقلابیون در بند پرچم مبارزه را در زندانهای جمهوری اسلامی برافراشته نگاه داشته اند

دستگیری، شکنجه و اعدام انقلابیون نشانه وحشت رژیم از انقلاب است!

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی چندی پیش ۱۰ تن از هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در شیراز را بجرم اقدام به تبلیغات انقلابی و هواداری از سازمان پیکار دستگیر کرد و خیال خام خود میخواست با این عمل جلوی فعالیت ما را سد کند و مانع از کارگاه - کارانه ما گردد...

با دستگیرشدگان به وحشیانه ترین نحو رفتار میشود. بیش از هر چیز آنها را بشدت ترسین شکل مورد ضرب و شتم قرار میدهند. با زحوشی ها اغلب همراه با کتک و رکیک ترس فحشهاست. یکی از راجحترین شکنجه ها، ترتیب دادن محنه های اعدام قلابی برای زندانیان است. بدین ترتیب که چشم زندانی را میبندند و به او میگویند که محکوم به اعدام شده است. او را به میدان میبرند، کنار دیوار قرار میدهند و شلیک میکنند. انجام این محنه سازی که بدتر از هر شکنجه ایست، برای باسداران کاری عادی و معمولی شده است. و این نمونه دیگریست از ما هیت کثیف و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی.

محاکمه دستگیرشدگان نیز به هر چیز شبیه است جز محاکمه حاکم شرع نه. احتیاج به بهانه هادارد و نه به مدرک و دلیلی. از وکیل مدافع و شهود نیز خبری نیست. حکم کاملاً به دلخواه حاکم شرع است و چه بسا که بدون هیچ دلیل قانع کننده ای، متهم را فقط بخاطر جرات انقلابی اش به اعدام محکوم میکنند، که آخرین نمونه از این نوع اعدام به نفع از رفقای ما در آغا جاری و آبادان است.

با توجه به چنین اوضاعی ما در مورد امنیت جانی رفقای خود که تنها جرمشان مبارزه در راه آگاه کردن توده ها است به مردم مبارز شیراز هشدار میدهم، چنانکه دو هفته پیش یکی از رفقای ما را فقط بجرم برپا کردن یک چادر برای کمک به جنگردگان به ۱۰ سال زندان محکوم کردند.

مردم مبارز شیراز!

تکذاریم زندانهای طولانی و اعدام هواداران نیروهای انقلابی به امری عادی و روزمره تبدیل شود. قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - شیراز ۵۹/۸/۲۸

رژیم جمهوری اسلامی استادکی میکند شکنجه آنچنان ابعاد وسیعی پیدا کرده که حتی سردمداران "لبرال" رژیم برای دست و پا کردن "وجهه" برای خود و نجات رژیم، زبان به شکوه "از آن کشوده اند".

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندانها سنگردیگری از مبارزه است و انقلابیون اسیر در برابر بیعدالتی ها، جنایت ها و رژیم ارتجاعی حاکم فریاد خشم برده اند و مبارزه را با شکل دیگری ادامه میدهند. از جمله، زندانیان سیاسی زندان اوین برای اعتراض به شرایط طاقت فرسا و غیر انسانی زندان و رفتارهای وحشیانه زندانیان که جلادان خود به آن معترفند، روز سه شنبه ۵۹/۹/۱۱ دست به اعتصاب غذا زدند. زندانیان سیاسی شیراز که برای اعتراض به دستگیری، شکنجه، نقیض عقاید، اعتراض به محاکمات غیر علنی (و از جمله محاکمه سعادتی) و اعتصاب غذا کرده بودند. در روز سوم آذر ماه پس از پانزده روز اعتصاب غذا رژیم را مجبور به پذیرفتن برخی از خواسته ها به نشان نظیر رعایت آئین نامه زندان و امکان استفاده از ادویه و روزنامه نموده و به اعتصاب غذای خود پایان میدهند.

انقلابیون در بند زندان اوین طی بیانیه - ای اوضاع جا مع و نیز زندانیان را برای "ملت قهرمان و مبارز ایران" تشریح کرده و ضمن جلب پشتیبانی توده های زحمتکش و انقلابی خواسته های اعتصاب غذایی خود را به شرح زیر بیان کرده اند:

تشکیل بنده مستقل زندانیان سیاسی

- ۱ - ما خواهان جدا شدن عوامل ساواک و مزدوران رژیم منغور پهلوی میباشیم. زیرا با یکجا به بند کشیدن زندانیان سیاسی در کنار آنها میخواهند وجود زندانی سیاسی را انکار کنند و موجب شکنجه روحی زندانیان سیاسی شوند
- ۲ - رسیدگی هر چه سریعتر به پرونده های زندانیان سیاسی و رفع بلا تکلیفی عده کثیری از آنان و نیز تجدیدنظر در احکام زندانیانی که بدون حضور در دادگاه به حبس های طویل المدت محکوم شده اند. میان ما کسانی هستند که ما هم در انتظار رسیدگی به پرونده شان هستیم - همچنین بقیه در صفحه ۱۷

در روزهای اوج جنبش انقلابی توده ها و آخرین ماه های حکومت شکنجه ها، دره های سیاه لاهی و محمدرضا شاه، بدستان برتوان توده های انقلابی میهن ما کشوده و فرزندان در بند خلق پس از سالها مقاومت و یابرداری در برابر شکنجه گران ساواک به مقوف توفنده انقلاب پیوستند. رژیم وابسته به امپریالیسم شاه با اسیر کردن کمونیست ها و دیگر انقلابیون کمان میگرد که خواهان هدو است تاج و تخت لزان خود را حفظ کند. نه کشتار زحمتکشان و نیروهای انقلابی و نه برکردن زندانها از مبارزین قهرمان هیچکدام نتوانست رژیم منغور محمد رضا شاه جلاد را نجات دهد. فرزندان انقلابی خلق سکوت زندانها را شکستند و آنجا را به "دانشگاه انقلاب" تبدیل کردند. آزاد شدن زندانیان سیاسی یکی از دستاوردهای مبارزات خروشان خلقهای ایران و قیام شکوهمند بهمن ماه بود. فرزندان انقلابی خلق که با گامهای استوار سیاه لاهی شاه را ترک میکردند، گمان نمی کردند که در آینده از همان دالانهای وحشت و راهروهای خونین گذر نمایند. ولی سوار شدن بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی مرفه ستی بر کرده مردم زحمتکش و برقراری رژیم جمهوری اسلامی بسیار زودتر از آنچه که گمان میرفت انقلابیون جان برکف میهن را که برخی بهترین سالهای عمرشان را در سلولها گذرانده و حمله های مقاومت آفریده بودند، دوباره به زندانها کسب داشت. شما زندانیان سیاسی در مدت کوتاهی از مدها گذشت و به هزاران رسید. مزدوران ساواک و مهره های امپریالیسم رژیم شاه از زندانها آزاد شدند و جای آنها را کمونیست ها و انقلابیون دموکرات برکرد و "عدل اسلامی" شکنجه گران جدیدی را به زندانها برگرداند و شکنجه و آزار زندانیان سیاسی به شدت ترسین وجهی در زندانها رایج شد. محاکمات "چند ساعت و حتی چند دقیقه ای انقلابیون را بدون استفاده از حداقل امکانات دفاعی و حتی آنچه که در "قانون اساسی" ارتجاعی خبرگان آمده به جوخه های اعدام سپرد.

کمونیست ها در زندانهای جمهوری اسلامی نیز حمله آفریدند و نشان دادند که پیگیرترین و سازشناپذیرترین انقلابیون هستند. موذن ها، علوی شوشتری ها، شهرام ها، با مرسلیمی ها ناهیدها، منوچهر اشرفی ها و... در مقابل "حکام شرع" و شکنجه گران "اسلامی" در محلهای مقاومت و استواری، کمونیست ها را دوباره به آزمون گذاشتند و مرگ سرخ را در راه رهایی زحمتکشان عاشقانه پذیرا گشتند.

و امروز چندین هزار زندانی سیاسی در بدترین شرایط ملاقات زیر شکنجه و سی بهره از کوچکترین امکانات رفاهی، ما هم بلا تکلیف در زندان بسر میبریم و در برابر توطئه ها و دسیه های

درو در زندانیان انقلابی و مبارزی که در شکنجه گاه های رژیم پرچم مقاومت را همچنان
برافراشته نگاه داشته اند



رفیق م- کوراغلو از تهران

این رفیق سوالات بسیار متعددی را در رابطه با ساختار جامعه، بورژوازی متوسط غیر وابسته مقاله استیمال ایدئولوژیک و نحوه برخورد به گروهها را مطرح کرده است. ما می‌گوئیم محوری ترین سوالات مربوط به پاسخ دهیم.

۱- در مورد مقالات استیمال ایدئولوژیک رفیق ضمن قدرانی از مطالب مندرجه، پرسیده است چرا برخی مواضع مطروحه ما نند مرز بندی با بتلهایم و آلبانی در مورد سوسیال امپریالیسم و مسائلی نظیر آن توضیح اکتفا داده نشده و تنها به ذکر موضع اکتفا شده است؟

۲- چرا به رفقای وحدت انقلابی و سازمان چریکهای فدایی خلق (اقلیت) برخورد نمی‌شود؟

۳- نظریه سازمان در مورد ساختار جامعه و بورژوازی متوسط غیر وابسته... چیست؟

۴- برنامه ما برای وحدت چیست؟

رفیق بسیاری از سوالاتی که مطرح کرده بودی در پیکار رتوریک و نوشته‌های توضیحی پاسخ آن را خواهی یافت. اینست که از پاسخ گویی به تک سوالات خودداری می‌کنیم. و اما در مورد مقاله استیمال ایدئولوژیک:

با دیدگوشم برخورد ما نسبت به این مسئله در رابطه با رزمندگان از ضرورت‌های مبارزه طبقاتی نشأت می‌گرفت. رفقای رزمندگان بی آنکه دره‌ای تحلیل از مسئله سوسیال امپریالیسم ارائه داده باشند، بصورت "آرام" و "تدریجی" انحرافات رویزیونیستی خویش را در برابر این مسئله تعمیق نمودند. سازمان ما و سایر نیروهای جنبش کمونیستی قبل از آنکه به ارائه تحلیل جامع از واقعیت سوسیال امپریالیسم شوری در سطح جنبش مبارز دیردستی درک نمودند که اشکال اصلی رفقای رزمندگان ضعف معرفتی نیست که انتشار مقالاتی در مورد سوسیال امپریالیسم نتواند اشکال آنها را حل نماید، بلکه اشکال رفقا، انحرافی ایدئولوژیک است. به همین دلیل سازمان انگشت بر روی آن انحرافات گذاشته، آنها را افشا نمود. رفقای رزمندگان نیز بجای برخورد ایدئولوژیک کوشیدند با یک ضدحمله موهوم، انحراف خویش را لاپرواشتی کنند. در این شرایط سازمان چه می‌بایست بکند. آیا با بستن ابتدای نظار می‌کشد تا نوشتجات مربوط به سوسیال امپریالیسم بتدریج منتشر می‌شود و سپس به برخورد با رزمندگان می‌پرداخت؟ یا آنکه می‌بایست با زیبا تا کید

بر انحراف رزمندگان، برخی ابهامات راز و ده و سرنوشت راهی را که رزمندگان در پیش گرفته است، توضیح میداد؟ بنظر ما، اگر ما می‌خواستیم شیوه اول را در پیش گیریم، به انحرافی آکادمیستی در می‌غلطیدیم و نمی‌توانستیم بر بزرگای مع انحرافات اپورتونیستی را گرفته و تاثیر لازم را در دفع هجوم رویزیونیستی رزمندگان و تشدید حمله مارکسیسم بر علیه رویزیونیسم در دفاع از دستاوردهایش را یکا رسته باشیم.

از این رودر قسمت طرح نظرات اشیا تسی آنچه را که لازم بود تا جنبش کمونیستی از مواضع سازمان مطلع شود، بصورت مختصر توضیح دادیم و عمدتاً با زیاده‌اشای انحرافات رزمندگان و پاسخ به سوالات آن پرداختیم.

ناشراتی که انتشار این مقاله در جنبش کمونیستی بجای گذارد، خودگواهی بر صحت شیوه برخورد اصولی با انحرافات رزمندگان بود. اما اشتباه خواهد بود اگر ضمن مرز بندی با برخورد آکادمیستی به برخورد محدود و علام موضع دل خوش نمانیم. از اینرو ما ضمن آنکه توضیح و تشریح مواضع مندرج در آن نوشته را اصولی ننمیدانستیم، اما قاعدتاً ریم که برخورد ما را به این مسئله محدود نگه داریم. بنظر ما اکنون سر آغاز دوران تازه‌ای از مبارزه بر سرست سوسیال امپریالیسم و مرز بندی با درک‌های انحرافی نسبت به آن است. ما نیز به سهم خویش کوشیده ایم تا در غنا بخشیدن به این مبارزه سهم با شیم. از اینرو تشریح کلیه مواضعمان را نسبت به سوسیال امپریالیسم در پیکار رتوریک بصورت متداول و منتشر می‌کنیم و کلیه رفقا را برای رفع ابهامات و سواالتشان به پیکار رتوریک ارجاع می‌دهیم.

۲- در مورد اینکه چرا به "وحدت انقلابی" و رفقای فدائی (اقلیت) برخورد نکردیم، ذکر چند نکته را لازم میدانیم:

اولاً قسمت عمده انتقاد شما وارد است و سازمان ضمن برخورد با این کم کاری در صدد گسترش مبارزه ایدئولوژیک با رفقای "وحدت" و "اقلیت" است. چه در این شرایط هر نوع کم بها بی به امر مبارزه ایدئولوژیک بویژه با کمونیست‌های انقلابی می‌تواند خطرات زیان-باری را ببار آورد و دستکم مروجت جنبش کمونیستی را به تاخیر اندازد.

ثانیاً، ما مبارزه ایدئولوژیک با نیروها، لاجرم نمی‌بایستی در هر موردی نیروی شخصی را خطاب قرار دهد. زیرا نیکی ما فی‌السنال بر سر مسئله سوسیال امپریالیسم به مبارزه ایدئولوژیک با رزمندگان می‌پردازیم و با درمورد جنگ به مبارزه ایدئولوژیک دست می‌زنیم. بی‌شک این مبارزه محدود به این با آن نیرو نبوده و در حقیقت کلیه انحرافات به مثابه آنرا نیز مورد نقد قرار می‌دهد.

ثالثاً، ما در مورد مسئله جنگ به رفقای وحدت انقلابی و "اقلیت" نیز در پیکار رتوریک برخورد کرده ایم، اگر چه معتقدیم آن برخورد نا کافی

است و باید مبارزه ایدئولوژیک با این رفقا را چه در این زمینه و چه در سایر عرصه‌ها تعمیق بخشید. ۳- در مورد ساختار جامعه و مقوله بورژوازی متوسط غیر وابسته، سازمان معتقد است که ساختار جامعه ایران سرمایه داری بوده و تنها با سوسیال انراکا و سرمایه تشکیل می‌دهد و در مورد مقوله بورژوازی متوسط غیر وابسته، معتقد است که طرح چنین مقوله‌ای انحرافی بوده و ناشی از شواش فکری شوروی رویزیونیستی "نظام وابسته" است. سازمان بزودی نقادی بر این مقولات منتشر خواهد کرد و دیدگاه‌هایش را در مورد ساختار جامعه و آرایش طبقات توضیح می‌دهد.

۴- در مورد برنامه برای وحدت، ما بطور خلاصه در مقدمه اطلاعیه وحدت در پیکار ۷۳ توضیح داده ایم که مأمورهای اساسی مبارزه ایدئولوژیک را تعیین نموده و برای تأمین وحدت حول اصول ایدئولوژیک، مبنی و برنامه می‌گوئیم. در قطعنامه کنگره مربوط به جنبش کمونیستی و وحدت در گمان را از صف نیروهای جنبش کمونیستی و راه حل تأمین وحدت توضیح داده ایم که بزودی در اختیار رفقا قرار خواهد گرفت.

نوشته‌ای را که در زیر می‌خوانید: رفقای سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار برای ما فرستاده‌اند، ما ضمن درج آن سعی می‌کنیم پاسخی مختصر به آن بدهیم.

عده‌ای از رفقای دانش‌آموز، کتابها و نشریات را به خانه یکی دیگر از دانش‌آموزان می‌برند که بدلیل زیاده بودن آنها و کمبود رفیق مذکور مجبور می‌شوند آنها را به زیر فرش اتاق خود بچینند. روز جمعه پدرش بدنبال مارمولک به اتاق می‌آید و فرش را بالا می‌زند و تمام نشریات و کتب را می‌بیند و منتظر می‌شود تا دخترش از کوه برگردد. در این فاصله تمام افراد را جمع کرده و این موضوع را فاش می‌کند. رفیق ساعت ۹ به خانه می‌رسد که با آن منظره روبرو می‌شود. با خونسردی و گویی که اتفاقی نیافتاده است به اتاق خود می‌رود و پدرش نیز بدنبال او رفته با کتک او را از اتاق بیرون می‌کشد و شروع به فحاشی به دخترش می‌کند. اما به این مسئله زمینه قبلی هم داده و چند بار تکرار شده بود. رفیق شروع به فریاد کشیدن می‌کند و می‌گوید که شما زندانبانان من هستید من افتخار می‌کنم که کمونیست هستم شما تمام من را خاشتن هستید و غیره که پدرش در مقابل این حرکت او موباش را قیچی می‌کند سپس کتابها و نشریات را در گودالی ریخته و آتش می‌زند دخترش را هم در حمام زندانی کرده منبع آب را هم قطع می‌کند این رفیق دوروز در حمام سرود می‌خواند و هر چه سخن از بزرگان میدانسته و شعارها را با صدای بلند بر زبان می‌راند. بالاخره پدرش مجبور می‌شود او را از حمام خارج کند، البته پدرش عقب می‌شست او را به روستایی که در آنجا گویا

وضع زحمتکشان در جنگهای انقلابی و عادلانه

چیز دیگر لازم نیست، چنین دولتی حتی یک لحظه و در یک قدم هم از تعقیب هدف ارتجاعی خود دست بردار نیست، بدین معنی که می - گوشت سرمایه دار را از تحکیم نمایدا زست بنیان ساختنش جلوگیری کند و در امر "تنظیم امور اقتصاد" بطور اعم و تنظیم مصرف بطور اخص فقط به اقداماتی اکتفا ورزد که برای تغذیه مردم ضرورت مطلق دارد. بدون اینکه هیچ وجه در فکر تنظیم واقعی مصرف باشد یعنی توانگران را تحت کنترل قرار دهد، و بدوش آنها که در زمان صلح دارای موقعیت بهتر و امتیازات گوناگون و شکم سیر و آراء سربودند در زمان جنگ با رنگین تری را تحمل نماید. (خطر فلاکت و راه مبارزه با آن)

ببینید این سخنان گرانمایه لنین چگونه در مورد سیاست دولت مرتجعی مثل جمهوری اسلامی ایران درقبال عوارض جنگ صدق میکند: رژیم جمهوری اسلامی مصرف مواد غذایی و ارزاق عمومی را جیره بندی کرده است، اما مصرف توانگران و احتکار مواد غذایی توسط آنها را نه تنها کنترل نمیکند، بلکه دست آنها را در احتکار هر چه بیشتر بازمیگذازد و تازه کارگران و زحمتکشان را به "تولید بیشتر" و "مصرف کمتر" نیز دعوت میکند!

در جنگهای عادلانه رهبران انقلابی جنگ، اخبار دروغ پخش نمیکند و اوضاع خودی و دشمن را به اطلاع زحمتکشان میرسانند تا آنها را در

اگر ما در خیابانها و کوچه ها به اطراف خود نگاه کنیم، صفهای طولیل نان، بنزین، سیگار، برنج، روغن و دهها نوع دیگر از مواد مصرفی را خواهیم دید. این صفها را کارگران و زحمتکشان تشکیل میدهند، نه سرمایه داران، سرمایه داران همانند کارگران، برای یافتن قوت لایموت یک روزه، آنهم به قیمتی "سرماء آور، ساعتها در مغازه ها و بازارها سرگردان میشوند. آنها بویژه بعد از جنگ مواد غذایی را در خانه های خود احتکار کرده اند. شبها گرسنه نمی خوابند، از کمبود مواد غذایی و بیماریهای مختلف رنج نمیبرند سرمایه داران در جیبها گشته میشوند، آنها همانند زحمتکشان به آوارگی و ناامنی و گرسنگی و بیماری و مدها مصیبت دیگر محکوم نیستند. این مشکلات کشنده ناشی از جنگ ارتجاعی ایران و عراق بوده و مانند هر جنگ ارتجاعی دیگر تنها زحمتکشان و فرزندان آنها را به فلاکت نشانده و بیشتر هم خواهد نشانند.

اما ببینیم در جنگهای انقلابی و عادلانه وضع کارگران و زحمتکشان چگونه است؟ در جنگهای عادلانه و انقلابی - که ما در شماره ۸۱ پیکار انواع آن را بر شمرديم - کارگران و زحمتکشان، با اطلاع از مسربرسگلاخ و سخت این جنگها، با جان و دل در آنها شرکت میکنند، در این جنگها طبقه کارگران و نیروهای انقلابی، با یکا رگرفتن ابتکارات و قدرتهای خلافت زحمتکشان، با هرگونه عارضه فلاکت با جنگ مقابله میکنند.

در این جنگها ارزاق عمومی و ما به محتاج زندگی، به تساوی و زیر کنترل زحمتکشان از طریق شوراها به دست مردم میرسد. مصرف توانگران توسط نهیستان کنترل میشود و همانند جنگهای ارتجاعی، گرسنگی برای کارگران و زحمتکشان و نا و رفاه برای سرمایه داران نیست. جیره بندی که در زمان جنگ معمولاً دولتهای سرمایه داری از جمله دولت جمهوری اسلامی، برای جبران کمبود افزایش هزینه های مصروف جنگ بر زحمتکشان تحمیل میکنند، در جنگهای انقلابی مفهوم دیگری داشته و برای تقسیم عادلانه ارزاق بین زحمتکشان و جلوگیری از اسراف و تنظیم میشود. لنین آموزگار رکبیر زحمتکشان در مورد سیاستهای دولتهای سرمایه داران، در جنگهای ارتجاعی در مقابل فلاکت ناشی از جنگ و تنظیم مصرف عمومی میگوید:

"برای دولت مرتجع سرمایه داری که میترسد ارکان سرمایه داری، ارکان بردگسی مزدوری، ارکان سیاست اقتصادی توانگران را متزلزل سازد، میترسد سطح ابتکار کارگران و بطور کلی زحمتکشان را ارتقاء دهد، میترسد تشو قعقات آنها را "برافروزد" برای چنین دولتی جیره بندی نشان (بخوان جیره بندی مواد غذایی - پیکار)

جریان موقعیت جنگ و وضعیت نیروها قرار گیرند. در این جنگها، خدمات عمومی و رفاهی تا حد امکان، کمترین ادا میدارد. مراکز درمانی و بهداشتی نه تنها بیماران رسیدگی میکنند، و احدهای تولیدی برای جلوگیری از نابودی اقتصاد و در جهت تأمین نیازمندیهای عمومی کارگران و زحمتکشان بکار خود ادامه میدهند. در این جنگها یک دولت انقلابی نبوده های زحمتکش را ملحق میکند و کارگران و زحمتکشان با تمام وجود در چنین جنگهای شرکت میکنند. تا میهن خود را از چنگال سرمایه داران و امپریالیستها نجات بخشند.

در جنگهای انقلابی داخلی، کارگران و زحمتکشان در شوراها ملحق، متشکل شده و کلیه امور مربوط به جنگ و جلوگیری از خطر قحطی و گرسنگی و فلاکت ناشی از جنگ را کنترل و حل و فصل می نمایند. ارزاق عمومی از طریق معادله انبهارهای متحرکان، تجار و کارخانه داران و معادله انقلابی شروتهای سرمایه داران خون - آتام، توسط شوراها ملحق کارگران و زحمتکشان تهیه میشود. مواد غذایی و ما به محتاج عمومی زیر نظر شوراها و کاملاً عادلانه بین مردم تقسیم می - گردند. در این جنگها اگران و دیگر مواد مورد نیاز زهت برای همه بوده و گرنه، تمامی مردم باید در تحمل سختیها و مشقات سهیم باشند.

در جنگهای عادلانه و انقلابی زحمتکشان فلاکت و گرسنگی را تحمل میکنند زیرا این جنگها آزادی و آزادی طبقات استمدیده و زحمتکشان - طبقاتی را دنبال دارند. کارگران و زحمتکشان در این جنگها قهرمانان نه شهید میشوند تا فرزندان آنها برای همیشه از قید ستم و استعمار رهایی نیابند. در این جنگها آزادی و استعمار، گرانمایه ترین ارمان جنگهای عادلانه و انقلابی است، ارمانی که به تمام ممالک و نای از جنگ از قبیل مرگ و میر، قحطی و گرسنگی و گرانمایه، بیماری و ویرانی... پایان می بخشد.

★ ★ ★

نه تنها کاتبان شبکه خانواده ها با ما میفرستند بدست ما نمیرسد بلکه اخبار تعداد زیادی از کاتبان ماطی بورشی که به بندها آورده اند توقیف گردیده است"

سازمان ما با اعلام پشتیبانی از خواسته های زندانیان سیاسی شکنجه گاه "اوین"، وظیفه خود و کلیه نیروهای کمونیست و دموکراتهای انقلابی میدانند که با پژواک فریاد درستی زندانیان سیاسی در بین توده های زحمتکش، آنها را به جانیات رژیم جمهوری اسلامی در زندان - ها و اوقاف سازند و با افشای سیاستهای ارتجاعی رژیم در مورد نیروهای انقلابی و سازماندهی مبارزات توده ها در پشتیبانی از انقلابیون زندانی، نوطه های رژیم را با شکست مواجه سازند.

۵۹/۹/۱۹ ★ ★ ★

بقیه از صفحه ۱۵ انقلابیون ...

بلا تکلیف در زندان بسر میبرند و این در حالی است که بخاطر عوارض سرسپرده رژیم باقی در مدت کوتاهی به کارشان رسیدگی شده و آزاد میشوند. ۳ - رعایت حقوق زندانیان سیاسی زن تضییقاتی که در مورد زندانیان سیاسی زن اعمال میشود و مراعات شایسته را اعمال فشارهایی است که به زندانیان سیاسی مرد روا داشته اند اخیراً تعدادی از آنان را به علت اعتراض بوضع موجود، بعد از ضرب و شتم و اذیت به زندان قصر تبعید کرده اند. ما خواهان بازگشت فوری آنان و رفع هرگونه رفتار غیر انسانی با زنان زندانی میباشیم. ۴ - آزادی ورود کتاب و روزنامه - رول زندان و استرداد کلیه کتابها و روزنامه های که توسط مسئولین زندان توقیف شده است.

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم



امپریالیسم امریکابه حمایت خود از اسرائیل، مصر و اردن ادامه میدهد

اخبار اسنای آمریکا مبلغ ۴ میلیارد و ۹۸۰ میلیون دلار جهت حمایت از رژیمهای مرتجع وابسته به امپریالیسم بانکی به تصویب رساند. از این مبلغ ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به اسرائیل و ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار به مصر اختصاص دارد. کمک به اسرائیل جنایتکار در تداوم سیاستی است که میکوشد همچنان اسرائیل را بعنوان چماق سرکوب آمریکا در منطقه نگاه دارد. آنچه مربوط به رژیم مزدور سادات میباشد باید گفت که امپریالیسم آمریکا در ۱۹۸۰ - ۱۹۷۹ بمیزان ۳/۵ میلیارد دلار به مصر کمک کرده و وام اخیر قسمتی از کمک ۵ میلیارد دلاری می باشد که رژیم سادات از آمریکا تقاضا نموده است. بعد از سرنگونی رژیم مزدور شاه امپریالیسم آمریکا بیش از پیش کوشید تا مصر را به یکا بزرگی جهت بسط تاج و خود در منطقه قرار دهد. در واقع این کمک هیچ هدف دیگری جز تحکیم موقعیت امپریالیسم آمریکا در منطقه و تقویت رژیمهای ارتجاعی در تقابل جنبش توده ها و بویژه جنبش مقاومت فلسطین ندارد.

امپریالیسم آمریکا رژیم مزدور ملک حسین را نیز از یاد ندیده است. اخبار نخستین محموله از پنج محموله بزرگ تجهیزات نظامی حاذق و لوازم بدکی و مهمات توسط چهار هواپیمای جت "سی ۱۴۱" از پایگاه هوایی "وینتن" میسوری آمریکا به اردن رسید. درگیری احتمالی اخیر بین سوریه و اردن بهانه ای شد تا جنایتکاران واشنگتن، رژیم ملک حسین را مسلح تر نموده و در مقابل انقلاب فلسطین امکانات سرکوبگرانه بیشتری فراهم سازد. لازم به یادآوری است که چندی پیش آمریکا و امی بمبلغ ۵۵ میلیون دلار نیز به رژیم اردن پرداخت نمود.

این اقدامات در کنار سایر حرکات امپریالیسم آمریکا اگر از یک سو بیانگر رقابت با شوروی است از سوی دیگر ناشی از وحشت امپریالیسم بانکی از فرزاد جنبش خلقهای منطقه است.

محاکمه مارکسیسم در چین

رفیق ما ثور از یاسی از اوضاع چین میگفت:

"ما بندگان بورژوازی که در درون حزب، دولت، ارتش و بخشهای مختلف عرصه فرهنگی نفوذ کرده اند، یک دسته رویزیونیست ضد انقلابی میباشند. اگر موقعیتی پیش بیاید آنان قدرت را به چنگ گرفته و دیکتاتوری پرولتاریا را به دیکتاتوری بورژوازی تبدیل میکنند." (هفتاد و یک ۷ ژوئن ۷۶) آنچه در چین گذشت، حکم فوق را اثبات کرد. رویزیونیستهای مرتد که راه سرمایه داری را تعقیب می نمودند، قدرت را به دست گرفته، دیکتاتوری پرولتاریا را به دیکتاتوری بورژوازی تبدیل ساخته و در کشور چین سرمایه داری را احیا نمودند. رویزیونیستهای علیه چه کسانی دیکتاتوری اعمال میکنند؟ امروز در چین، طبقه کارگر و پرولتاریا زحمتکش و کمونیستها مورد شدیدترین سرکوبها قرار دارند. به محاکمه کشیده شدن رفقا "جیانگ چینگ" و "وان - هون وان"، "یان یان"، "چان جونگ - چیا شو" و... نمونه بارزی از سرکوب کمونیستها توسط رویزیونیستهای مرتد است. در واقع این محاکمه، محاکمه پرولتاریا توسط بورژوازی حاکم برجین میباشد. اما برآستی چرا کمونیستها در چین به محاکمه کشیده شده اند؟

لیوشا ثوچی خا شن که میکوشد سرمایه داری را به چین بازگرداند، طی انقلاب فرهنگی ویرانگر به مبارزات کمونیستها بطریزی عربیان افشا شده و پس از کنگره هشتم، در اکتبر سال ۱۹۶۸ به عنوان "مرتد، عامل دشمن و خائن به طبقه کارگر افشا شد و از تمامی مقامات حزبی و غیر حزبی معزول گشته و بطور قطعی از حزب کمونیست اخراج میگردد. اما اگرچه انقلاب فرهنگی ضربات مهلکی بر پارتی لیوشا ثوچی وارد ساخت، لیکن هرگز نمیتوانست بطور قطعی رویزیونیسم را در خاک کیند، چرا که جا معه سوسیالیستی یک جا معه طبقاتی است. لیوشا ثوچی از صحنه بدرشد اما رویزیونیستها نا بودند نشاندگان دیگری بودند که خط مشی بورژوا - رویزیونیستی او را دنبال کنند. دارودسته ضد انقلابی تنگ سیا شو - پینگ ادا مدهنده راه لیوشا ثوچی بودند. در زمان انقلاب فرهنگی، تنگ توسط کمونیستها به مثابه یک رویزیونیست افشا گردید، اما او به اتکاء پایداری و مومندی که در حزب داشت دوباره مدارج را طی نمود، لیکن مبارزه جناح انقلابی حزب از جمله مبارزه رفیق ما ثوچا رفیق مذکور و رابعتوان عنصری رویزیونیست که در پی احیای سرمایه داری میباشد، در سال ۱۹۷۴ به پارتی شین کشید. تنگ پس از این ضربه مبارزه برای کسب قدرت را رها ننمود و در حواله وحش سال ۱۹۷۶ به مقامات مهمی در حزب و دولت دست یافت. مبارزه جناح انقلابی و از جمله رفیق ما ثوچا رفیق

دیگر گسترش پیدا نمود و با لاف زدن و تکیه بر بزرگترین راهروا سرمایه داری افشا شده و توسط کمیته مرکزی حزب در آوریل ۱۹۷۶ از تمامی مقامات خود معزول گردید:

"قطعاً به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین دربار عزل تنگ سیا شو پینگ از تمامی مقامات در درون و بیرون حزب."

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بعد از بحث دربار حادثه ضد انقلابی میدان "ملح آسمانی" و رفقا را خبر تنگ سیا شو پینگ برآشت که مورد اوما هیتی دیگری افتاده و تضادی آنتاگونیستی تبدیل شده است. برپایه پیشینها در هر بزرگ ما مدرما ثوویا تا شید همگانی دفتر سیاسی تنگ سیا شو پینگ از تمامی مقامات در داخل و خارج حزب معزول گشته، ولی عضویت او در حزب جهت نظارت حفظ میگردد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۱۷ آوریل ۱۹۷۶ (مدرجه در هفتاد و یک ۱۲ آوریل ۱۹۷۶) بدین ترتیب می بینیم که اگرچه کمیته

مرکزی بدستی مورد تنگ را تضادی آنتاگونیستی نا پذیر تلقی میکند، اما در عمل با اوما لحه کرده و عضویت او را در حزب ابقا مینماید. انحراف راستروانه حزب کمونیست چین و رفیق ما شو مانغ از آن میگردد تا رویزیونیستها و از جمله تنگ مرتد از صفوف حزبی بطور تاطع تصفیه و اخراج گردند. رفیق ما شو بدستی در مورد تنگ میگفت:

"او هیچ اهمیتی به مبارزه طبقاتی نمیدهد و هرگز آنرا به مثابه محور مطرح نکرده است. "گر به سفید، گر به سیاه" فرمول همیشگی اوست. او بین امپریالیسم و مارکسیسم تفاوتی نمی گذارد."

(هفتاد و یک ۶ ژوئن ۷۶)

لیکن علیرغم این تحلیل صحیح، حزب کمونیست در عمل به سازش طبقاتی در غلظیده وجودنا بندگان بورژوازی را در صفوف خود به رسمیت می شناسد و نتایج را به قدرت رسیدن بورژوا - رویزیونیستها راهوار میسازد. مرگ رفیق ما ثویرای رویزیونیستها موقعیت مناسبی را فراهم می آورد. آنان همه جا نبیه تعرض دست زده و با قدرت تمام میکوشند تا هر چه سریعتر دستاوردهای سوسیالیسم را نابود ساخته، مارکسیسم لنینیسم را در چین دفن کرده و حاکمین خط مشی انقلابی را از میان بردارند.

رویزیونیستها طی سالیان طولانی در چین مورد ضربت قرار گرفتند. انقلاب فرهنگی چهره زشت آنان را عربیان گرد و آنان با رها از مراکز قدرت به زیر کشیده شدند. چه کسانی علیه رویزیونیستها مبارزه کردند؟ چه کسانی نقاب مارکسیستی آنان را دریدند و ما هیت ضد انقلابی شان را برملا کردند؟ چه کسانی آنان را به مثابه رهروان راه سرمایه داری در پیش پرولتاریا و سایر توده ها رسوا نمودند؟ آری واقعا چه کسانی جز حاکمین مشی انقلابی و از جمله "جیانگ چینگ" بقیه در صفحه ۲۰



هنرمقاومت هنرپروولنری

فرخی یزدی "نماینده جریان انقلابی در هنر"

تبلیغی و شرکت فعالانه و در مبارزات سیاسی منجر به این شد که چندین بار دیگر به بند کشیده شود. از جمله پس از کودتای ۱۲۹۹ او هم همراه دیگر انقلابیون به سیاهالهای رضا خانسی گرفتار شد.

فرخی بعزت محبوبیت فراوان در میان توده ها، در دوره هفتم مجلس شورای ملی (۹) - ۱۳۰۷ شمسی (از بدست سمت نمایندگی انتخاب کردید و تنها کسی بود که بلندگوی پارلمان را بدون تزلزل به محل افشاکاری های انقلابی و جسورانه اش تبدیل کرد و بارها بعزت مخالفت های پی در پی با رژیم رضا شاه، در همان مجلس کتک خورد و بارها محبوس گشت مخفیانه به میهن کارگران، شوروی سوسیالیستی پناهنده شود.

فرخی پس از مدتی برای ادامه مبارزه به ایران بازگشت (سال ۱۳۱۲) و ناآنگه شاه، فریاد را نه قول داده بود که او را دستگیر نخواهد کرد، طی توطئه ای، به زندان افکند. فرخی در زندان به سختی مورد شکنجه و آزار قرار گرفت، ناآنگه که برای حفظ وفاداری اش به انقلاب اقدام به خودکشی نمود، لیکن از ممرگ نجات یافت (نجات یافت؟) و بارها به بنام "اساعاد" به مقام سلطنت محکوم گشت، او مدتها در سلولهای تاریک و نمور انفرادی در زندانهای "ثب"، "شهربانی"، "قصر گذراند، لیکن ذره ای از شور انقلابی اش کاسته نشد و بارها در زندان رضا خان که خود را در برابر این قامت شعله ور انقلاب زبون یافته بودند و او را بوسیله آمبول هوا و بدست پزشک مجاز زندان قمریه قتل رساندند. فرخی جز سرودن اشعار انقلابی به انتشار چندین روزنامه جهت تبلیغ انقلابی دست زد که از جمله طوفان و وپیکار و قیام و... را میتوان نام برد.

مضامین شعر فرخی

هما نگونه که گفتیم اشعار فرخی در چهار - چوب جریان انقلابی شعر مشروطه قرار دارد، شعر او مشحون از دمکراتیک تسمی طبقات تحت ستم و استعمار شده و دوران انقلاب مشروطیت است. او هما نگونه که در زندگی، جانبازان هرزمید، در عرصه شعر هم مدافع پیگیر و سرسخت انقلاب باقی ماند و برخلاف شاه ایران لیبیرالی چون "ملک - الشعراء" بهار، از موضع زحمتکشان و نه از پایگاه بورژوازی بسوی انقلاب شتافت!

- (۱) - این مقاله به بیان سبک و لگدشتها در فرخی یزدی تهیه شد، اما با توجه به مسائل حادثه و محدودیت نشریه، امکان چاپ بموقع آن فراهم نیامد.
- (۲) - هیاتهای تیشیری مسیحی در کشورهای تحت سلطه متحمله ایران به تاسیس موسسات خیریه، مدارس و بیمارستانها (البتة برای منظورهای استعماری خودشان) می پرداختند. اینگونه موسسات بنام "مرسلین" معروف بود.

گیری اش بسوی زحمتکشان و طبقه کارگر بجای گذاشت، ناآنگه که مقامی چون استشاری، ستم طبقاتی، در دورون کارگران و دهقانان، جنگ طبقاتی، کینه و نفرت از سرمایه داری و... مضمون بسیاری از اشعارش را در سراسر عمر سرشار از مبارزه اش تشکیل میدهد.

فرخی در جریان شرکت فعالانه در انقلاب، به عضویت حزب دمکرات شاه یزد در آمد و ۳ سال پس از برقراری رژیم مشروطه بدلیل سرودن شعری افشاگرانه بدستور که کم یزد، وحشیانه دهان او با نخ و سوزن دوخته شد و او را به زندان افکندند، و بدینگونه سندی بر اسناد ما هیست مرتجعانه و ضد انقلابی میوه چینان انقلاب مشروطیت افزود.

فرخی در زندان آرام بست و با سرودن اشعار انقلابی کوشید همچنان احساسات آتشین و انقلابی زحمتکشان را بیدار نگاه دارد و بیش از آن به آگاه کردنشان بپردازد.



فرخی برای ادامه مبارزه، پس از چندی از زندان گریخت و بسوی مبارزه با سرودن اشعار آگاهگرانه در جبهه انقلاب به پیکارش ادامه داد. او چند بار به شوروی سوسیالیستی مسافرت کرد و در دوران جنگ جهانی اول به جهت آنکه مزدوران انگلیس در پی دستگیری اش برآمدند از ایران گریخت و سپس از بیزانیه به ایران بازگشت و به مبارزه اش پیگیرانه ادامه داد. مخالفتهای انقلابی او با وثوق الدوله و سردار سپه و دیگر مزدوران امپریالیسم، انتشار اشعار آگاهگرانه

طبقه کارگر و دیگر طبقات انقلابی، برای دستیابی به آزادیهای وادی خود نیازمند آنند که مبارزات خویش را در همه عرصه ها، آگاهانه به پیش برند، آنان نیازمند آنند که برای پیش برد آگاهانه مبارزه، با تجربه گذشته در همه اشکال مبارزه آشنائی پیدا کنند، و ستمهای انقلابی دوران پیش را با برخوردی نقادانه و نوین، در جهت مقتضیات نبرد کنونی شان زنده نمایند و بکار گیرند.

هنر، بدون تردید به مثابه جزئی از ایدئولوژی طبقات، عرصه ای از مبارزه طبقاتی است. از اینرو پیشا هنگام آگاه طبقه کارگر موظفند به سنت شکنی طبقات مرتجع و ضد انقلابی، به سستی که در همه جوامع کهن کم و بیش رواج داشته است یعنی به جدائی طبقات زحمتکش از فرهنگ انقلابی، پایان دهند و با تمام نیرو، با کار وسیع، بر نهادهای مریزی شده و آگاهانه، برای بیدار نگه داشتن روحیات انقلابی در توده ها و بزرگانگی بخش احساسات پر شور و آشتی ناپذیرشان از بازار هنر سودجویند.

تاریخ خلق ما سرشار از مبارزه درخشان و سرشار از دستاوردهای عظیم هنر انقلابی است. امروز طبقه کارگر و بزرگان زحمتکشان ما با بدبختی این تاریخ آشنائی بایدند، آشکارا راست گشته دورانی انقلابی، کنجینه ای از این دستاوردها را در خود نهفته دارد. و فرخی یزدی انقلابی، شاهزاده روزنامه نویسی انقلاب مشروطیت یکی از نمایندگان جریان انقلابی در تاریخ هنر خلق ماست که زنده نگه داشتن فعالیت تحت سلطه و خلاقانه او و بهره گیری از آموزش انقلابی او، در سبک های فراوانی برای همه فعالین هنری و زحمتکشان در برخواهد داشت.

زندگی شاعر انقلاب

فرخی یزدی، تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه "مرسلین" (۲) یزد که بوسیله استعمارگران انگلیسی تاسیس شده بود گذراند، لیکن پیش از پایان تحصیلات به علت داشتن روحیه ای مبارزه جو به نوازادی - خواه که در اشعار اولیه اش منعکس میشد - خراج گشت، او پس از اخراج مجبور شد که بعنوان کارگر نساج، کارگران را و... به همراهش بپردازد. این دوره از زندگی شاعر، تا شیر عمیقی درست

ما را از انقلاب سرائتخاب نیست
چون انتخاب ما بجز از انقلاب نیست
(شعری که در رابطه با انتخابات مجلس سروده شد)
اوباکینه ونفرت به میوه چنان انقلاب
مشروطه می نگریست و از همان آغاز میسرود:
در کهن ایران ویران انقلابی تازه باد...
و با: از انقلابی سخت جاری سیل خون بایدنمود،
وین بنای ست پی را سرنگون بایدنمود،
مسائل گوناگون انقلاب، همواره با مصلحت
وروشنی در شعر فرخی انعکاس یافته و از موضعی
انقلابی نقطه نظرات خود را از آن ها بیان داشته
است. فی المثل فرخی برخلاف هنرمندان
لینرال مشروطه هیچگاه ستایشگر مجلس بطور
کلی نبوده و همواره با رلمان بورژوازی را مورد
سخت ترین حملات قرار داده است:

با بودن مجلس بود آزادی ما محو
چون مرغ که با بسته ولی در قفسی نیست
با: پس که از سرمایه داران مجلس ما گشته پر
اعتبارش هیچ کم زد که صرف نیست
با: می کند تهدید ما را این بنای ارتجاعی
منهدم این کاخ را از صد رتا دروازه باد

سمت گیری بسوی طبقه کارگر و زحمتکشان

پیوندنا گسستن فرخی با زحمتکشان و سمت
گیری اوسوی طبقه کارگر در شعر، آنچنان

آشکارا انعکاس یافته است که هر خواننده شعر او
میتواند احساسات انقلابی اش را در بر خورده به
توده ها بیا زماید:

انتقام کارگری کاش آتش بر فروزد
تا بسوزد سرسراین توده تن پروران را...
با: ز جور کارفرما کارگران بخود لرزد
که گردد در سربو کبک دری بازنگاری را...
با: بهر مشتی سیرتانی یک جهان پی گرسنه
انتقام گرسنه از سیر میبا بد گرفت
با: مسکن را زدم داس درو با بد کرد
فقر را با چکش کارگران با بد کشت
اشعار فرخی سرشار از این روحیه انقلابی
است. اوصدای توده های زجر کشیده ای است که
اندیشه ای جز ویران کردن نظم کینه و احساسی
جز کینه به طبقات دشمن و آرمای نهی درخشان
نسبت به آینده در خود نمی پرورند.

محدود دیت های شعر فرخی

اگرچه فرخی یزدی، به تمام معنی، شاعر
دمکرات و انقلابی است، اگرچه او در اشعار و
مقالاتش همواره عهدی ناگسستن با انقلاب
زحمتکشان را تصویر کرده است، اگرچه اوسوی
طبقه کارگر مستگیری داشته و حتی در دهمین سال
جشن انقلاب اکثر شرکت جسته و شادمانه سروده

در جشن کارگر چو زدم فال انقلاب
دیدم بفال نیک بود حال انقلاب

اگرچه اوسویا سوسیال دمکراسی ابرار
ارشیای نزدیک داشته و در روزنامه های پیکار
قیام، طوفان و... مقالاتی بدفاع از انقلاب
سوسیالیستی (انقلاب اکثریت) درج نموده... با
اینهمه ارزیابی از ماهیت سیاسی - ایدئولوژیک
فرخی، بیانگر محدودیت دیدار او، از اینروست
که فرخی در انقلابی ترین اشعار تبلیغی خود،
درست آنجا که به نفی استثمار، دفاع از کارگران
و افشای سرمایه داران میپرداخت، دچار
محدودیت شده و احساسات انقلابی او با افکار
منا فیزیکی درهم می آمیزد:

غنا با فشاری کردا بجا دتهی دستی
خدا ویران نما بدخا نه سرما به داری را
البته محدودیت های شعر فرخی، عرضه های
گوناگونی را در زمینه محتوا و شکل شعر در بر می
گیرد. عدم انسجام شعرا و، عدم توانایی در ترسیم
کیفیات درونی و گاه اراشته و بر معمولی و
سطحی و حتی با آرمیز، در قید و بند اصطلاحات
تشبیحات و نحو شعر گوشتی شعر کهن زندانسی
بودن، برای درست در آوردن اوزان عروضی،
کلمات اضافی حتی مصرع های اضافی و بی ربط
سرودن و... همه و همه مسائلی است که باید در
جای خود ملاحظا بدان پرداخت. وجهیه های
کیفی شعر فرخی را در بیشتر اشیاء مشخص انقلاب
مشروطه ارزیابی کرد.

بقیه از صفحه ۱۸

محاکمه...

"وان هون وان"، "یاون یان"، "چان چوگ -
چیا شو" افشار این خاشنین به طبقه کارگر -
بودند؟

بی سبب نیست که رویزیونیست ها رفیق مائو
را پس از مرگش به محاکمه کشیده و او را "عامل
اصلی جنایات دوران انقلاب فرهنگی" معرفی
میکنند. بی سبب نیست که رویزیونیست ها چهار
رفیق فوق را "به جرم توطئه برای جلوگیری از
روی کار آمدن تنگ" محاکمه کرده و چه بسا آنها را
به جوخه اعدام سپارند. آری امروز در چین در
دادگاه ضد انقلابی رویزیونیسم، کمونیست های
راستین محاکمه میشوند، زیرا آنان پرچمداران
مارکسیسم لنینیسم، رهروان طبقه کارگر -
دشمنان بورژوازی و رویزیونیست میباشند.
تعجب آور نیست اگر امروز کمونیست ها توسط
کسانی محاکمه میگردند که "بین امپریالیسم و
مارکسیسم" تفاوتی قائل نیستند. بورژوا -
رویزیونیست های مترجمی چون "تنگ و" هوا"
بر اساس منطق طبقاتی خود عمل میکنند. در برابر
جهان کمونیست ها همواره مورد سرکوب و حشاشنه
بورژوازی و دولت طبقاتی آن قرار داشته اند و
بر واضح است که ضد انقلابیون حاکم برجین، بر
اساس ماهیت طبقاتی خود به سرکوب کمونیست ها
اقدام میکنند.

امروز امپریالیست ها، بورژوازی جهانی
و همه مترجمین برای "تنگ سیا توپیک" بعنوان
نماینده برجسته بورژوازی چین کف میزنند و
هوا میکشند. امروز "پراودا" ارگان امپریالیسم
شوروی از "محاکمه ما توپیک در چین" "ا - سراز
شادمانی میکند، امروز ادیو صدای آمریکا
از محاکمه جناینکاران زمان انقلاب فرهنگی
محبت میکند و تلویزیون سی بی اس "آمریکا
حق بخش جریان محاکمات را به مبلغ ۴۰ هزار
دلار از چین خریداری میکند. امروز بورژوا های
جهان از "سازان واقع بین" چین و محاکمه
"چپروهای انقلاب فرهنگی سخن میگویند. آری
امروز دشمنان کمونیسم از محاکمه کمونیست ها در
چین قهقهه میزنند. بورژوازی همه کشورهای
جهان در برابر پرولتاریای جهانی منافع
مشترکی دارند. آنان پاسداران نظام فرسوده
و ارتجاعی سرمایه میباشند و همین خاطر سرکوب
کمونیست ها، این دشمنان سرمایه داری و امپریا
- لیسم، نمیتوانند موجب خشنودی آنان بگردند.
اما بدانیم که این قهقهه ها، تهنیتیه سرک
است. بورژوازی و امپریالیسم محکوم به سرک
میباشند. تا ربح حکم بر آن داده که پیروزی آن
پرولتاریا و کمونیست ها است. اگر امروز بورژوازی
جهانی، سرکوب کمونیست ها در چین را جشن
گرفته است و در سراسر جهان برای فریب توده های
زحمتکش، چنین و آنموده سازد که کویا کمونیسم

محکوم به شکست است، مطمئن باشید که پرولتاریا
او را در گور خواهد کرد. امپریالیست ها رویزیونیست ها
هرگز نخواهند توانست طبقه کارگر و زحمتکشان را
فریب داده و حاکمیت ارتجاعی خود را ابدی
سازند. مبارزه طبقاتی پرولتاریا از شکست و
پیروزی عبور نمیباشد، اما پیروزی نهائی آن
مارکسیسم لنینیسم است.

رفیق چیانگ چینگ "در سیدادگ -
رویزیونیست ها بعنوان دفاعیه بر روی کاغذ
نوشته بود: "با تمام قدرتی که شما دارید می -
توانید به آسانی مرا به آنچه که دوست دارید،
متهم کنید. شما به آسانی میتوانید عوام
انها را با وجود بیادری و ولی اگر تصور میکنید
میتوانید مردم چین و در سطح وسیعتر دنیا را گول
بزنید سخت در اشتباه هستید."

آری رویزیونیست ها میتوانند یک کمونیست
را به آنچه دوست دارند متهم نمایند، اما انسان
هرگز نمیتواند حقایق آلمان یک کمونیست
را دهن کرده و پرولتاریا را فریب دهد. آری
بورژوازی میتواند سرکوب کمونیست ها را جشن
گرفته و مزورانه چنین و آنموده کند که کویا
کمونیسم محکوم به شکست است، اما هرگز نمیتواند
آلمان کمونیسم را در قلب فلیسوت ها توده زحمتکش
خاموش ساخته و از حرکت اجتناب نپذیرد. ربح
یعنی برقراری کمونیسم جلوگیری نمائند.
کمونیسم حکم تاریخ مبارزه طبقاتی است.

بقية ارمفحة ٢ سر مقاله...

آوارگی بیش از شصت میلیون نفر از ساکنان
حمکتش مناطق جنگ زده، سی خانمانی وضع
ایمان و رفتن آوارگان در این سرمای زمستان
مزمان با فروریختن تدریجی توهم توده ها
سبت به ماهیت جنگ ایران و عراق و نتایج
لاکت بار آن برای زحمتکشان، بخصوصی در مناطق
تنگ زده و متقابلاً برخورد هانت آمیز و سرکوب
گرانه رژیم به آوارگان و فقدان انقلابی خواندن
نان و ناتوانی اش در تامین نیازهای اولیه
آوارگان نظیر مسکن و پوشاک و غذا، نارضایتی
دیدنی را در میان آوارگان دامن زده و در هفته
های اخیر ما شاهد حرکات اعتراضی آوارگان در
نهرهای مختلف و از جمله در اطراف، شیراز،
بندر امام شهر، سربندر، شادگان و... بوده ایم.
بدون تردید فلاکت ناشی از جنگ چه در مورد مناطق
جنگ زده و آوارگان و چه در مورد سایر مناطق
همراه با افزایش بیکاری، رشد سرمایه و تورم و
گرانمایحتاج اولیه، افزایش ساعات کار
کارگران و مهمتر از همه گوشت دم توپ شدن
زحمتکشان در جنگ غیرعادلانه کنونی و سرکوب
مبارزات و حرکات اعتراضی آوارگان، موجب
تشدید و رشد هر چه بیشتر جنبش اعتراضی کارگران
و زحمتکشان، به ویژه در مناطق جنگ زده خواهد گردید.
بحران اقتصادی - سیاسی حاکم بر جامعه
و رشد روزافزون جنبش توده ای، بحران در برابر
آدامان زده و هم اکنون این بحران بدنبال
جنگ ایران و عراق به اوج خود رسیده و جناح های
حاکم را ملا در برابرهم قرار داده است، بطوری
که هر یک میکوشند تا دیگری را مسئول بحران و
خرابی اوضاع قلمداد کنند و از این طریق پایه
قدرت و نفوذ خود را در قدرت سیاسی افزایش
دهند. درگیری و شکاف در برابر میان لیبرالها و
حزب جمهوری و انشای هر کدام توسط یکدیگر،
بنوبه خود، ظرفیت و شکست هیات حاکمه و سرکوب
یکپارچه را تضعیف ساخته و آواران در برابر
جنبش توده ای که در صورت رشد و گسترش آن حیات
جمهوری اسلامی را به خطر می افکند، به موقع
توجه گشاده است.

روشن است که موضع دفاعی هیات حاکمه در برابر فشار ربا شین و جنبش توده‌ای خود را ملی است در جهت دادن زدن و گسترش جنبش توده‌ای خواهد بود و هرگاه این واقعیت در کنارنا توانی هیات حاکمه در حل بحران کنونی جا می‌ماند و عدم پاسخگویی به خواسته‌های اساسی توده‌ها مورد توجه قرار گیرد، چشم‌انداز پرشوری را نسبت به رشد و اعتلا جنبش و گسترش هر چه بیشتر آن نوید می‌دهد. آنچه که می‌تواند نقش اساسی و مهمی در ارتقاء و سمت دهی این جنبش متکی بر منافعه

در حالیکه رژیم میگوید حتی مردم فقیر
روستاها را لقمه نان خالی را از دهان نشان بگیرند
و به جبهه جنگ ارسال دارند و تلویزیون نشان
میدهد که پیرزنی روستائی یک مرغ را - که
سر ما به اش هفت - در دست گرفته و میاورد و با
چوبانی گوسفندی را،

در حالیکه بسیاری از داروهای ضروری برای
بیماران در بازار یافت نمیکرد.

در حالیکه ۲۸ درصد از نیروی کار آمدکشور

در حالیکہ آوارگان این جنگ ارتجاعی کہ

تا مین نمودا

آری، در چپتن حالی طبق این سند اکبر -
ها شمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی
مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان معادل ۲۲/۵ میلیون
دلار در اختیار رفیق دوست که یکی از
مشتوکنین سپاهداران است میگذارد. در سند
ذکرشده که پول به چه منظوره داده شده ولی باتوجه
به اینکه رفیق دوست مسئول تدارکات سپاه
سپاهداران است و چند ماه پیش نیز ما مورخین
سلاح از کشورهای اروپای شرقی شد، احتمال
دارد که این ۲۰۰ میلیون تومان نیز برای خرید
سلاح در اختیار او قرار گرفته است. خرید سلاح
برای کشتار بیشتر کارگران و زمینکنان بهیاری
قتل عموستایا و روستایا گردستان مثل قلاتان،

پروولتا ربا وز جمکشان ايفا کند، ادا مـه
آلترنا تيويو قطب انقلابي (کمونيستي) در قبال
آلترنا تيويهای حاکم (ليبرالها و حزب جمهوري
اسلامي) وسایر آلترنا تيويهای ارتجاع عـسی
(بختیارو...) و جریانات دمکرات تا پیگیر
(مجاهدين...) و تبلیغ و ترویج توده‌ای سر
روی این آلترنا تيويو استقرار جمهوری دمکراتیک
خلق بمنوان تنها راه حل قطع سلطه و نفوذ
امپریالیسم، نابودی ارتجاع و تأمین اساسی
ترتیب خواستهای اقتصادی - سیاسی توده‌ها... میباشد،
و قعاً! بکوششها بردن این آلترنا تيويو در

[illegible]

کاشی مامسید، قارنا، ایندرا قاش، صوفیان و...
 ضمناً رفیق دوست همان کسی است که در قتل
 رهبران شهید خلق ترکمن توماج و یارانانش
 مستقیماً دست داشته است.

به سند توجه کنید و چشمه‌ای از خیانت‌های
"مردان جمهوری اسلامی" را ملاحظه نمایید. به
بقیة موج توفنده انقلاب توده‌ها این خیانت -
کاران و همگامه‌ها شان را از صدر تا ذیل -
محارفات خواهند رساند.

درافشای ارتجاع، این دشمنان خلق و
همدستان امپریالیسم جهانی لحظه‌ای درنگ
روان نیست.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

1359/9/19

سری ب - ت. ش. ۱۰۱ ★★★★★

میان کارگران و زمینگشان و با استفاده از شرايطي که در رابطه با افتادن جناحهای حاکم بجان یکدیگر و موضع دفاعی رژیم در قبال فشار جنبش بوده‌ای، به وجود آمده است، به‌ویژه با استفاده حداکثر از کمترین رنای چیز ترس امکان‌ناست فعلاً لیت علنی و گسترش عرصه فعالیت تبلیغی و ترویجی، نقش خود را در رشد و ارتقاء جنبش بوده‌ای مبنی بر منافع پرولتاریا و زمینگشان به‌بهرترین وجه ایفا نمائیم. و در یک کلام با تمام نیرو و امکانات خود، به استقبال جنبش اوج نبرد نه‌شده‌ها شتابیم!

فنان، مسکن، آزادی

آب کہ بالا میرود
قورباغہ ابو عطا میخواند!

خلع‌آلی کبکی از "سردان جه-سوری
اسلامی" است و عنوان "میرغبر رزم" و جلاله،
زیبیده و می‌باشد، در هفته گذشته با مطلع به
دفاع از اعدا مات خود پرداخت و خیلی "منم"
رد می‌باشد بلکه هزارا میل را در این کشور او
ارین برد است! این ادعا آدم را بیاد ضرب -
المیل "آب کمالی می‌رود، جوربا غه" ابو عطا
می‌خواند "می‌باشد،"

طوفان انقلاب بوده‌ها پس از دهها سال
استثمار و رنج و شکنجه اعدام و مبارزه خستک
ناپذیر، میرفت که سلطه امپریالیسم و عمل ا
منجمله باصلاح "هزارفامیل" را در ایران ریشه
کن کند و رژیم که آقای خلخالی جزئی از آن است
ناح از آن شده انقلاب کارش را به سرانجام
برساند. آقای خلخالی چون "زنگی مت" شمیر
بدستش افتاده‌ای از دشمنان خلق و عمال
سربرده امپریالیسم را گشت و با این عمل، تفاد
طبقه خویش را رژیم و وابسته به امپریالیسم را
بفیع رژیم جدید که ایفا عدل خلقی است حل کرد و
با اسفرا رنسی رژیم جدید شمیر دودم طبقا
خود را برای نابودی نیروهای اشتغالی بکیر
برای کمونیستها و خلفهای بی‌خاسته ایران نیز
کرد. در گردسان و نرگمن محرا و خوڑسان همیشه
سبع او برای سرکوب کمونیستها نیز بوده است و
جدوینا که دست او ریخته شده است! اردکن
رئود سردارینا و کرجی بمایی ها بکیرا پیکار
- کران شهیدما اشرفی و سیک اندامودانشار
در خوڑسان. خلخالی میخواد هدوده‌های م
اعدام عددهای ارجانبکاران ساواک که جر
کوچکی از خواستهاشان نبوده ببینند ولی باز
سازی نظام وابسته به امپریالیسم، سازش ب
آمریکا و اعدام نیروهای کمونیستی و انقلابی
را نبینند. در صورتیکه کارکران و رحنمگان ما
در زیرعبای خلخالی حاج ما شاء الله فسا ب
رئیس کمینسه فارت آمریکا را هم می‌باید بکنده
حالا بعنوان "وردست" خلخالی به ترکنازی در
جنوب شهر مشغول است. مردم ما بسیار هوشیارتر
زیست اند. آقای خلخالی، بیخودا بوعظا میخواند!

بقیہ اربعہ ۴ تبلیغ...

پخش کرد و تعداد شعارهای تبلیغی بر در و دیوار شهر را افزایش داد. مشخصاً خبر تبلیغ بسیار از اهمیت است، بخصوص آنکه رعایت آن تنها مثلاً به مرکزیت سازمان و نویسندگان مقالات تبلیغی بر نمی گردد، بلکه وظیفه‌ای است سنگین بر دوش تک اعضاء و همواران سازمانهای کمونیستی که در هر چه گسترده‌تر کردن تبلیغ کوشا باشند.

ادامہ دارد

آئینی نا پدید و غیر آمیز (با زور و دعوا) در آوردن است، برخورد رقیب دانش آموزان را اگر چه با بداری ایشان نسبت به آزمائش نشان میدهد و این نحس آمیز است، اما با پیوند درگیری را اینچنین حاد میکند، این رقیب می تواند با تعمق بیشتر و با در نظر گرفتن جوانان داده به بدرج و با حرکت صورتان، به مبارزه با عقاید با درست پدش برخورد و آنرا اصلاح کند.

پیروز باشد!

رفیق۔ ط۔ ا۔

این رفیق اشتباه نگرفته است کدچرا شعارهای
سازمان سردرد و دیوارکمان است و از ما خواسته است
کد به رفقا بگوئیم در مورد شعار نویسی بیشتر
کوشش کنند.

بنظر ما انتقاد در فiq و اِرادات و در ایسن
مورد با بدلتاش بیشترى نمود. رفقا! در شرایط
حاضر که بدلیل خفقان و محدودیت هاى کُشه
رژیم برای ما کمونیستها وجود آورده است ،
دامنه تبلیغات ما محدود شده و بسیارى از امکانات
تبلیغ علنى از بین رفته است. در این شرایط
اگر چه کلیه رفقاى هوادار با یدیکوشتندا در
تکنیک و یخن نشریات ، اِعلامیه ها و تراکت هاى
سازمان هر چه بیشتر بکوشند (فى المثال هـر
نشریه را حداقل به ۵ نفر پخش دهند که خوانده شود)
و از این طریق تا حدودى کمبودهاى موجود را
جبران کنند ، اما هیچ نوع تبلیغاتى نمیتواند
جانشین شعار نویسى گردد. چنانچه شعار نویسى
(بویژه شعارهاى ربریکار و مربوط به جنگ)
در دسترس و با یدار بوده و تنوده هاى بسیار وسیع
از اِرامى خوانند. از نظر صرف اِثر و شیرسوار
اِثر وى کمترى صرف میشود اما بازده فراوانى دارد.
از اینرو به کلیه رفقا توصیه میکنم در امر
شعار نویسى بویژه در این شرایط ، کوشش بیشتری
نموده و کلیه شعارهاى مربوط به فئادى لبرالها
حزب جهموریه اسلامى ، جنگ ، آوارگان ، کرانها
و... را با خطى درشت بردارد و با رهرو
نویسند .
پیروز باشد!

نامه‌های زیادی بدستمان رسیده است. پیشنهادات و تذکرات رفقا مورد توجه قرار گرفته و به سؤالات آن در مقالات پیکار رنثوریک پاسخ داده خواهد شد. بدلیل محدودیت صفحه از برخورد با تک‌تک آنها معذوریم و تنها به ذکر نام نویسنده بسنده می‌کنیم. پیروز باشید

رفقای M - ن، ن ازلاهیجان - مئوول
سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار، شرق
تهران - س، ن، ن ازلاهیجان - م، ج - ح، م، سعود
س، س، م، ف، ن، ن ازآبادان - الف، ن، ن ازآبادان
ک، س، ن، ن ازآبادان - پ، م، ر - مادر مبارز ،
اقدس - ن، م، ش، ل - ج، ج ازهمدان - دانشجویان
و دانش‌آموزان غرب تهران - ه، ط - ن -
علی ازاصفهان - غ، غ از شیراز - ه، پ - از
بروجرد - ف، ن، ن از تبریز - س، م، ۸۲ - ع، ت
پ، ب - ز

پیشہ اور صفحہ ۲۵ پاسخ بہ ...

زمینی داشته اند میباید در تقی در آنجا دست به
افشاکری میریند و در سر که او را غ راید ترمی -
بیمه بدیه جهت حفظ آبرو خود او را به سران سر-
میکردا بدو میگوید هر کدام را دوستانت به اینجا
بیا بید تحویل کمیته شان میدهم .

رفقا! این اولین باری نیست که در ایناسی از "تکواب شدن" میان همین رفقای جوان هوادار با خانواده‌هایشان بدست ما می‌رسد، این گزارشات مسائل گوناگونی را نشان می‌دهد. یکی بدلیل رعایت نکردن نکات امنیتی و امنی و کردن مدارک سیاسی درخداش، با خانواده‌در -تجبر میشود، دیگری تنها به مطالعه و فعالیت سیاسی خویش فکر میکند و در صدد کمک به خانواده - در جهت رفع نیازهای آنان نیست. و خانواده -ها این فرزندان را "سرباز" خوش اجاس می - کنند و بعد ای دیگر کار را به درگیری و کجک کاری با خانواده‌هایشان می‌کشند خانواده‌هایی که اکثراً هم زحمتکش هستند...

رفقا! بسیاری از خانواده‌های زمینکش
شما بدلیل توهماتشان وبدلیل فرهنگی که
ناشی از جامعه سرمایه داری وعقب ماندگی
فرهنگی موجود در جامعه است، نمی توانند
براختی افکار، حرکات و رفتارهای شما را درک
کنند و پذیرا شوند و طبیعا به مخالفت با آن بر-
میخیزند، اما راه حل چیست و رفقا چگونه باید
این مسئله را فرورود کنند؟

**آیا باید تسلیم خواست خانواده، خویش
پشوند؟** یا باید درگیری با آنان برپا داشت؟
هیچکدام رفقاً! نه باید تسلیم خواسته‌ای
نا درست نابجای خانواده شد و نه آنکه به روحیات
فرهنگ و خواسته‌های آنان بی توجه ماند، رفقاً
باید بکوشد ضمن پاسخاری بر روی اعتقادشان
بافتاری متین، کمونیستی، با برخوردی صبور -
انه و پر حوصله سعی کند عقایدشان را به خانواده
- های زمختش خود توضیح دهد و دست در چ آنان
را نسبت به سازمان و آرمان طبقه کارگر آشنا
سازند. چنین برخوردی که از جانب بسیاری از
رفقا صورت گرفته، نه تنها فعالیت آنان را متوقف
نکرده و آنها تسلیم خواسته‌ای نابجای و نا درست
خانواده هایشان شده‌اند، بلکه با برخوردی انقلابی
و کمونیستی، نشان داده‌اند که نمونه یک انسان
واقعی هستند و دست در چ بسیاری از افراد خانواده
خویش را نسبت به عقایدشان و سازمان آشنا
ساخته‌اند و توجه آنان را جلب کرده‌اند. نفوذ
نسبتاً گسترده‌ای که سازمان در خانواده‌های
زمختشان بویژه مادران بدست آورده است،
ناشی از این رفتار انقلابی رفقاست، به کار
گرفتن چنین رفتاری بویژه در خانواده‌های
کارگری بسیار مهم‌تر است.

در رابطه با آنچه گفتیم تگاهی به این نوع برخورد بسیار نا سالم بد رفیق و عکس العمل وی که پدر را دشمن حساب کرده و گویا در رژیم جمهوری اسلامی زندانی شده، شروع به سرودخوانی ... میکند، تضادهای درون خلقی را پیچیده صورت

حقایق درون ارتش و ادعاهای رژیم

کارگران، زحمتکشان، هموطنان مبارز!

خبرهای موثق زیر را که احتیاجی به تفسیر و توضیح ندارد بخوانید تا وقت تدبیر خواهید کرد که تفاوت بین این حقایق با ادعاهای رژیم جمهوری اسلامی نسبت به ارتش از زمین شش آسمان است!

خبر اول:

در کمیسیونی که در اوایل آذر ماه جاری با شرکت "نیسار رفکوری" وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده نمیمایا گرفته اند و به فرماندهان و سرپرستان فنی کلیه قسمتهای مختلف نیروی هوایی دستور داده شده که هر چه زودتر کمیووها و نواقص دستگاهها و مشکلات آموزشی خود را بررسی و مشخص کنند تا با برقراری روابط با آمریکا جداگانه سفاده بشود. وزیر دفاع معتقد است که این روابط بزودی "عادی" میشود.

خبر دوم:

اوایل آذر ماه جاری ۶ الی ۷ کشتی که محموله آنها قطعات یدکی و وسایل نظامی آمریکا است بوده مستقیماً از آمریکا رسیده و در بنادر جنوب لنگر انداخته اند.

این کشتی ها دنبال رسیدن یک کشتی حامل تجهیزات نظامی که قبلاً در تابستان ۵۹ مستقیماً از آمریکا به بندر بوشهر وارد شد، به بنادر جنوب رسیده اند. کشتی قبلی که در آن به ایران رسید منظور تسریع در تخلیه محموله آن، از پایگاههای مختلف نیروی هوایی متخمسین قسمت های مختلف به بوشهر اعزام شدند تا هر یک محموله مربوط به قسمت خود را فوراً تحویل بگیرند.

خبر سوم:

هواپیماهای جابجاء موبجوت نظامی نیروی

هواشی که مخصوص محموله های نظامی است را آم" هواپیماهای ملی ایران - هما "که مخصوص حمل مسافراست زده اند و مدتی است این هواپیماهای ظاهر را مسافری از گروه جنوبی لوازم و قطعات یدکی نظامی وارد میکند. قیمت این محموله های نظامی که به طور غیرمستقیم (از طریق کره جنوبی) از آمریکا خریداری میشود گاه به ۸۰۰ درصد قیمت معمولی میرسد.

البته هواپیماهای ملی ایران - هما نیز تعدادی هواپیماهای جابجاء موبجوت (بوشینگ ۷۴۷) در اختیار دارد و ملی رژیم جمهوری اسلامی با تغییر آرم هواپیماهای نظامی خود روابط با آمریکا و خرید سلاح از آن را برده پوشی مینماید. این اخبار موثق گوشه ای از واقعیات دورن ارتش شما خسته و یک شبه "مطمئن و مکتبی" شده را آشکارا میزدوشان میدهد که ارتش ازار سرکوب و چماقی است که بوسیله رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علیه کارگران و زحمتکشان بکار میرود.

وفاداری ارتش به امپریالیسم آمریکا از ذات آن نشأت میگیرد. اینجا است که صحت نظریه نیروهای راستین کمونیستی و انقلابی زمانیکه میگفتند این ارتش آمریکایی با ید منحل شود و بجای آن ارتش خلقی قرار گیرد یکبار دیگر ثابت میشود. اینجا است که صحت نظریه کمونیستهای راستین زمانیکه میگویند رژیم چماق هرگز نمی تواند ضد امپریالیست با شد یکبار دیگر ثابت میگردد.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی! مرگ بر ارتش آمریکایی! برقرار باد جمهوری دیکراتیک خلق! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۹/۲۲

★★★

گسترش دهد و در توازن نیروها نقش تعیین کننده داشته باشد. دکتر سنجابی که قبل از جنگ به تعبیر آیت الله خمینی میبایست "گورش را کم میکرد" (اشاره به سخنان تبراه آیت الله) اینک با دستور خود آیت الله، به قدرت خواند و فوئودالهای غرب کشور توسعه میدهد و در مسدد تشکیل "اتحادیه" بر علیه دهقانان و زحمتکشان روستایی غرب کشور میباید. آیا با زهمیاید تردید داشت که این سرمایه داران زمین داران و خوانین هستند که از این جنگ ارتجاعی و تحمیلی سود میبرند. نیروهای انقلابی با تشکیل این اتحادیه ارتجاعی وظیفه پس سنگین - تری در ارتباط با آگاه کردن عشار و دهقانان زحمتکش غرب برای مقابله با توطئه های اتحادیه خوانین و فوئودالهای غرب دارند. وظیفه ای که جنگ کنونی به مراتب سنگینتر کرده است.

"با استفاده از اعلامیه سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار - کرمانشاه - ۵۹/۹/۷"

جنگ و قدرت گیری خوانین غرب

بر طبق اخبار رسیده "دکتر سنجابی" که به سفارش بنی مورو از سوی آیت الله خمینی در راس "سپح عشاری" قرار گرفته بود با امکاناتی که ارتش در تسلیم عشاری و عرب و سازش با ایسل قلعانی برای خوانین غرب کشور (در شرکتش جنگ ارتجاعی کنونی) بوجود آورده که منجر به تضعیف با تدریج بولکی (رئیس قبلی سپاه پاسدار - ان کرمانشاه و از سران گروه "شیت") و حزب جمهوری اسلامی و افراد مسلح مادی خلخالی کشته است. با پشتیبانی ارتش و لیبرالها دامنه فعالیت خود را وسیعتر می نماید. دکتر سنجابی پس از نزدیک کردن خوانین و تشکیل و گسترش "سپاه سپح عشاری" اقدام به تشکیل "اتحادیه عشاری و در حقیقت "اتحادیه" خوانین غرب کرده است تا بتواند قدرت خود را در غرب کشور

ملاحظات کوتاه

کی بود کی بود؟ من نبودم!

"شکجه در زندان هست یا نه؟" اینهمه بیک بازی تازه است. نه فقط رژیم جمهوری اسلامی بلکه هیچ رژیم دخلتی هر اندازه هم رسوا باشد، "راستا حسینی" نمی آید بگوید من شکجه گریستم! مگر شاه آن ناخن کشیدنها و شلاقها و آپولوها و... چنان اعتراضی میکرد؟ از فردای غیام هر عنصر انقلابی کوچک یا بزرگ، دختر یا پسر که گرفته اند و فهمیده اند که سرمایه داری را زیر سوال میبرد و برای ادامه کاری انقلاب دمکراتیک غذا میریالیست - خلقهای ایران میزد و او را تحت فشار قرار داده اند.

گیرم در جمهوری اسلامی، با ساداران و زندان - سنان مکتبی فحش میدهند (آنها زحمتکشان و شرم آورترینش) بعد از ستم را می گذارند نصیحت و ارشاد! شلاق (همان کابل) میزنند البته با اجازت حاکم شرع و بنا مد شرعی! ماهها زندانی سیاسی انقلابی و کمونیست را در سلولهای انفرادی "شما خسته" میبندند تا بدین پوست بیاندازد (نمونه اش رفیق شهرام و بسیاری از کارگران و انقلابیون کرد) بعد از ستم را می گذارند "تادیب"! با پوتین به چانه یک دختر مجاهد کوفته اند، گاه برای رفتن ماه "جرم" فروش بیکار چندان رحمتا عدا دشمنی ترتیب داده اند و نمونه های فراوان که اندکی از بسیار آت را کمونیست ها و نیروهای انقلابی افشا کرده اند.

بنی مدر، این رویه مکار و سوار و لیبرال زمانی که شکجه زد. بان انقلابی و محاکمه های چند ساعتی و چند دقیقه ای! آنان فجایع نظیر قتل توماچ ها و مسعود مالچی ها و اعدام نیک - اندام ها را بیاد میآورد و در حرفی داشت و تا بیدم میکرد ولی حالا که "میثاق وحدت" با همکاره های حزبی اش در نتیجه مبارزات توده ها شکاف برداشته همان قضیه شکجه را بر سر حریف میکوبد و آیت الله خمینی که از اول هما تصور که خودش تا کید میکرد از همه زیور و موراطاع داشت، حالا به تحقیق (که وابستگی به هیچ گروهی نداشته باشد!) را روانه میکند که بررسی نمایند آیا این تکرار همان قضیه "ما اطلاع نداشتیم" و به "کوچه علی چپ زدن" های در دوره رژیم گذشته نیست؟ آیا این تکرار همان داستان قدیم که "اطرافیان" به دست دهنمی گذارند کارها را و صورت بگیرد نیست؟

توده های آگاه ما خرابی اوضاع رانه از بداندیشی "اطرافیان" بلکه اثرات ناشی از ماهیت رژیم و ورهیری کشوری دانند. توده های خلق ما که تجربه ما لها مبارزه را پشت سر دارند

بقیه از صفحه ۲۸ ج.ا...

آن رویزیونیستهاست. حال این سؤال مطرح میشود که چرا نشریات رویزیونیستها ممنوعالانتشار نمی باشند؟ علت اینست که رویزیونیستها نوکر بورژوازی می باشند. رویزیونیستها به طبقه کارگر کاملاً خیانت کرده و مدافع طبقه سرمایه داری می باشند. جریانات رویزیونیستی ظاهراً مخالف سرمایه داری میباشند، ولی مدافع دولتی میباشند که حافظ و پاسبان رژیم سرمایه داری است. رویزیونیستها برای آنکه نوکری خود را خوب انجام دهند به جنبش توده ها و کمونیستها و انقلابیون می تازند و همه جناحیات رژیم حاکم را توجیه کرده و موجه جلوه میدهند. وقتی حزب توده و حزب رنجبران و چریکهای فدائی (اکثریست) جناحیات ارتش آمریکا طی اسلام آورده و رادیکال شدن و ترکمن محرو... تا شید میکنند، وقتی آنان برای قتل عام توده های زحمتکش توسط پاسدار و جاش و ارتشی در "ایندر قاش" و "موفیان" ... کف میزنند و هورا میکنند، وقتی آنان اعدام کمونیستها توسط جلادان رژیم را مورد تحسین و تائید قرار میدهند، وقتی آنان از هیأت حاکمه ارتجاعی حمایت فعال کرده و از سرمایه داری وابسته ها مدافع میکنند، آری وقتی رویزیونیستها تمام این خیانتها را به آج میرسانند چرا و چه دلیل بورژوازی حاکم به آنها امتیاز میدهد؟ با رژیم نفرت انگیز جمهوری اسلامی مانند هر رژیم ارتجاعی دیگر "حق خوش خدمتی ها و نوکری مفتی های رویزیونیستها را نباید پیردا زد؟ اگر رژیم حاکم به روزنامه "مردم" (حسب توده) و "رنجبر" (حزب رنجبران) اجازه انتشار میدهد دقیقاً در همین رابطه قرار میگیرد. البته "کار" اکثریت اگر چه بعد از دیدار بهشتی منفور و سران رویزیونیست این سازمان، بطور ضمنی اجازه انتشار پیدا کرد، اما برای اینکه مانند سایر نشریات رویزیونیستی اجازه پخش وسیع یا بدینا به خواست بورژوازی، رویزیونیستهای اکثریتی نوکرمفتی بیشتری با بدبخر دهند بنا بر این روشن است که دولت سرمایه داران در مقابل نوکری رویزیونیستها به آنان پسانداش میدهد و نشریات ضد انقلابی آنها را ممنوع - الانتشار نمی سازد. در همین مورد لنین میگوید: "دولت ها گاه با واگذاری پست های وزارت ... به پیشوایان سوسیال شوونیست و گاه با دادن انحصار فعالیت علنی و بیلامانع به آنان ... آنها را مورد پاداش قرار می - دهند" (ا. پور تونیس و ورشکستگی انترنا - سیونال دوم)

آری دولت سرمایه داران در همان زمان که ظالمانه ترین سیاستها را در قبال کمونیست های راستین در پیش میگیرد، دوستانه ترین سیاستها را در مورد رویزیونیستها به اجرا در می آورند. و این به خاطر آنست که کمونیستها وفادار به انقلاب و طبقه کارگر هستند، حال آنکه رویزیونیستهای خائن نوکران بیمقدار سرمایه داران و کلیه مرتجعین میباشند.

بقیه از صفحه ۹۵ کومله ...

روستا نیز از سخنان آنان استقبال نموده و از پیشمرگان خواستند که آنها را ترک نکنند و در میان نشان بمانند.

(بمنقل از خبرنا مه ۹۵ کومله)

۳۰ ارتشی و پاسدار توسط

پیشمرگان کشته و زخمی شدند

بانه ۵۹/۸/۲۶

سرکارهای این روز ستونی مرکب از یک تانک و چند نفر سرباز، ۷۰ زیل، یک جیب و یک آمبولانس حامل ارتشی و پاسدار که از حمله ارتش سلاحهای با دکان و سایر یگانهای اطراف شهر برخوردار بود، بطرف روستای "بوئین سفلی" براه افتاد. عده ای از افراد نیروهای سرکوبگر که قبلاً وارد آبادی شده بودند، به منازل مسکونی و مغازه های روستا حمله برده و بیگانه ها را سرکوب کردند. مردان را کشتند، اهالی آنجا که قبلاً از نقشه پلید دشمن با خبر شده بودند، روستا را ترک کردند. ستون پس از آن در نزدیکی آبادی به کمپین پیشمرگان کومله، دمکرات و چریکهای فدائی (جانبداران) افتاد و مورد حمله ارتش خمپاره انداز و آرمی جی و سلاحهای سبک قرار گرفت.

این حمله غافلگیرانه پیشمرگان دشمن را سرسیمه کرده بطوری که پس از چند ساعت نیروهای خود را جمع و بطرف شهر عقب نشینی کرد. پیشمرگان در حالیکه با روحیه عالی ابتکار عملیات را در دست داشتند ستون را تا چهار کیلومتری شهر دنبال کرده و مرتب آن را مورد حمله قرار دادند. بطوریکه یک آمبولانس و یک نفر سرباز کشته افتاد. همچنین بر طبق آخرین اخبار رسیده ۲۰ نفر از افراد دشمن کشته و زخمی شدند.

در این یورش تنها یک نفر از اهالی روستا زخمی میشود. پیشمرگان بدون هیچگونه تلفاتی به پایگاههای خود مراجعه نموده و مورد استقبال گرم روستائیان قرار گرفتند.

این پنجمین باری است که نیروهای سرکوب - گریز روستای "بوئین سفلی" یورش برده و با شکست رو بر میروند. آنان در دفعات قبیل نیز متحمل تلفات سنگین شده و شکست خورده به شهر بازگشته اند.

پشتیبانی بی دریغ زحمتکشان روستاهای اطراف محل درگیری در رساندن غذا به سنگرهای پیشمرگان قابل توجه بود. این پشتیبانی همواره باعث بالا رفتن روحیه پیشمرگان و اعتلا بخشدن به جنبش مقاومت خلق گردیده است. پشتیبانی بی دریغ روستائیان از پیشمرگان نشان میدهد که جناحیات رژیم جمهوری اسلامی در "ایندر قاش"، "سوف کند"، "موفیان" و "سروکان" خللی در اراده خلق رزمنده کرد و در ادامه مقاومت عادلانه اش بوجدن میاورد، بلکه آماده تراز همیشه به مبارزات خود ادامه میدهد.

(بمنقل از خبرنا مه ۹۴ کومله)

ملاحظات کوتاه

از بازی "کی بودگی بود؟ من نبودم" که رژیم در زمینه های مختلف منجمده در مسئله شکنجه راه انداخته گول نخواهد خورد. آنها هم جرم را بخوبی می شناسند هم جرم را که همان کل رژیم یعنی رژیم جمهوری اسلامی می باشد. ★★

گاو ما شیر نمیده
ماشاله... ش!

حجت الاسلام فردوسی پور "نماینده طبس" در مجلس پیشنهاد داده است که:

"اگر میخواهید جمهوری اسلامی تثبیت شود و شیطان ریشه کن، دولت باید از زمان تحقیقاتی در سرا سر کشور برقرار کند. بدون یک سازمان تحقیقاتی به جای سازمان امنیت، رژیم جمهوری اسلامی تثبیت نمیشود"

این اولین بار نیست که برای تثبیت رژیم جمهوری اسلامی به پلیس مخفی، سازمانهای امنیتی و جاسوسی متوسل میشوند، بشماریم:

(۱) بلافاصله بعد از قیام "سا و ما" (سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران) براه انداختند و از کارشناسان ساواک و شیوه ها و پرونده های آن کمک گرفتند.

(۲) تفتیش عقاید در کارخانه ها، مدارس، ادارات همه جا و همه جا حتی درون مساجد و حوزه علمیه قم "علیه طلاب جوان و انقلابی براه افتاد (۳) حزب جمهوری اسلامی کمیته مبارزه با سازمانها و احزاب سیاسی تشکیل داد

(۴) سپاه پاسداران و کمیته ها در محلات شهرها را علامه دادند که هر خبری از نیروهای انقلابی و ویژه کمونیستها را بیدار اطلاع دهد.

(۵) کمیته های با اطلاع پاکسازی هم البته از قافله عقب نماندند و کار کردند که رژیم توبیخ در مانده و می خواهد بسیاری از افراسیاه را - اگر کمونیست و مجاهد نباشند - بکاربگرداند!

حالا از تبلیغات و تحریکاتی که در سازمانها و جمع و مجالس روضه خوانی علیه نیروهای انقلابی میشود و مردم نا آگاه را به جاسوسی و فعالیت پلیسی و میدارد فعلی حرف نمی زنیم.

و ...

باری با همه این ها که جزئی از ابزار سرکوب توده ها بدست رژیم بوده است کاری بر - نیامده و اعتلای انقلابی هر روز آج تازه ای می - گیرد. اما طبقات ارتجاعی که از دست مبارزات توده ها کلافه شده اند که چاره ای ندارند از هم با بدیه همان ابزارهای قدیمی یعنی سرکوب و پلیس و قریب متوسل شوند. رژیم جمهوری اسلامی از حل مشکلات مردم عاجز است، ماشاء الله به مشکل آفریندنهایش!

کمکهای مالی دریافت شده

الف - خلق ۵۰۰ ریال	الف - خلق ۵۰۰ ریال
خانهدار ۵۰۰ ریال	خانهدار ۵۰۰ ریال
دبیرمبیکار ۷۰۰ ریال	دبیرمبیکار ۷۰۰ ریال
دانش آموز سوم دبستان ۱۵۰ ریال	دانش آموز سوم دبستان ۱۵۰ ریال
کارمند توانیر ۱۵۰۰ ریال	کارمند توانیر ۱۵۰۰ ریال
مادر پیرا کبیر ۲۰۰ ریال	مادر پیرا کبیر ۲۰۰ ریال
س (مادر) ۱۰۰۰ ریال	س (مادر) ۱۰۰۰ ریال
مهندس هوا دار ۱۰۰۰ ریال	مهندس هوا دار ۱۰۰۰ ریال
مسجد سلیمان:	مسجد سلیمان:
نفتون ۸۰ - ۴۰۰۰ ریال	نفتون ۸۰ - ۴۰۰۰ ریال
نفتون ۸۰ - ۳۴۰۰ ریال	نفتون ۸۰ - ۳۴۰۰ ریال
سرگروه ها - ۸۱ ۱۸۶۰ ریال	سرگروه ها - ۸۱ ۱۸۶۰ ریال
دوراهی - ۸۳ ۲۴۰۰ ریال	دوراهی - ۸۳ ۲۴۰۰ ریال
چاه نفتی - ۵۲۰ ۲۰۰۰ ریال	چاه نفتی - ۵۲۰ ۲۰۰۰ ریال
خ - ه ۱۰۰۰۰ ریال	خ - ه ۱۰۰۰۰ ریال
اندونیکا ۵۰۰۰ ریال	اندونیکا ۵۰۰۰ ریال
کرج:	کرج:
د - د - کرج ۷۰۰ ریال	د - د - کرج ۷۰۰ ریال
دکهداران ۱۲۲۰۰ ریال	دکهداران ۱۲۲۰۰ ریال
کارگر زورآباد ۱۰۰۰ ریال	کارگر زورآباد ۱۰۰۰ ریال
دانش آموز ابتدائی ۱۰۰۰ ریال	دانش آموز ابتدائی ۱۰۰۰ ریال
معلم هوا دار ۱۵۰۰ ریال	معلم هوا دار ۱۵۰۰ ریال
۵ - ک فوق دبیرمه ۳۰۰۰ ریال	۵ - ک فوق دبیرمه ۳۰۰۰ ریال
سقز:	سقز:
رفقای سقز ۱۰۰۰۰ ریال	رفقای سقز ۱۰۰۰۰ ریال
روستای ط کمک جنسی دریافت شد.	روستای ط کمک جنسی دریافت شد.
هواداران جنبش مقاومت ۲۰۰۰ ریال	هواداران جنبش مقاومت ۲۰۰۰ ریال
هوشنگ از کردستان ۱۰۰۰ ریال	هوشنگ از کردستان ۱۰۰۰ ریال
مادر ن ۲ کیلویشم برای جوراب پیشمرگان و	مادر ن ۲ کیلویشم برای جوراب پیشمرگان و
۱۰۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۰ ریال
ک خانه دار کمک جنسی و ۳۷۰۰ ریال	ک خانه دار کمک جنسی و ۳۷۰۰ ریال
زبان خانه دار سقز کمکهای مالی و هدیه تان رسید.	زبان خانه دار سقز کمکهای مالی و هدیه تان رسید.
آغا جاری:	آغا جاری:
ح ۱۰۰۰۰ ریال	ح ۱۰۰۰۰ ریال
مصطفی ۱۵۰۰۰ ریال	مصطفی ۱۵۰۰۰ ریال
د - ن ۱۵۰۰۰ ریال	د - ن ۱۵۰۰۰ ریال
ط دانش آموز ۱۰۰۰ ریال	ط دانش آموز ۱۰۰۰ ریال
رفقای علی آباد ۱۰۰۰ ریال	رفقای علی آباد ۱۰۰۰ ریال
همدان:	همدان:
ف - ع (آباد) ۱۰۰۰ ریال	ف - ع (آباد) ۱۰۰۰ ریال
رفقای کارمند ۱۰۵۰۰ ریال	رفقای کارمند ۱۰۵۰۰ ریال
رفقای دانش آموز ۵۰۰۰ ریال	رفقای دانش آموز ۵۰۰۰ ریال
رشت:	رشت:
شریف ۱۰۰۰۰ ریال	شریف ۱۰۰۰۰ ریال
کارگر جرقیل م - ع ۱۷۰۰ ریال	کارگر جرقیل م - ع ۱۷۰۰ ریال
فاطمی سوم دبیرستان ۲۰۰ ریال	فاطمی سوم دبیرستان ۲۰۰ ریال
انزلی:	انزلی:
غفر ۱۰۰۰ ریال	غفر ۱۰۰۰ ریال
وحدت ۱۰۰۰ ریال	وحدت ۱۰۰۰ ریال
هسته اکرم صادق پور ۱۵۹۰۰ ریال	هسته اکرم صادق پور ۱۵۹۰۰ ریال
ولی آباد - مادر مبارزه ۱۰۰۰۰ ریال	ولی آباد - مادر مبارزه ۱۰۰۰۰ ریال
میان پشته - رفیق خانه دار ۱۰۰۰۰ ریال	میان پشته - رفیق خانه دار ۱۰۰۰۰ ریال
آبادان:	آبادان:
ر ۱۶۲۲۰ ریال	ر ۱۶۲۲۰ ریال
رمعلم ۵۰۰۰ ریال	رمعلم ۵۰۰۰ ریال
م - معلم ۵۰۰۰ ریال	م - معلم ۵۰۰۰ ریال
عادل ۵۰۰۰ ریال	عادل ۵۰۰۰ ریال
نور:	نور:
دهقانان مبارز یک روستا ۱۰۰۰ ریال	دهقانان مبارز یک روستا ۱۰۰۰ ریال
کارگر روستائی ۵۰۰ ریال	کارگر روستائی ۵۰۰ ریال
رامسر:	رامسر:
س - ۷۰۰۰ ریال	س - ۷۰۰۰ ریال
دانش آموزان هوا دار ۳۵۰۰ ریال	دانش آموزان هوا دار ۳۵۰۰ ریال
رفقای سخت سرده تان رسید.	رفقای سخت سرده تان رسید.
رودسر:	رودسر:
س - ۹۰۰۰ ریال	س - ۹۰۰۰ ریال
ب دانش آموز ۳۰۰ ریال	ب دانش آموز ۳۰۰ ریال
سیاهکل:	سیاهکل:
چ - ب ۵۰۰ ریال	چ - ب ۵۰۰ ریال
رفقای دکه ۵۰۰۰ ریال	رفقای دکه ۵۰۰۰ ریال
رفقای هوا دار ۱۱۵۰۰۰ ریال	رفقای هوا دار ۱۱۵۰۰۰ ریال

و - س ۱۰۰۰۰ ریال	و - س ۱۰۰۰۰ ریال
ن - ج ۲۰۰۰۰ ریال	ن - ج ۲۰۰۰۰ ریال
ث - ش ۱۵۰۰۰ ریال	ث - ش ۱۵۰۰۰ ریال
س - ت ۵۰۰۰۰ ریال	س - ت ۵۰۰۰۰ ریال
ح - ش ۳۷۰۰۰ ریال	ح - ش ۳۷۰۰۰ ریال
ش - ق - کارمند ۵۰۰ ریال	ش - ق - کارمند ۵۰۰ ریال
کارمند اخراجی ۱۰۰۰ ریال	کارمند اخراجی ۱۰۰۰ ریال
مادر سه هوا دار ۱۰۰۰	مادر سه هوا دار ۱۰۰۰
کفایت مبارز ۱۰۰۰۰ ریال	کفایت مبارز ۱۰۰۰۰ ریال
محي جوادیه ۵۰۰ ریال	محي جوادیه ۵۰۰ ریال
م کارگر ۱۰۰۰ ریال	م کارگر ۱۰۰۰ ریال
خ کارگر ۵۰۰ ریال	خ کارگر ۵۰۰ ریال
ع کارگر ۵۰۰	ع کارگر ۵۰۰
الف کارمند ۱۰۰۰۰ ریال	الف کارمند ۱۰۰۰۰ ریال
ر - ش خانه دار ۲۰۰۰۰ ریال	ر - ش خانه دار ۲۰۰۰۰ ریال
م - لباس برای پیشمرگان	م - لباس برای پیشمرگان
م - سوزن ۱۰۰۰ ریال	م - سوزن ۱۰۰۰ ریال
ع - برادر پیشمرگان ۸۵۰۰ ریال	ع - برادر پیشمرگان ۸۵۰۰ ریال
تا صومعه ۲۷۰۰۰ ریال	تا صومعه ۲۷۰۰۰ ریال
سرباز متقاضی ۵۶ ۵۰۰۰ ریال	سرباز متقاضی ۵۶ ۵۰۰۰ ریال
س - پرستار ۱۰۰۰۰ ریال	س - پرستار ۱۰۰۰۰ ریال
محللات شرق ۷۰۰۰ ریال	محللات شرق ۷۰۰۰ ریال
دانشجوی نجار ۹۵۰۰۰ ریال	دانشجوی نجار ۹۵۰۰۰ ریال
دانش آموزان جنوب ۲۵۰۰ ریال	دانش آموزان جنوب ۲۵۰۰ ریال
رفقای پارک شهر ۲۴۰۰۰ ریال	رفقای پارک شهر ۲۴۰۰۰ ریال
مادرش معلم ۱۰۰۰۰ ریال	مادرش معلم ۱۰۰۰۰ ریال
مریم ۷۰۰۰ ریال	مریم ۷۰۰۰ ریال
مادر ملک ب ۵۰۰۰ ریال	مادر ملک ب ۵۰۰۰ ریال
ر - ش کارگر سیلو ۱۰۰۰۰ ریال	ر - ش کارگر سیلو ۱۰۰۰۰ ریال
فریاد از محنت کشان اسلامشهر برای	فریاد از محنت کشان اسلامشهر برای
بیکار و تشویریک ۴۰۰۰ ریال	بیکار و تشویریک ۴۰۰۰ ریال
اقدس - ن همراه با لباس برای پیشمرگان ۲۰۰۰ ریال	اقدس - ن همراه با لباس برای پیشمرگان ۲۰۰۰ ریال
ر - ۷ روغن و لباس رسید.	ر - ۷ روغن و لباس رسید.
رفیق کارمند ۳۷۰۰ - ۱۰۰۰۰ ریال کمک	رفیق کارمند ۳۷۰۰ - ۱۰۰۰۰ ریال کمک
مالیتان رسید.	مالیتان رسید.
رفیق نتا تر ۱۰۰۰۰۰ ریال	رفیق نتا تر ۱۰۰۰۰۰ ریال
رفقای کمیته هنری ۲۰۰۰ ریال	رفقای کمیته هنری ۲۰۰۰ ریال
کمیته هنری ۲۰۰۰۰ ریال	کمیته هنری ۲۰۰۰۰ ریال
رفیق کاف هدیه ت رسید.	رفیق کاف هدیه ت رسید.
لاهیجان:	لاهیجان:
ب ۶۱۴۰ ریال	ب ۶۱۴۰ ریال
مادرش ۵۰۰ ریال	مادرش ۵۰۰ ریال
ر - ر ۵۰۰ ریال	ر - ر ۵۰۰ ریال
مادر ۱۰۰۰ ریال	مادر ۱۰۰۰ ریال
رفیق بیک ۶۵۰۰ ریال	رفیق بیک ۶۵۰۰ ریال
رفقای هوا دار ۴۵۰۰۰ ریال	رفقای هوا دار ۴۵۰۰۰ ریال
رفقای دبیرمه ۱۲۰۰۰ ریال	رفقای دبیرمه ۱۲۰۰۰ ریال
هسته دانش آموزی دختر ۱۵۰۰۰ ریال	هسته دانش آموزی دختر ۱۵۰۰۰ ریال
هسته دانش آموزی پسر ۱۰۰۰۰ ریال	هسته دانش آموزی پسر ۱۰۰۰۰ ریال
هسته دانش آموزی هدیه تان رسید.	هسته دانش آموزی هدیه تان رسید.
رفقای لاهیجان: کوشش شما در امور	رفقای لاهیجان: کوشش شما در امور
مالی زارنج میگذایم (ندارکات گیلان)	مالی زارنج میگذایم (ندارکات گیلان)
شیراز:	شیراز:
دانش آموزان هوا دار ۲۵۰۰۰ ریال	دانش آموزان هوا دار ۲۵۰۰۰ ریال
۲۲۰۰۰	۲۲۰۰۰
" " " ۳۱۹۵۰	" " " ۳۱۹۵۰
سرباز هوا دار ۵۰۰ ریال	سرباز هوا دار ۵۰۰ ریال
دبیرمه های بیکار هوا دار ۳۵۰۰ ریال	دبیرمه های بیکار هوا دار ۳۵۰۰ ریال
ا - م هدیه ت همراه با نامه پرشورت رسید.	ا - م هدیه ت همراه با نامه پرشورت رسید.
آمل:	آمل:
ح - ۳۵۰۰۰ ریال	ح - ۳۵۰۰۰ ریال
م ۲۹۵۰۰ ریال	م ۲۹۵۰۰ ریال
الف - ب ۱۰۰۰۰۰ ریال	الف - ب ۱۰۰۰۰۰ ریال
الف وم ۳۶۰۰۰ ریال	الف وم ۳۶۰۰۰ ریال
ق - ق ۱۰۰۰۰ ریال	ق - ق ۱۰۰۰۰ ریال
ط - ط ۴۰۰۰۰ ریال	ط - ط ۴۰۰۰۰ ریال
خانواده ع ۳۲۰ ریال	خانواده ع ۳۲۰ ریال
خانواده ف ۲۰۰۰ ریال	خانواده ف ۲۰۰۰ ریال
از روستای سنی کلاهیک رفیق ۵۰۰۰ ریال	از روستای سنی کلاهیک رفیق ۵۰۰۰ ریال
شیریز:	شیریز:
ف ۳۰۰ ریال	ف ۳۰۰ ریال
ر - ر - ب ۳۱۸۰۰ ریال	ر - ر - ب ۳۱۸۰۰ ریال
د - ب - م ۱۲۰۰۰ ریال	د - ب - م ۱۲۰۰۰ ریال

الف ۲۱۰۰۰	الف ۲۱۰۰۰
خ ۳۷۰۰۰	خ ۳۷۰۰۰
ع ۲۷۰۰۰	ع ۲۷۰۰۰
ف ۴۹۰۰۰	ف ۴۹۰۰۰
ق ۳۹۰۰۰	ق ۳۹۰۰۰
ح ۴۲۰۰۰	ح ۴۲۰۰۰
ش ۳۰۰۰	ش ۳۰۰۰
س ۳۰۰۰	س ۳۰۰۰
ر ۶۰۰۰	ر ۶۰۰۰
ق ۷۴۰۰	ق ۷۴۰۰
ع ۳۳۰۰	ع ۳۳۰۰
م ۱۱۷۰۰	م ۱۱۷۰۰
ک ۲۴۰۰	ک ۲۴۰۰
ع ۳۶۰۰	ع ۳۶۰۰
ه ۵۱۰۰	ه ۵۱۰۰
ن ۲۳۰۰	ن ۲۳۰۰
ق ۷۹۰۰	ق ۷۹۰۰
م ۱۱۵۰	م ۱۱۵۰
ا ۱۲۱۰۰	ا ۱۲۱۰۰
ب ۱۰۰۰۰	ب ۱۰۰۰۰
د ۹۸۰۰	د ۹۸۰۰
ز ۲۱۰۰۰	ز ۲۱۰۰۰
ر ۲۱۰۰۰	ر ۲۱۰۰۰
س ۸۰۰۰	س ۸۰۰۰
ت ۳۱۰۰۰	ت ۳۱۰۰۰
ج ۸۵۰۰	ج ۸۵۰۰
ق ۲۷۰۰	ق ۲۷۰۰
ف ۲۱۱۰	ف ۲۱۱۰
ح ۶۴۰۰	ح ۶۴۰۰
م ۸۷۵۰	م ۸۷۵۰
ع ۲۴۰۰	ع ۲۴۰۰
ن ۸۳۰۰	ن ۸۳۰۰
س ۴۳۰۰	س ۴۳۰۰
پ ۲۸۵۰	پ ۲۸۵۰
ر ۷۷۰۰	ر ۷۷۰۰
ی ۳۳۰۰	ی ۳۳۰۰
ز ۵۰۰۰	ز ۵۰۰۰
ل ۱۴۶۹۰	ل ۱۴۶۹۰
ی ۷۷۰۰	ی ۷۷۰۰
زاهدان:	زاهدان:
ر ۱۱۰۰۰	ر ۱۱۰۰۰
ق ۲۵۰۰	ق ۲۵۰۰
م ۹۰۰۰	م ۹۰۰۰
نوشتر:	نوشتر:
ز ۵۱۵۰	ز ۵۱۵۰
ن ۳۶۰۱۰	ن ۳۶۰۱۰
ع ۳۰۰۰	ع ۳۰۰۰
خ ۳۷۰۰	خ ۳۷۰۰
ی ۲۱۵۰	ی ۲۱۵۰
آمل:	آمل:
الف ۸۳۰۰	الف ۸۳۰۰
ی ۱۲۵۰۰	ی ۱۲۵۰۰
ب ۳۷۰۰	ب ۳۷۰۰
پ ۲۵۰۰	پ ۲۵۰۰
م ۹۰۰۰	م ۹۰۰۰
تهران:	تهران:
ک م ۱۲۰۰۰ ریال	ک م ۱۲۰۰۰ ریال
الف ۲۰۰۰۰ ریال ک م ۲۰۰۰۰	الف ۲۰۰۰۰ ریال ک م ۲۰۰۰۰
ب - ش ۱۰۰۰۰ ریال	ب - ش ۱۰۰۰۰ ریال

بقیه از صفحه ۲۸ **شکنتجه...**

و بعنوان مجریان عدالت "خواهان مجازات شکنتجه گران میشوند" منتها اگر چنین شکنتجه گران با شند! معمولا که سیونهای تحقیق تنها موارد معدودی غرب و شتر را که بهیچوجه شکنتجه محسوب نمیشود را گزارش میکند امثال میخواهید؟ خوب میتوان مثال شخص شکنتجه در زمان شاه را آورد. شاه مزدور زمانیکه جنبش توده ها اوج نگرفته بود، منگرو وجود هرگونه شکنتجه ای در قتل گاه های کمیت و اوین میشد تا آنگاه ما زور و د صلیب سرخ و سازمان عفوبین الملل و سازمان های بین المللی مربوط به این مسئله جلوگیری می کرد، اما وقتی جنبش توده ها اوج گرفت، کمیسیون ویژه ایجا کرد و به برخی "برخوردهای نادرست" نسبت به زندانیان نیز اعتراف نمود و عروسک های خیمه شب بازی در مجلس مسخره ها و هشاه های به استیضاح ساواک مشغول شدند تا شاید روشی شکنتجه ها و کشتارهای وحشیانه رژیم را بهبود دهند، اما لیبرالها چه میکردند؟ آنها تا وقتی جنبش توده ای مطرح نبود، خفقان گرفته بودند، اما تا نسیم انقلاب وزید، بیکیاره به یاد شکنتجه و زندان ساواک افتادند، نامه پراکنی به اعلیحضرت "درا عراض به شکنتجه شروع شود و بلافاصله کمیسیونهای دفاع از زندانیان سیاسی از سوی لیبرالها تاسیس شد، تا شاید توده ها را بفریبند و خود را "زادخواه و انقلابی جا بزنند و از این طریق جنبش توده ها را فروکش دهند و به نفع و نواشی برسند. حکایت اکنون نیز با ردیگر تکرار شده است رژیم جمهوری اسلامی به بازاری سیستم سرمایه داری وابسته و سرکوب انقلاب مشغول است، انقلابیون با امپریالیسم و ارتجاع می ستیزند، ارتجاع حاکم انقلابیون را به بند می کشد و وحشیانه ترین و قرون وسطایی ترین شکنتجه ها را در مورد آنان بکار میبرد (که ما در جای دیگر به آن خواهیم پرداخت)، لیبرالهای مرتجع نیز که جنبش توده ها را می بینند، برای سوار شدن بر جنبش و بدست آوردن مواضع قدرت رقیب، از شکنتجه سخن میگویند و حزب جمهوری اسلامی و آیت الله خمینی که تاکنون در جمهوری عدل اسلامیان "بهشت" ساخته بودند... و "استغفر الله" شکنتجه و زندان نداشتند! حال که بیش از پیش رسوا شده اند، سخن از کمیسیون ویژه برای تحقیق شکنتجه میگویند، ماکاری به این نداریم که نتیجه این کمیسیون تحقیق رژیم رسوا و نتگین جمهوری اسلامی را در خطر قرار نخواستند! ادنتیجه تحقیق از همین حالا معلوم است! بهر حال سخنان آیت الله خمینی در مورد شکنتجه (مطبوعات ۱۹ آذر) حاوی این واقعات است:

۱ - خفقان و سرکوب شدن انقلاب و زندانیان و شکنتجه را بعنوان عواملی برای بقاء جمهوری اسلامی این رژیم سرمایه داری حافظ منافع امپریالیسم، حتمی و ضروری ساخته است.

۲ - جنبش توده ها، چهره کربه رژیم را بیش از پیش به توده ها نمایانده و تنی نمایانند.

۳ - لیبرالها در این میان در پی فریب توده ها و سوار شدن بر جنبش هستند و چنین است که کسانی که خود در کشتار رهبران خلق ترکمن و سر - کوبگران خلق کرد و کشتار کمونیستها (بنی - صدر، بازرگان و...) با رقیبشان همدست بوده - اند، دم از شکنتجه مردم توسط جناح رقیب میزنند

۴ - در چنین شرایطی است که حزب جمهوری اسلامی و "حامی" اش، آیت الله خمینی محبوس به یک عقب نشینی میشوند و ناگهان بفکر تحقیق می افتند. صدها لاله از خون شهیدان انقلابی در شکنتجه گاه ها و میدانیهای تیروگردستان قهرمان و ترکمن صحرا و... روئیده، تاج و کور کورین، شلاق زدن نقض عضو انواع شکنتجه های دیگر به شدیدترین وجه توسط رژیم انجام گرفته و میگیرد اما حالا که رژیم رسوا شده است بفکر تحقیق افتاده است! اما سخنان آیت الله خمینی چه کسی را می تواند فریب دهد، مگر همین آیت الله خمینی نبود که گفت در میدانها برای انقلابیون جوبه - های دار برپا خواهد داشت (مرداد ۵۸) و مگر همین آیت الله خمینی فرمان شدت عمل را با کمونیست ها و مجاهدین صادر نکرده است؟ حزب جمهوری اسلامی، لیبرالها و آیت الله خمینی و هرنیروی دیگری مانند آنها برای نجات حکومتی که حافظ منافع سرمایه داران و امپریالیسم است، ناچار به شکنتجه انقلابیون هستند، منتها اگر شاه - با شکنتجه توانست حکومتش را ادامه دهد، اینان نیز توانمند خواهند بود

۵ - دستور آیت الله خمینی و بدنبال آن نامه ۱۱۵ نماینده حزب جمهوری اسلامی یا متمایل به حزب در این مورد نشان میدهد که سخنان آیت الله به خاطر طمع لغت ایشان با شکنتجه و شکنتجه گران بلکه برای جلوگیری از رسوایی بیشتر در زندان توده ها و نیز خلع سلاح جناح رقیب که میکوشد، با استفاده از نقاط رسوای جناح حزب رقیب...، تحکیم بخشند. این بخشی از نامه نمایندگان حزبی به آیت الله خمینی به اندازه کافی گویاست.

۶ - در صورت ناچیز بودن موارد تخلف ضمن رسیدگی به آنها (منظور شکنتجه است) متخلف تشبه و عنا مری را که اینگونه ضعف ها را در حدی بزرگ مینمایند که موجب تضعیف دولت جمهوری اسلامی نوپا را فراهم می آورند نشان می دهد و به ملت مسلمان و انقلابی ایران معرفی نمایند (جمهوری اسلامی ۲۰ آذر)

بدین ترتیب از یک سو نمایندگان حزبی به لاهوتی قضیه "کی بود، کی بود، من نبودم" افتاد، و از سوی دیگر به جناح دیگر یعنی لیبرالها نیز حمله و میزنند. نتگنان با دکه شکنتجه - انقلابیون و حکمتگشان نیز از سو استفاده در جنگ قدرت تا دور نمی مانند! ★★★

بقیه از صفحه ۲۸ **پیماناسبت...**

شاه در اختیار انقلابیون اسیر قرار داشت، اکنون توسط رژیم جمهوری اسلامی از زندانیان جمع آوری میشود. انقلابیون و کمونیستهای اسیر در کنار مزدوران رژیم پهلوی قرار دارند و بدین ترتیب تحت شکنتجه روحی قرار میگیرند. به انقلابیون و کمونیستها مدام شلاق زده می شود و تا این شکنتجه قرون وسطایی را رژیم حدود و تعذیرات گذاشته است، خلخال، بهشتی و... هم از این حدود اسلامی سخن میگویند و حاکم شرع جلاد "ری شهری"، شلاق زندانیان را مطابق دستور اسلام اجرا می میداند، او میگوید: "اگر مقصود از شکنتجه تنبیه ها می است که اسلام بعنوان حدود و تعذیرات مطرح میکند، اگر مقصود اینست ما منکر نیستیم زیرا دستور اسلام است." (کیهان - ۱۳ آذر)

آری با ردیگر نعره های سرشار از درد امیران در زندانها بلند شده است. این بار بجای حمینی و غدی و رسولی، ما شالیه قصاب ها و خلخالها و کجوشی ها و دهها لمین جا قویش قاصد بنام روسای کمیت ها و سپاه سازان قرار دارند. بار دیگر فریادهای پرغرور زندانیان در بند که زیر شکنتجه ها از دادن اسرار سازمانی ابامیکند درس مقاومت و پایداری میدهد و اینک اعتماد غذای پرغرور زندانیان سیاسی، حکایت از گذشته شدن جبهه های دیگر از مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم میدهد. یاران در بند، از پشت میله ها دستانتان را بگری می میفشایم، برزخهای شکنتجه تان بوسه میزنیم و با شما می غروشم تا خلفمان آزاد گردند.

مسئله جالب در مبارزات هفته گذشته زندانیان سیاسی، خیانت رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) است آنها در زندان رژیم نیز از نوکری جمهوری اسلامی دست برنمی دارند، شلاق میخورند، اما برای جلادانشان آرزوی موفقیت میکنند! چنین است، وقتی که رفقای بهیجا رگرو دیگر نیروهای کمونیست متحد با دوستان مجاهد دست به اعتصاب غذا می زنند، رویزیونیست ها آن را تحریم میکنند، چرا که نمی خواهند بورژوازی ارتجاعی و شکنتجه گر تضعیف شود. اما خلق ما علیرغم خیانت رویزیونیستهای حقیر با ردیگر برخواهد خواست و با شعار زندانیان سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد باید گردد. قفسهای تنگ دژ خیانت را درهم خواهد کوبید و فرزندان خلف قهرمانش را آزاد خواهد کرد، تا همچنان بذراکاهی و انقلاب بکارند.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی رژیم شکنتجه گرو جلاد را رسوا نمیکند و همانطور که در زمان شاه اینچنین شد، شعار زندانیان سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد باید گردد. را با ردیگر بمیان توده ها ببریم و همانگونه که در زمان شاه شکنج بردیم.

★★★

ننگ و نفرت بر شکنتجه گران و زندانبانان رژیم جمهوری اسلامی

رهنمود به هواداران داخل و خارج کشور در مورد مبارزه در جهت آزادی زندانیان سیاسی انقلابی

نمایند

۳ - هم اکنون مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، تبدیل به یکی از شعارهای مبارزاتی ما گشته است. بدین ترتیب تمامی رفقا موظفند به افشای جنایات رژیم در زندانها و به خصوص نزد کارکنان و زندگانشان بپردازند. نشریات محلی و فابریک، شعارهای روی دیوار و نشریات شفاهی در میان زندگانشان علاوه بر محورهای اصلی چون افشای جنگ، آوارگان و... بایستی مسئله زندانیان سیاسی را نیز دربرگیرند.

۴ - کلیه رفقا موظفند با ارائه نمونه ها و فاکت های مشخص از شکنجه های رژیم جمهوری اسلامی نسبت به زندانیان سیاسی انقلابی و مقایسه آن با شکنجه های رژیم آریا مهری، به افشای جنایات رژیم در زندانها بپردازند و ما هیت ارتجاعی و ضد خلقی بودن آنرا بر ملا زنند.

زندانی سیاسی انقلابی به همت
توده ها آزاد باید گردد!
تنگ و نفرت بر شکنجه گران و
زندانیان رژیم جمهوری اسلامی!
درد و بر زندانیان انقلابی مبارزی که
در شکنجه گاه های رژیم پرچم مقام و ستار
همچنان برافراشته نگاه داشته اند!
ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۹/۹/۲۰

مطرح خواهند کرد.

دانش آموزان انقلابی در جواب ابیسن اظهارات بی شرمانه گفتند: "اگر یکی در گشتان نیست چرا از اجرای این خواسته های ترسیدور زمان شاه نبریم ما می گفتند که درس بخوانید تلوغ نکنید ما را به تعطیل و انحلال مدرسه تهدید میکردند پس فرق شما با آنها چیست؟" با این سخنان، "نظامی" نماینده مدیرکل که پیش مغنض شده بود بنا را احتی محل تحم را ترک کرد. آنکا مسئولین دبیرستان خواستند از طریق والدین دانش آموزان تحم را بنگست بکشند. اما ما با مقاومت و افشاگری های دانش آموزان انقلابی سرانجام مسئولین تسلیم خواسته دانش آموزان انقلابی شده و توافق نامه ای بشرح زیر توسط یکی از والدین به امضای دبیر دبیرستان و دبیر مدرسه رسید:

۱ - شورای دانش آموزان بعنوان بالاترین مرجع تصمیم گیری در دبیرستان تشکیل شود.
۲ - انتخابات تربیت اول پس از دروس دادن به دانش آموزان برگزار شود.

رفقا!

همانگونه که اطلاع دارید، رژیم در جهت باز سازی سیستم سرمایه داری وابسته و سرکوب انقلاب، خفان سرکوب و کشتار را گسترش بیشتری داده است. در این میان یورش به کمونیستها و دیگر انقلابیون و زندان شکنجه و تیرباران آنان بیش از پیش افزایش یافته است. در شرایط کنونی چند هزار زندانی سیاسی انقلابی در سبیل های رژیم در بدترین شرایط و تحت شکنجه جسمی و روانی هستند. اما همچنان به آرامش و انقلابیشان وفادارند، مبارزه در جهت رهایی این یاران در بند جز جدایی نا پذیر نیست و برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع داخلی است. به همین منظور:

۱ - رفقای دانشجوی خارج از کشور موظفند، دست به تظاهرات، راهپیماییها و اعتصاب غذا بمنظور پشتیبانی از زندانیان سیاسی دریندد بزنند.

۲ - رفقای دانشجوی خارج از کشور موظفند با تبلیغات گسترده، توجه نیروهای ترقیخواه بین المللی را به آنچه که اکنون در زندانهای رژیم میگذرد جلب کرده تا این نیروها و سازمانها که در زمان شاه شاهان نیز در جهت بهبود وضع زندانیان و افشای رژیم حرکت نمودند، رژیم جمهوری اسلامی را برای باز دید وضع زندانیان تحت فشار نگذارند و هر چه بیشتر رژیم را کمرا رسوا

بقیه از صفحه ۲ زاهدان...

۴ - ایجاد و تنظیم فعالیت های فرهنگی و هنری و فوق برنامه زیر نظر شورای دانش آموزان.

روزیگانه ۹/۱۶ / "نظامی" نماینده مدیرکل آموزش و پرورش به محل تحم آمده و مثل سایر مرمزه های رژیم با توسل به چماق "حک با عراق" و اینکه عمل دانش آموزان ضد انقلابی است، دانش آموزان انقلابی را تهدید کرد. اما دانش آموزان انقلابی به مدیرکل پاسخ دندان شکنی داده و او گفتند: "ایجاد شوراد دبیرستان هیچ ربطی به جنگ ندارد و تازه اگر مسئله انقلاب است، ایجاد شوراد و بهبود کیفیت درسها، بهبود کلماتی بزرگی در راه انقلاب هستند." نماینده مدیرکل که در مقابل پاسخ کوبنده دانش آموزان خوار گشته بود و بنا را بر بی شرمانه میگوید: "بمنوان یک سرادر بزرگتر از شما میخواهم بر کلاس بروید و در این مونت است اگر شما تلوغ بکنید دبیرستانهای دیگر نیز تلوغ میکنند و اگر ما به خواسته های شما پاسخ نمیدیم فردا کلاس ها و دبیرستانهای دیگر نیز همین خواهندها را

رفیق حسنعلی شهبازی نقشگر انقلابی آزاد باید گردد!



دلآوری که قهرمانان را به اعتبارات شرکت نفت را بر علیه شاه شاهن سازماندهی و رهبری میکرد انقلابی ای که فعلا نه در پراشی شوراها ی کارگری پراشتیا مبهمن میگویند، رفیقی که دلاورا نه شاه مزدور، امپریالیسم و ارتجاع شرد میکرد، اکنون در بند جمهوری اسلامی است. رفیق شهبازی کاندیدای مورد حمایت ما زمان در آغا جاری که زحمتکش آغا جاری همواره مبارزاتش را با ددا داشته و خواسته داشت، بهد اتفاق رفقای شهید منوچهر نیک اندام و محمد اشرفی دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت. تنها جرم این رفیقان عشق به زحمتکش بود. رفقای قهرمان شهبازی، اشرفی و نیک اندام درسی دادگاه های جمهوری اسلامی دلاورا نه از آسان دفاع کردند. دو رفیق اخیر در پیدا دگای بدون وکیل مدافع و فقط در عرض چند دقیقه محاکمه و سپس تیرباران میشوند و رفیق شهبازی سناظر معروفیتش در زندانها، به ۱۵ سال زندان محکوم گردید. خلفای قهرمان ما خواهان آزادی این انقلابی وفادار به زحمتکش هستند، رژیم اگر جرئت دارد از آگاهی توده ها نمی پرسد. دادگاه های غلشی برای رفیق شهبازی برپا دارد تا خلق دریا بد که چه کسی یا کسانیا بد محاکمه شوند و چه کسانیا خاخن به خلق ویا غای خاخنند مبارزات خود را برای آزادی همدردان سیاسی انقلابی در بند، از جمله رفیق شهبازی، بکنند. بنخیم.

دانش آموزان سیاسی و انقلابی در جواب ابیسن
توده ها آزاد باید گردد!

۳ - اگر "نظامی" دبیر مدرسه سرانجام تسلیم نشود، تدریس کند خودش کار رود.
۴ - اگر دبیر مدرسه کار خود را بر سر دانش آموزان و دوا در تحم خواهد کرد، دانش آموزان انقلابی سرانجام مسئولین تسلیم خواسته دانش آموزان انقلابی شده و توافق نامه ای بشرح زیر توسط یکی از والدین به امضای دبیر دبیرستان و دبیر مدرسه رسید:

زندانی سیاسی انقلابی به همت توده آزاد باید گردد

**بمناسبت اعتصاب غذای
زندانیان سیاسی در هفته گذشته
یاران انقلابی دربند را بلرذیگر
باید خلقهای ایران آزاد کنند!**

هفته گذشته مدتهاست از زندانیان سیاسی قهرمان در تهران و شیراز دست به اعتصاب غذا زندانیان اقدام انقلابی اعتراضی است به جنایات و وحشیگریهای رژیم جمهوری اسلامی "زندانی سیاسی" چه با را انقلابی دارد این کلام برای خلقهای یمن! این کلام دیری است برای زحمتکشان آستانه. دلاوری که برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع از جانشان می گذرند، در کارخانه، مزرعه، دانشگاه و مدرسه و... بذر آگاهی میکارند، بجرم پیش اعلامیه، فروش نشریه، بحث آگاهانه و افشای دشمنان توده ها و با لاترا زهمه بخاطر عقایدشان، که چیزی جز عقیده برای رهائی توده ها از قید امپریالیسم نیست، به شکنجه گاهها برده میشوند و مشتی مزدور جانی با شلاق پیکرشان را خونین میکنند چندین جلد با مشت و لگد به جانشان می افکنند آنها تجاوز میکنند، در سرما و سیاهای محبوس شان میمانند، چرا که رژیم از انقلاب و انقلابیون وحشت دارد. اما آنچه که امروز رژیم جمهوری اسلامی بر سر چند هزار نفر زندانی سیاسی انقلابی می آورد، حدیثی تازه نیست، رژیم شاه نیز چنین میکرد و جمهوری اسلامی بخوبی نشان داده است که جای پای ساواک و شکنجه گران معروفش گذاشته است.

سرحدی زاده، یکی از دژ غیمان زندانهای قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی میگوید: "اینکه (وضع زندانها) چیزی نیست، مسا بهای، ۶ نوع زندان، ۶ نوع گورستان (برای انقلابیون) خواهی ساخت، "دژ غیمان جمهوری اسلامی به آنچه سرحدی زاده گفته است، تاکنون بخوبی عمل کرده اند.

در سیاهای مخوف رژیم، انقلابیون بسیاری تاکنون سربسته نیست شده اند، چگونگی محاکمه رفقای انقلابی شهید نیک اندام و اشرافی را (در پیکار ۸۰) دیدیم، رفقا توماج، واحدی، سمودمالی را دوطیف نجم الدینی نیز پس از دستگیری در همین زندانها به شهادت میرسند و اجسادشان را به بیابانها می برند، تا جانیان را بیوشانند آن رفیقانی نیز که تیرباران نشده اند، در بدترین شرایط زندگی قرار دارند. وضع غذاها فوق العاده بد و مسموم کننده است، انقلابیون زن شدیداً مضروب و مورد آزار هستند قرار میگیرند، را دیو و کتاب که در زمان رژیم

بقیه در صفحه ۲۶

یادداشت های سیاسی هفته

توده ها اوج میگیرد.

■ با اوچگیری جنبش، لیبرالها برای فریب توده ها پایه میبند، میگذارند و گمانی که تاکنون با دیگر نیروهای ارتجاعی دما زبده اند "انسان دوست و آزادیخواه" میشوند و به وجود شکنجه و زندانی سیاسی که دیگر واقعیتش آشکار و مسلم است اعتراض میکنند تا شاید خود را بر امواج جنبش توده ها سوار کنند.

■ در این هنگام است که رژیم های شکنجه گر ناگهان به این فکر می افتند که برای فریب توده ها، واقعیت رسوای شکنجه، زندان و تیرباران انقلابیون را به نوعی توجیه کنند، کمیسیون های تحقیق، بازرسهای ویژه و... را به زندانها میفرستند، در درد شکنجه سخن میگویند!

بقیه در صفحه ۲۶

**شکنجه تست رسوائی
رژیم از ماها افتاده است
چرا آیت الله خمینی کمیسیون
تحقیق تشکیل می دهد؟**

بگذارید حکایتی که همه جا و همیشه در کشور های تحت سلطه تکرار میشود را برایتان بازگو کنیم ■ استعمار روحش را نگارگران و دیگر طبقات و افشار خلقی که بسیار شدیدتر از کشورهای امپریالیستی انجام میگیرد، لزوم سرکوب زحمتکشان را مطرح میکند، استعمار و سرکوب توده ها آنقدر شدید است که لیبرال ایسم منحصراً بورژوازی نیز از سوی این رژیمها مراعات نمی گردد، مبارزات توده ها شدید، سرکوب و کشتار زندان و تیرباران و شکنجه امری طبیعی است. ■ در زندانها، انقلابیون به شدت شکنجه میشوند اما رژیمهای حاکم وجود شکنجه و زندانهای سیاسی در کشور خود را تکذیب میکنند، تا وقتی که جنبش

**صد و یکمین سالگرد
تولد استالین رهبر
پرولتاریای جهان
گرامی باد!**



مقاله گرامی داشت رفیق استالین بعلم تراکم
مطالب در شماره آینده چاپ خواهد شد



**چرا نشریات رونیونیستی
ممنوع الاتشار نمی باشند؟**

شاید افرادی باشند و از خود بپرسند که چگونه نشریات کمونیستی مانند "پیکار"، "زمندگان" انقلاب "۱۰۰" اجازه انتشار دارند، اما نشریاتی مانند "مردم"، "رنجبر" و "۱۰۰" اجازه انتشار ندارند و بطور علنی و گسترده در برابر روزنامه فروشی ها به فروش میرسد؟

حقیقت آنست که نشریات دسته اول متعلق به کمونیستهاست حال آنکه نشریات دسته دوم از بقیه در صفحه ۲۴

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست